



ناشرانده های زنان افغانستان در اروپا

مارچ ۲۰۲۳ مطابق حمل ۱۴۰۲

شماره شصت و پنجم
سال بیست و سوم

بانوم



صفیه میلاد

گوهر رخشنده ی دنیای شعر و نثر





غوث الدين مير
« بنیانگذار »

هیات مدیره



سید امین (اریبال)
ویراستار



انجیر فردیانا طبیب زاده
هیات تحریر



فریبا آتش صادق
مدیر مسئول



صالحه واهب واصل



پرنیان صدیقیان



نجلای زمانی



زرغونه عطا



لطیف کریمی استالیفی



داکتر روح افزار نعیم



انجیر فردیانا طبیب زاده

بخش اداری



ولی محمد یوسفزی



انجیر فردیانا طبیب زاده



صالحه واهب واصل



غوث الدین میر

همکاران قلمی



مینا میر



سیده طلوع



گلچهره یفتلی



انجیر فردیانا طبیب زاده



صالحه واهب واصل



نجیبه آتش آزاد



پرنیان صدیقیان



لطیف کریمی استالیفی



صوفیا ولیزاده



شفیقه صدر



فریبا نصریان



کریمه ملزوم



داکتر نبیله نیکزی



عزیزه عنایت



فریبا چرخ



مرضیه جهش



سمیرا پوپلیزی



لیلما سدید



شکوفه باختری



زرغونه استانیزی عدل



دکتر شفیقه یارقین



محموده سکدری «ورکزی»



زرغونه ولی



پلوشه همزاد



آناهیتا ادا



ذکیه نوری



حورا رحیمی



قمر کرزی



نجلای زمانی



فرشته نوری

بانو

شماره ۶۵ مارچ ۲۰۲۳

هر کتابی که بوی عشق به بشریت نمی دهد، برگ کاغذ است و رنگ مرهقا

BANU
Erste unabhängiges
afghanische
Frauenjournal

Inhaber und Gründer
der Zeitschrift:
Ghousuddin Mir

Design & Druck:
MT Design Co.
www.mtdesign.at

Inhalt:
Inhalt diese Zeitschrift Vor
Wort von Inhaber und
Gründer der Zeitschrift
Heim und Familie Fraune
recht Frauen schönheit
Frauen gesund heit
Regenbogen Gedichte
Poet Frauen Occupational
Health and Beauty
Interviews Wahre
Geschichten Ein Ventil
tausend Worte Literatur
und Frauen Report
Nachricht. Kochen Frauen
freiheit bewegung Kids
und Teens Kunst und
Künstler.

Kontakt:
(0043) 660 35 45 469
mir.ghousudden@chello.at
www.akiseu.com
www.banu-magazin.com

فهرست

- ۲ - سخن فصل ----- غوث الدین میر
۳ - سخن مدیر مسؤول ----- فریبا آتش صادق
۴ - سخن ویراستار ----- سید امین آریبال
۶ - زنان در گذر زمان ----- نجلا زمانی
۷ - کودک بی سرنوشت میهن ----- حنیفه واحد
۸ - ادبیات فارسی ----- صالحه واصل واهب
۱۰ - ملکه کلیوپاترا کیست؟ ----- سیده طلوع
۱۱ - روانشناسی و ویژگی های آن ----- پلوشه همزاد
۱۲ - کوه سنگی بنام بی بی سنگی ----- عزیزه عنایت
۱۴ - انتقام بعد از مرگ ----- اناهیتا ادا
۱۸ - صحت برای همه ----- داکتر روح افزا نعیم/داکتر شکر به قرغه مینه پال
۲۲ - متفکر شدم ----- فریبا چرخ
۲۴ - صور خیال ----- فریبا ناصریان
۲۶ - د خمتا کمیس ----- زرغونه ژواک عطا
۲۸ - معرفی بانو صفیه میلاد ----- فریدانا طیب زاده
۳۰ - هشتم مارچ روز همبستگی ----- زرغونه ولی
۳۱ - سووما و یا هوما ----- مرضیه جهش
۳۲ - گزارش کنفرانس وضعیت زنان افغانستان ----- اکیس
۳۶ - زن و زیبایی ----- پرنیان صدیقیان
۳۸ - هشتم مارچ در افغانستان ----- لیلما سدید
۴۲ - بیابید آشپز خود باشیم ----- رزغونه عدل استانزی
۴۴ - آدینه شب امیر! ----- کریم استالفی
۴۵ - هالندی ----- پلوشه همزاد
۴۷ - زن، موسیقی و شعر ----- صوفیا ولیزاده
۴۹ - قطعنامه کنفرانس وین ----- اکیس
۵۱ - جشن نوروز ----- اکیس
۵۲ - افغانستانده عیالدر موسیقه سی ----- شفیه یارقین دیباج
۵۵ - مادرم ----- غوث الدین میر
۵۶ - کودکان و نوجوانان ----- مینا میر
۶۰ - متن آلمانی ----- غوث الدین میر

بانو
نخستین نشریه مستقل زنان افغان در
اروپا

بنیادگذار و صاحب امتیاز:
غوث الدین میر

مدیر مسؤول:
فریبا آتش صادق

ویراستار:
سید امین آریبال

هیئت تحریر:
لطیف کریمی استالفی، نجلا
زمانی، داکتر روح افزا نعیم،
انجینیر فردینا طیب زاده، پرنیان
صدیقیان و زرغونه ژواک

✓ اداره مجله "بانو" به دیدگاه ها، عقاید و
نظریات نویسنده ها و فرهنگیان عزیز احترام
دارد؛ اما در ویرایش نوشته ها دست باز دارد.
✓ مجله "بانو" انعکاس دهنده صدای خفته
زنان و دختران افغان است.
✓ مجله "بانو" مخالف هر گونه تبعیض و
تعصب قومی، نژادی، مذهبی و فرهنگی
است.

تماسی با ما:

(0043) 660 35 45 469
mir.ghousudden@chello.at
www.banu-magazin.com
www.akiseu.com

آدرسی فیسپیوگ ما:

ناشر اندیشه های زنان افغانستان در اروپا BANU

بر مبنای مشارکت
اشتراک سالانه در اروپا مبلغ ۴۰ یورو
قیمت تک شماره مبلغ ۱۲ یورو
مشترکین محترم خارج قاره اروپا نسبت گران بودن
بست لطفاً معادل ۶۰ یورو واریز نمایند.

شماره حساب ا.ک.ی:

IBAN:
AT89 6000 0103 1023 7189
BIC: BAWAATWW
BAWAG PSK



سخن فصل

غوث الدین میر

سخن فصل را به نام ذاتی که زن، زندگی و آزادی را نقش آفرین است، آغاز می‌کنم. عزیزانم،

وضعیت بد چند ماه پسین، به ویژه حالت خیلی اسفناک بانوان افغانستان، مرا ناگزیر ساخت تا بیشتر از همه امورات زنده گی، افکارم را روی وضعیت ناگوار وطن متمرکز کنم. روی این ملحوظ، تدویر کنفرانسی را زیر نام «انقلاب زنان» در شهر وینا، که دفتر سازمان ملل متحد درین جا موقعیت دارد، روی دست گرفتم، تا ازین طریق صدای مظلومانه زن افغانستان را به گوش مردم دنیا برسانیم و خموشی جامعه جهانی را که جز تقبیح در قبال زنده گی رقتبار بانوان کار عملی انجام نمی‌دهند، تقبیح نماییم.

کنفرانس «انقلاب زنان» یک انقلاب خود جوش بود که، از سر تا سر دنیا زنان آگاه و رسالتمند حمایت و پشتیبانی خود را با ارسال مطالب متنوع و ویدئوهای اعتراضی اعلان کردند.

در بحبوحه و جنب و جوش نزدیک شدن به کنفرانس انقلاب زنان، یازده تن از وزرای خارجه زن جامعه جهانی، حمایت و پشتیبانی شان را در کنفرانس بین المللی مونیخ از زنان افغانستان اعلام کردند، که از طرف شماری از زنان شامل در کنفرانس انقلاب زنان مورد تایید قرار گرفت.

ریاست کانون فرهنگ افغانستان مقیم وینا، به پاس قدر دانی از اشتراک و زحمات شایسته بانوان «آوارد رابعه بلخی» را تهیه و برای نخستین بار به یک بانوی مبارز در داخل کشور و دو بانوی پر تلاش در اروپا و یک بانوی عضو مجله بانو، که زحمات شان مثمر ثمر بوده و بنابر فیصله هیئت ژوری برای بانو گلچهره یفتلی، انجنیر طبیب زاده، تمنا پرنیان و زرغونه جان ولی، توسط جناب کریمی استالی اهدا و تقدیم حضور شان گردید.

در ضمن قابل یاددهانی می‌دانم که: کندی در ارسال شماره ۶۴ فصلنامه بانو به مشترکین محترم سبب سهل انگاری برخی از عزیزانی شد که خود از کار کرد شان نادم هستند.

شایسته است تا درین جا از اهدای «آوارد مهربانی» که از طرف نهاد مهربانی در شهر ورچینای آمریکا به ریاست بانو الهه احرار و تیم کاری شان باحضور داشت سید مخدموم رهین وزیر اسبق اطلاعات کلتور، میرویس بلخی وزیر معارف، فرهاد دریا هنرمند پر آوازه افغانستان، به پاس خدمات شایسته و حمایت از زنان و ایجاد فصلنامه بانو، ایجاد بنیاد خیریه میر در کابل، کمک به دختران و زنان بی بضاعت در افغانستان از طرف اینجانب صورت پذیرفته، تقدیر به عمل آمد.

همچنان تجمع زنان افغانستان از سرتاسر اروپا بتاريخ دهم مارچ و کنفرانس علمی بتاريخ ۱۱ مارچ که تعدادی از شخصیت های دانشمند و سیاسی به شمول جناب نبیل غمین مسکینیار، بانو هیلی نجیب و ده تن زنان شجاع و دلیر، از کشور های سوئیس، بلجیم، ناروی، فرانسه، آلمان، هلند، دانمارک، اتریش، ایتالیا، چک، مجارستان حضور بهم رسانیدند و در اخیر کنفرانس قطعنامه ی ترتیب و به مراجع مسوول فرستاده شد.

سخن مدیر مسوول

فربا آتش صادق



در مسیر آزادی

از زمانی که رابعه بلخی شهید راه آزادی شد در هر گوشه ار سرزمین هر چند بندرت فریاد عدالت خواهی زنان این مرز و بوم بلند بوده است. در این گوشه ی خون آلود از کره خاکی نظام های سلطه و مستبد به زن ها به چشم ابزاری برای مردان نگاه کرده اند.

با پیشرفت تکنالوژی و توسعه رسانه های جمعی صدای زنان هم بیشتر شنیده شده است این صدا در پیوند با زنان کشور های دیگر به خصوص کشور های پیشرفته جان تازه گرفته است. زنان افغانستان ثابت کرده اند که در شرایط دموکراسی می توانند جایگاه های رفیعی را علم و فرهنگ و هنر بدست آورند. چگونه در باورمان بگنجد در حالیکه زنان ما در مسیر پیشرفت و رهایی از قید و بند های سیاه سنتی رها می شدند. یکی از تباه ترین و متحجر ترین اندیشه ها در دهه سوم قرن بیست و یک در کشور حاکم شود. چقدر افتخار آمیز است مبارزه زنان و دختران افغان در برابر چنین تباهی بی رحم. مبارزه زنان با بی رحم ترین دژخیمان حاکم در حالیست که ارتش یک کشور تاب مقاومت در مقابل شان را نداشته است. کار سخت و مبارزه خونینی در پیشروست:

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حائل
کجا دانند حال ما سیکباران ساحل ها

این مبارزه بی امان جنبه های مختلفی را در بر می گیرد:

۱- مقاومت و نافرمانی مدنی: شهروندان شهرهای مختلف با اجتماعات گسترده هیمنه ی دیو سیاه استبداد را در هم بشکنند تا صدای آن ها در همه جای جهان شنیده شود تا در صدر اخبار رسانه ها قار بگیرند. همچنین نافرمانی مدنی و تمرد از دستورهای قرون وسطایی حاکمان کج اندیش، هژمونی آن ها را

بشدت ضعیف می کند.

۲- مبارزه سیاسی در داخل: بر عهده ی متفکران، ادیبان، دانشمندان و تمامی اهل قلم در داخل کشور اعم از مرد و زن است که تمام توان اندیشه و قلم خود را در جهت آگاه سازی افراد جامعه و آگاه ساختن زنان نسبت به حقوق شان طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ به کار گیرند.

۳- مبارزه سیاسی در خارج از مرزها: بدیهی است که با هجوم تیره اندیشان و حاکمیت آن ها خیل عظیم از نخبگان و متفکران به ناچار هجرت کرده اند. این مهاجران وظیفه سخت و سنگینی را به عهده دارند، آن ها می توانند از طریق رسانه های جمعی اعم از تلویزیون، رادیو و مطبوعات و هم چنین شبکه های اجتماعی پیام رسان فریاد زنان سرزمین به گوش جهانیان باشند. حتی اگر دولت های غربی بنا بر مصالحه سیاسی بخواهند درین زمینه کوتاهی کنند. با آگاه کردن افکار عمومی و فشار افکار عمومی بر دولت ها می توانند قدم های موثری برای رهایی زنان سرزمین بردارند. امروز مبارزه زنان ایران که در پیوند نا گسستگی با زنان افغانستان دارند و سال ها همزیستی همدلانه با هم داشته اند با شعار زن، زندگی، آزادی الهام بخش زنان ما هستند. ارتباط هر چه گسترده تر زنان این دو کشور بدون تردید می تواند راه آزادی را هموار تر کند.

نوروز برای ما همواره پیام آور شادی و تولد دوباره طبیعت بوده است هر چند سایه سیاه تاجر چشم دیدن نوروز را ندارد ولی ما با تمام وجود این عید بهارانه را به تک تک زنان و دختران سرزمین ما شاد باش گفته و آرزوی مان بالندگی دوباره افغانستان و نابودی تبه کاران حاکم است.



سخن ویراستار

سید امین آریبال

خود پرستی (اگویزم) -
نارسیسیزم (خود شیفته گی) -
کاریزما

خود پرستی به انگلیسی (Egotism):

پدیده‌ای فلسفی، روانشناختی است مبنی بر ترجیح خود و خواسته‌های شخصی خود بر دیگران و خواسته‌های آن‌ها.

به بیانی دیگر خود پرستی ارتباطی است که فرد خود را در مرکز جهان (هستی‌شناسی خود) قرار داده و این موجودیت و هستی، فارغ از دیگران و دنیای آن‌ها می‌باشد. و فرد خود را بالاتر و برتر از دیگران میدانند.

این مفهوم با خود شیفتگی یا نارسیسیزم رابطه تنگاتنگی دارد و ارتباط هر دو از طریق عشق افراطی به خود و غلو کردن در رابطه با انگاشتها و قابلیت‌های فردی است. فرد خود شیفته یا خود پرست، دچار یک خود برتر بینی، عمیق و خیالی است که همین خصیصه روانشناختی، او را از حقایق موجود در محیطش دور نگه می‌دارد.

وقتی این شاخصه‌های خود پرستانه به نهایت افراطی گری خود می‌رسند، موجب پیدایش جنبش‌هایی مانند فرد گرایی خود خواهانه و نفی بشردوستی می‌شود.

این افراد از دیگران استفاده ابزاری می‌کنند و خواسته‌های جمعی در ذهنیت آن‌ها اموری عبث تجلی می‌کند و دائم از جمع گرایی فرار می‌کنند.

خود شیفتگی یا نارسیسیسم به انگلیسی (Narcissism):

بیان گر عشق افراطی به خود و تکیه بر خود انگاشتهاهای درونی است.

در روان پزشکی نیز نارسیسیسم افراطی، بر اساس خصیصه‌های روانی و شخصیتی در عشق بیش از اندازه به خود و خود شیفتگی بی حد و حصر شناسایی می‌شود و آن را نوعی اختلال روانی می‌دانند.

(فروید) عقیده داشت که بسیاری از خصیصه‌های خود شیفتگی با بشر به دنیا می‌آیند و او نخستین کسی بود که خود شیفتگی را با روانکاوی توضیح داد.

آندرو موریسون نیز ادعا کرد، در دوران بزرگسالی، میزان مفیدی از خود شیفتگی در افراد وجود دارد یا به وجود می‌آید؛ که آن‌ها

را قادر می‌سازد تا در رابطه برقرار کردن با دیگران، فردیت خود را نیز در نظر بگیرند.

واژه نارسیسیسم را در روانشناسی فردی گاه به جای اصطلاحاتی مانند تحقیر کننده، پوچی، خود پرستی یا خود پسندی استفاده می‌کنند و گاهی نیز در جامعه‌شناسی آن را به جای نخبه گرایی یا بی تفاوتی نسبت به سرنوشت دیگران، می‌نامند.

در سال ۲۰۱۹ میلادی محققان دانشگاه کوئینز بلفاست ایرلند نتیجه تحقیقاتی را منتشر کردند که طبق آن خود شیفته‌ها شادتر از مردم دیگر هستند و به نظر می‌رسد کمتر در معرض استرس و افسردگی قرار می‌گیرند.

شخصیت خود شیفته یا نارسیسیست، مانند پوقانه ی ست که هیچ سوزن انتقاد را در خود نمی‌پذیرد، زیرا فکر میکند با این سوزن، همه شخصیت بادی اش، برباد خواهد شد.

کاریزما:

کاریزما به معنی جذابیت غیر عادی و دارا بودن صفت‌های ویژه و ممتاز و منحصر به فردی است که مورد پسند و ستایش تعداد زیادی از دیگر انسان‌هاست.

کاریزما جاذبه‌ای انفرادی (فردی) است، که اثری اجتماعی (جمعی) دارد.

از اواسط قرن بیستم و در ادبیات سیاسی و اجتماعی، واژه کاریزما به تعبیر غالبی در توصیف چهره‌های سیاسی برجسته بدل شد، چهره‌های مثبت یا منفی که جذابیت مقاومت ناپذیری برای توده‌ها داشته، توان اثر گذاری بی‌مانندی بر آن‌ها یافته بودند.

واژه کاریزماتیک نیز برای توصیف ابر- انسانی بکار می‌رود که فراتر از اراده و اختیار مردم، آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هیچ کس یاری مقاومت در برابر او یا حق انتخاب و انتقاد ندارد.

زبان بدن در افراد کاریزماتیک چگونه است؟

زبان بدن یکی از مولفه‌هایی است که می‌تواند ما را متمایز نشان دهد چراکه به ما این امکان را می‌دهد که راحت‌تر و موثرتر خود را ابراز کنیم و احتمال تأثیر پذیری دیگران از ما



هوراحیمی

کودک همسری:

ازدواج کودکان یا کودک همسر نوع ازدواج رسمی یا غیر رسمی است که در آن کودک دختر پیش از رسیدن به سن قانونی وارد پیمان زنا شویی میشود و عموماً در مورد کودکان دختر بکار میرود که با مردان بزرگ سال به اجبار بخاطر سنت های اجباری، قومی، فقدان دانش و یا مشکلات اقتصادی در قید ازدواج در آورده میشود. تاثیراتیکه ازدواج در سنین کودکی بروی دختران به جای میگذارد بسیار منفی و احتمال بالای مرگ به اثر عوارض بارداری و زیمان و تاثیرات روانی در دوران کودکی میباشد.

پسران هم مانند دختران زیر سایه سنت و فرهنگ تن به ازدواج میدهند که آسیب های مانند ترک تحصیل یا به ناچار تن دادن به کار های سطح پایین برای تهیه مخارج و بی بهره ماندن از داشته های زمان کودکی وده ها مشکل دیگر.

رشد کودک همسری در افغانستان با افزایش فقر بیکاری و آمدن گروه افراتی طالب رو به افزایش است و فروش کودکان که باین ترین سن از سه ساله و هفت ساله ازدیاد یافته و داستان های وحشت ناک در روستا های قندهار و مناطق جنوبی و همه ساعات کشور تکرار میشود دختران حتی سه ساله فروخته میشوند پدرانی که گرفتار قرض و اعتیاد اند به اثری ناداری غالباً دختران شان را به اثر تهدید به مبلغ کم میفروشند در غیر آن تهدید به مرگ میشوند در بعضی اوقات حتی پیش از تولد طفل شرط گذاشته میشود که اگر نوزاد کودک دختر بود در بدل پول باید پرداخته شود که خانواده فقیر مایل به آن استند فروش و ازدواج کودک در مناطق مختلف افغانستان یک امر رایج و قانونی حساب میشود و برای پراختن به پیش قرار داد میبردارند و در نقاط مختلف که قبلاً کم بود رو به افزایش است کودکان زیر پانزده سال در قیابیل مختلف به دلیل گرسنگی، دختران را میفروشند تا غذا بخورند این پدیده نه تنها در کشور ما بلکه در تمام کشور های جهان سوم رایج بوده که دختران کودک قربانی این پدیده شوم و غیر انسانی میشوند.

بیشتر شود. افراد کاریزماتیک معمولاً زبان بدن خوبی نیز دارند.

۱- افراد کاریزماتیک ارتباطات قوی ای دارند

افراد کاریزماتیک مهارت های ارتباطی خود را به طور خاصی بهبود بخشیده اند و تقریباً می توانند با هر شخصی حتی با کودکان ارتباط کلامی قوی داشته باشند. رفتار آنها در زندگی روزمره به گونه ای است که کمتر کسی از صحبت و همنشینی با آنها خسته خواهد شد.

۲- قدرت رهبری و کاریزما

این افراد دارای قدرت رهبری فوق العاده ای هستند. شخصیت های کاریزماتیک به صورت ناخود آگاه و از روی عادت کارهایی انجام می دهند که موجب جذب دیگران می شود. این افراد معمولاً از توانایی رهبری بالایی برخوردارند و می توانند دیگران را به خوبی رهبری کنند.

کاریزما یا جذابیت و شعور؟! کدام یک؟

بسیاری از افراد معتقدند، واژه «جذابیت» یا «شعور» مترادف کاریزماست. اگرچه جذابیت و داشتن یک رفتار متناسب با موقعیت های مختلف و یا به اصطلاح «با شعور بودن» از ویژگی های افراد کاریزماتیک است؛ اما این واژه ها برای تعریف کاریزما، بیش از حد مخفف شده اند و باید توجه داشت که مفاهیم جذابیت و شعور از کاریزما مجزا هستند.

اهمیت کاریزما؛ چرا باید کاریزما شویم؟

کاریزما بودن از جهت توانایی تاثیر گذاری بر دیگران حائز اهمیت است. در واقع اگر کسی بتواند خاصیت های کاریزما را در خود ایجاد کند حتی اگر هرگز مشهور نشود، می تواند حداقل روی نزدیکان خود تاثیر بگذارد. به عنوان مثال اگر فروشنده کاریزما باشد می تواند مشتریان بیشتری را جذب کرده و کسب و کار خود را گسترش دهد.

همچنین داشتن کاریزما امکان متقاعد کردن افراد را فراهم می کند. افراد دارای کاریزما بسیار راحت تر اعتماد دیگران را جلب و آنها را با خود همراه می کنند، توانایی جلب اعتماد یکی از مسائل مهمی است که در تمامی مراحل زندگی از اهمیت بالایی برخوردار است.

کاریزما از مواردی است که می تواند زندگی انسان را دگرگون کند، آن را به سمت رشد، توسعه و بهبود هدایت کند. کاریزما بودن زمینه موفقیت شما را فراهم می کند و دانستن مهارت های آن در همه جنبه های زندگی به شما کمک خواهد کرد.

با در نظر داشت آنچه ذکر گردید، دو پدیده ی نخست، در زنده گی انسانها و روابط اجتماعی اثرات بینهایت مخرب و منفی به جا می گذارند

افراد دارای شخصیت های خود شیفته و خود پرست به تداوی و کنترل جدی روان درمانی ضرورت دارند.

و اما آنچه بر همه در جهت رشد موثر و تکامل فردی موثر و مثمر اند، همانا شخصیت سازی کاریزماست، که پدید آورنده ی تاثیرات مثبت در همه عرصه های ارتباطات اجتماعی - اقتصادی می باشد.

شخصیت های کاریزماست و سمو دهنده ی کتله های عظیم جامعه اند و در رهبری جامعه نقش به سزایی را ایفا می نمایند.

ناگفته نباید گذاشت، که رسیدن به ارزش های چنین شخصیت و کسب آن، تلاش و آموزش و تغییرات بنیادی را می طلبد.

تهیه و ترتیب: امین سید (آریبال)

منابع و یوکیپدیا

Ego is the enemy کتاب:

نویسنده : Rayan Holiday

صفحه زنان در گذر زمان نخل زمانی

دانشگاه ها را به روی دختران بستند و همچنان به توهین زنان ادامه می دهند. دانشجویان دختر بسیار تلاش نمودند تا با طالبان بحث و گفتگو نمایند اما آنها تا به حال حاضر نشده اند با هیچ کسی در این زمینه وارد بحث شوند و هیچ دلیل قانع کننده ای برای بسته شدن دانشگاه ها به روی دختران ندارند.

او در مورد عواقب بسته شدن دانشگاه به روی دختران می گوید: زمانی که در یک کشور زنان و دختران نتوانند درس بخوانند، جامعه و کشور پیشرفت نمی کند و افغانستان در گودال جهل و تاریکی فرو می رود. مهاجرت، ازدواج های اجباری و مشکلات روحی و روانی در میان مردم زیاده تر می شود. او اظهار می دارد دختران خودم حال روحی بدی دارند. ما کوشش کردیم جهت رفع مشکلات روحی شان کلاس های آن لاین بگیریم. اما این کلاس ها کیفیت کلاس های حضوری را ندارند. از این رو برخی دخترانی که با چنین مشکلاتی رو به رو هستند، مأیوس و ناامید شده، دست به خودکشی می زنند.

او خطاب به جامعه جهانی می گوید: ما یکسال است که از جامعه جهانی درخواست کمک کردیم تا صدای ما را بشنوند. فقط اعلامیه های زیادی مبنی بر اینکه طالبان باید مکاتب و دانشگاه ها را به روی دختران باز کنند، صادر شد و طالبان هم این موضوع را جدی نگرفتند. رشته های تحصیلی را محدود نمودند و به دانشجویان دختر اجازه ندادند در رشته های انجینیری تحصیل کنند. حتی رشته های تحصیلی را خودشان برای دانشجویان انتخاب می نمودند. خواست ما از جامعه جهانی این است که تغییرات کلی باید در سرتاسر کشور به وجود آید و حکومتی که براساس آراء مردم باشد، روی کار آید. حکومتی که بتواند برای مردم کار کند. در حال حاضر فقر و بیسوادی در جامعه بیداد می کند و دروازه های زندگی به روی مردم بسته شده است. جامعه جهانی باید روی حکومت مشارکتی و مردمی کار کند، بعد روی مسایل مربوط به دانشگاه.

او همچنان در پیامش خطاب به دختران دانشجو می گوید: دختران دانشجو خاموش نمانند. نگذارند دروازه های دانشگاه ها به رویشان بسته شود. نگذارند حکومتی که برخوایسته از آرای ملت نیست، رشد کند. حکومت فعلی به زنان، کودکان و مردان رحم نمی کند. ما باید متحد باشیم تا افغانستان را از جهل و تاریکی نجات دهیم.

**بررسی علل و عواقب مسدود شدن دانشگاه ها
به روی دختران در افغانستان**

The Bakhtar Podcast

پخشه هفتاء نام پوښت اروپای بر گری
Sunday at 08.00 p.m. CST
www.bakhtarinstitute.org | Bakhtar Institute | Phone: 0093 78 313 946-42 | info@bakhtarinstitute.org | bakhtar-institute

نخل زمانی
انستیتوت باختر

زولیا پاریس
بهاکترار جنبش خود جوش زنان معترض افغانستان

مصاحبه با دانشجوی معترضی که از ادامه تحصیل در افغانستان محروم شد.

در مصاحبه ی که بخش رسانه و ارتباطات 'انستیتوت باختر' در برلین - آلمان در رابطه به بررسی "علل و عواقب مسدود شدن دانشگاه ها و مراکز تحصیلات عالی به روی زنان و دختران در افغانستان" انجام داد و از طریق پادکست و صفحات اجتماعی انستیتوت باختر به نشر رسید، خانم "زولیا پاریس" دانشجوی رشته ادبیات یکی از دانشگاه های خصوصی و عضو رهبری جنبش خودجوش زنان معترض افغانستان گفت:

در حال حاضر از ادامه تحصیل محروم شده ایم. ما در گذشته با تقبل زحمات زیاد توانستیم درس بخوانیم. متأسفانه با حضور طالبان دروازه های مکاتب و دانشگاه ها به روی دختران بسته شد.

او می گوید: من به عنوان یک دانشجو، هیچ وقت نمی گذارم که حق من پایمال شود. آزادی، تحصیل و کار حق من است. اگر چه اعتراضات ما سرکوب می شوند؛ اما، مثل من بسیاری از دانشجویان با قلم، اعتراضات خیابانی و ساختن ویدیو کلیپ و ارسال آنها به رسانه ها به مبارزه ادامه می دهند و تا زمانی که دروازه های مکاتب و دانشگاه ها به روی دختران در افغانستان باز نشود ما هرگز سکوت نمی کنیم.

وی در رابطه به اینکه آیا مقام های وزارت تحصیلات عالی دلایل قانع کننده ای جهت بستن دانشگاه ها و مراکز تحصیلات عالی به روی زنان و دختران در افغانستان را دارند، می گوید:

طالبان ادعا دارند، در اسلام به زنان حق تحصیل داده نشده است و نباید با پسران به صورت مختلط درس بخوانند. شرایط اسلام این نیست که دختر و پسر یکجا درس بخوانند. اگر مردی در بیرون از خانه کار کند لازم نیست که زن هم کار کند و نان آور خانه باشد. برای جلوگیری از گناه باید زنان درس نخوانند و کار نکنند. او می گوید: طالبان حتی حجاب اجباری را وضع کردند و ما حجاب را هم رعایت نمودیم و به درس خواندن ادامه دادیم. طالبان صنوف درسی دختر و پسر را جدا ساختند و ما قبول کردیم اما با پذیرش تمام شرایط وضع شده از سوی طالبان، متأسفانه باز هم دروازه های



حنیفه واحد
(خبرنگار و فعال حقوق زن)

خواننده گان گرامی و نهایت ارجمندا
آیا اطفال و نوجوان کشور ما که آینده یک ملت به دست آنهاست،
آرزوی کار و تحصیل را ندارند؟
آیا آنها حق زنده گی مدرن و با تمام امکانات را نمی خواهند؟
آری! پس این وجیبه ی همه ی ماست تا هم صدا و هم نوا شده از
هر نقطه دنیا برای حمایت این قشر رنج دیده افغان از هیچ نوع
همکاری دریغ ننموده و اقدام نمایم.

**بانو را با قلم، قدم
و درهم خود یاری نمایید.**

Website: www.akiseu.com
IBAN: AT896000010310237189
BIC: OPSKATWW

گزارش کوتاه از کودک بی سرنوشت میهن

همانگونه که زنان و مردان کشور ما در شرایط دشوار قرار گرفته اند،
جوانان و نونهالان نیز دسته ی آسیب پذیرتر کشور اند.
جوانانی که پدر و یا هم مادر خود را از دست داده و در کوچه ها و
پس کوچه های شهر و ولایات به منظور به دست آوردن لقمه نانی
سرگردان اند. اکثر این نو نهالان مصروف کار های شاقه و یا به
اصطلاح عوام دست فروشی اند.
گل چهره یکی از جمله ی همین نو جوانان کار خیابانی است، که
سرمای زمستان و گرمای تابستان باری گرانی را یر شانه های
کوچک و ناتوانش نهاده است.
او والدین اش را در اثر جنگ های داخلی از دست داده و سرپرست
چهار خواهر و برادر قد و نیم قد اش می باشد. وی سیزده سال سن
دارد و شب و روز را در جاده های شهر کابل از پشت موتر ها می دود
و برای فروش ساجق های دست داشته اش تلاش می کند تا نانی
برای خواهر و برادر کوچکتر اش به دست آرد.
وقتی با او مواجه شدم لباس های از پارچه ی کتان یر تن داشن
و از شدت سرما کرخت و کبود بود.
او حتی لباس گرم و پاپوش مناسب نیز نداشت.
وی از سختی های اطاق سرد، تاریک و نمناک شان برایم حکایت
کرد و گفت ماهانه هزار افغانی برای آن؛ کرایه می پردازد.
حین ادای کلمات گلویش بغض نموده یود و چشمان معصوم اش را
پرده ای از اشک پوشانیده بود.
گل چهره با وجود که سن کمی داشت از دولت مردان خواهان
فراهم نمودن زنده گی مرفه، کار و تحصیل شد او هر یک ازین واژه
ها را با بغض سنگینی ادا می کرد.
اما افسوس که امید هایش همه در سردی های احساس زمستان
حاکم میهن یخ زده اند.

ادبیات فارسی

۳- **صفت مفعولی**: این صفت اسم مفعول نیز نامیده میشود، یعنی صفت مفعولی بر آنچه فعل بر او واقع شده باشد دلالت می کند، مانند پوشیده و برده. صفت مفعولی معمولاً از بن ماضی به علاوه کسره «ه» ساخته می شود و بعضی اوقات «شده» هم با آن می آید. مانند «شست + ه» که صفت مفعولی «شسته» را می سازد.

- بن ماضی + ه: رفته، ساخته

- گاهی لفظ شده نیز به آن اضافه می شود: شنیده شده
- تذکر:

- اگر به اول صفت مفعولی اسم یا صفتی افزوده شود گاهی ه می افتد. گل اندوده، گل اندود

- برخی از صفات مفعولی که از افعال لازم و به ندرت افعال متعدی می آیند معنی صفت فاعلی دارند: رفته، خوابیده

صفاتی اند که به کسی، جایی، حیوانی و یا چیزی نسبت داده شوند. این صفات با اضافه شدن پسوندهای (ی، ین، ینه، های بیان حرکت، گان، انه، انی، چی) به آخر اسم یا صفت و به ندرت ضمیر، ساخته می شوند. افغانی، طوفانی، راستین، دروغین، کمینه، دیرینه، فرشتگان، یگانه، سالانه، دوگانه، گرانی، قاجاقچی و امثالهم.

۴- **صفت نسبی**: صفت نسبی همان گونه که از نامش برمی آید، صفتی است که به کسی یا چیزی نسبت داده می شود. اغلب صفات نسبی با افزودن پسوند به آخر اسم، صفت یا به ندرت ضمیر به دست می آیند. بطور مثال از این موارد به شرح زیر است:

• ی: مانند افغانی، گیاهی و...

• ین: مانند پسین، زبرین و...

• ینه: مانند پیشینه، پشمینه و...

• ه: مانند چند کاره، سواره، گلاره، بهاره، سه لایه و...

• گان: مانند رایگان، فرشتگان، شایگان و...

• انه: مانند شبانه، سالانه، دوگانه، یگانه، زنانه و...

• انی: مانند ظلمانی، تابانی، روحانی و...

• چی: مانند قاجاق چی، هارن چی و...

• گانه: مانند سه گانه و...

۵- صفت لیاقت

صفت لیاقت صفتی است که شایستگی و قابلیت موصوف را در امری می رساند؛ مثلاً:

فیلم دیدنی، کتاب خواندنی، لباس پوشیدنی

و ساختمان آن چنین است: مصدر + ی = خوردنی، گفتنی.

فعل امر در مفهوم صفت لیاقت: مانند: اسرار مگو (اسرار نگفتنی)

بن مضارع + اک = خوراک، پوشاک.

برخی از ساخت های فاعلی ثبوتی با مفهوم صفت لیاقت؛ مانند: خط خوانا (خط خواندنی)، روا (رفتنی).

بن ماضی + گار = ماندگار لایق ماندن

مصدر + ی: آشامیدنی، ستودنی

- اسم + ی: آسمانی، نارنجی



مقصدی صفحه صالحه و اصل و اهب

- اسم + ین: امروزی، آهنین

ساختمان صفات بیانی

در نظر باید داشت که هر کدام از صفات بیانی از نظر ساختمان به انواع ساده، مرکب، مشتق، مشتق مرکب و گروه وصفی (صفتی) تقسیم می شوند یعنی:

صفت ساده: که یک کلمه ساده است، مانند زیبا، گرم.

صفت مرکب: که یک کلمه مرکب است و از دو تکواژ مستقل ساخته می شود، مانند نرم خو، پاک دست.

صفت مشتق: گاهی ساختار صفت مشتق است و از یک تکواژ مستقل همراه با یک یا دو وند تشکیل می شود، مانند آزمندی، دانشمند، باخلاق.

صفت مشتق مرکب: گاهی ساختار صفت مشتق مرکب است، یعنی هم مرکب و هم ونددار است، مثلاً بزرگمردی، ددمنشانه.

ولی؛ از نظر درجه بندی و سنجش به دو صفت (تفضیلی) یا و صفت (عالی) تقسیم بندی می گردند. صفت تفضیلی و صفت عالی از مهمترین انواع صفت هستند که موارد استفاده گوناگون دارند.

صفت مشتق: گاهی ساختار صفت مشتق است و از یک تکواژ مستقل همراه با یک یا دو وند تشکیل می شود، مانند آزمندی، دانشمند، باخلاق.

صفت مشتق مرکب: گاهی ساختار صفت مشتق مرکب است، یعنی هم مرکب و هم ونددار است، مثلاً بزرگمردی، ددمنشانه.

ولی؛ از نظر درجه بندی و سنجش به دو صفت (تفضیلی) یا و صفت (عالی) تقسیم بندی می گردند. صفت تفضیلی و صفت عالی از مهمترین انواع صفت هستند که موارد استفاده گوناگون دارند.

- صفت تفضیلی یا صفت برتر

صفتی است که موصوفش تنها بر یک امر، برتر یا کمتر است. این صفت با افزودن پسوند «تر» به آخر صفت ساخته می شود:

پرسش درباره نوع کمپیوتر است. یا در جمله «چند ترموز داری؟» صفت «چند» پرسش است از تعداد ترموز. و یا «چه گونه لباس پوشیده است که بشناسمش؟» «چگونه نقاشی شده است؟» این صفات را صفت پرسشی می گویند. نوت: «صفات پرسشی» اگر بدون اسم به کار روند «ضمیر پرسشی» محسوب می گردند.

• صفت مبهم

گاهی چگونگی، تعداد یا نوع موصوف را به صورت مبهم بیان می کنیم. در جمله «چند دسته گل دارم.» صفت چند تعداد نامعین گل ها را بیان می کند. در جمله «بعضی چوکی ها کیفیت لازم را ندارند.» صفت «بعضی»، تعداد نامشخص چوکی ها را بیان می کند. یا در جمله «هیچ کس را ندیدم.» صفت «هیچ» در واقع درباره فرد نامشخصی است.

• صفت تعجبی

این صفت ها به همراه اسم می آیند و بر تعجب گوینده یا موصوف از چگونگی و مقدار موصوف دلالت می کنند. این کلمات عبارتند از: عجب، چگونه، چه، چقدر. صفت تعجبی، همان گونه که از نامش پیداست، تعجب را نسبت به موصوف نشان می دهد. مثلاً در «چه سری! چه دمی! عجب پایی!»، صفات تعجبی «چه» و «عجب» هستند. مثلاً عجب دو پرند زبیا؛ دو صفت شمارشی و زیبا صفت بیانی است. و یا چه منظره دل نشین.

-انواع صفت از نظر جایگاه قرارگیری نسبت به اسم

صفتی را که قبل از موصوف بیاید صفت پیشین و صفت پس از موصوف را صفت پسین می گوئیم. صفات پرسشی و اشاره همواره پیش از اسم قرار می گیرند. صفت بیانی اغلب پس از اسم واقع می شود، اما در قدیم گاهی پیش از اسم نیز می آمده است. صفات عددی و مبهم قبل از اسم می آیند، اما گاهی در گذشته پس از اسم می آمده اند. صفت توصیفی یا بیانی اغلب پس از موصوف می آید. اما در گذشته و در شعر گاهی پیش از موصوف می آمده و می آید، مثلاً «زهرای بزرگ زنی بود»

جایگاه صفت در جمله همچنان چند نکته مهم دارد که عبارتند از:

طوری که در بالا هم اشاراتی داشتیم، دستورشناسان، صفت را به عنوان زیرمجموعه اسم و در میان گروه های اسمی بررسی کرده اند و آنان را بسته به اینکه در جمله چه موقعیتی در برابر اسم دارند، وابسته های پیشین یا پسین نامیده اند.

به این ترتیب صفات اشاره، پرسشی، تعجبی، مبهم، شمارشی اصلی، صفت شمارشی ترتیبی (با پسوند مین)، و صفت عالی جز وابستگان پیشین اسم و صفات شمارشی ترتیبی (با پسوند م) و بیانی، از وابستگان پسین اسم اند.

نکاتی هم درباره به کارگیری صفت

۱- صفت پیش از موصوف و بعد از آن نیز می آید.
۲- هرگاه موصوف مقدم باشد، به شکل اضافه به کار می رود و کسره اضافه در حرف آخر موصوف می آید.

ای نقاب پوش سیاه دل راهی که به پیش گرفته یی ره جهنم میرسد.

در ترکیب وصفی این جمله «نقابپوش سیاه دل» در آخر نقاب پوش کسره آمده است. نوت: هرگاه موصوف به «الف» یا «ی» ختم شود در آخر آن (ی) می آید، مانند: خدای بزرگ، بالای بلند و هر زمان که به «ه» ختم شود، همزه می آید: مرده صد ساله. خانه بی صاحب. ادامه دارد....

سبزتر، تمیزتر، خراب تر، کثیف تر، سفید تر، روشن تر. بطور مثال: آیا می دانید که وقتی روابطی معنادار و پربار دارید از نظر جسمانی، عاطفی و ذهنی سالم تر هستید؟ وقتی مریض هستید، اگر یک شبکه حمایتی عاشقانه داشته باشید، سریع تر خوب می شوید؟

-صفت عالی یا صفت برترین

صفتی است که با طبقه ای از افراد یا امور مقایسه می شود و نسبت به آنها بیشتر یا کمتر است. نشانه صفت عالی پسوند «ترین» است که به پایان اسم اضافه می گردد. چیزی که نباید اجازه افتراق افتادنش را می دادند، نظر دادن مردم بود. نظر داشتن و نظر دادن در نهایت «خطرناک ترین» اتفاق بود.

نکته: صفات بیانی شکل منفی هم دارند، «پر استفاده ترین» آنها با آمدن پیشوند بی بر سر اسم و نا بر سر صفت ساخته می شوند.

بیکار، نادان، بی فایده، بیهوده

نوت: صفات بیانی ظرفیت این را دارند که جانشین اسم شوند و بدون نیاز به اسم در جمله بیایند.

• صفت عددی یا شمارشی

بعضی اوقات صفت بیانگر کمیت یک اسم میباشد مثلاً: بیانگر مقدار یا تعداد کمی آن اسم یا ترتیب آن. مثلاً: در جمله «سه بوت خریدم» صفت «سه» تعداد بوت را مشخص می کند. یا در جمله «خانه ما در انتهای کوچه دوم قرار دارد» صفت «دوم» ترتیب کوچه را نشان می دهد. یا در جمله «پانزده سومین فصل سال است» صفت «سومین» بیان کننده ترتیب فصل است. به عبارت دیگر کلمه که تعداد، شماره یا ترتیب مفهوم یا مصداق اسمی را برساند به آن صفت شمارشی نیز می گویند. اعداد برای شمارش اسم به کار می روند و ترتیب یا شماره آن را مشخص می کنند. اسمی که بعد از عدد می آید معدود نامیده می شود. و بر چهار قسم میباشد.

-الف- صفت عددی یا شمارشی اصلی یا ساده مثل: اعداد بدون پیشوند و پسوند یک، دو، سه، بیست، هفتاد و امثالهم

-ب- صفت عددی ترتیبی: مثل: (م + مین) پنجم، هفتم، دهم، چهارمین، یازدهمین، شصتمین و امثالهم

-ج- صفت عددی کسری: مثل: یک سوم، دو سوم، سه چهارم و امثالهم

-د- صفت عددی توزیعی: که از تکرار صفت عددی به دست می آید مثل: یک یک، سه سه، چهار چهار، دو به دو و امثالهم

• صفت اشاره

گاهی برای مشخص ساختن اسم، به آن اشاره باید کرد. مثلاً: «آن کتاب را بیاور» یا «آن زن معلم است» در این جملات، کلمات «این» و «آن» به اسمی که در بر دارنده موصوف است اشاره می کنند که آنرا صفت اشاره می نامیم. ناگفته نباید گذاشت که معروف ترین و پر استفاده ترین نشانه های اشاره (این و آن) هستند. اگر این دو کلمه با صفت بیایند این صفت صفت اشاره شناخته می شود. مثلاً: این میز برای تو است. آن جراب از سکینه است.

نوت: اگر (این و آن) به تنهایی کار گرفته شود در جملات در آنصورت ضمیر اشاره هستند. مثلاً: این را بردار. آن را بالا بگذار.

• صفت پرسشی

صفات پرسشی صفاتی اند که با آنها از نوع، چگونگی و مقدار موصوف پرسش می کنند. مانند چه، چگونه، چند در این جملات. گاهی پیش می آید که درباره اسم پرسشی داریم و با یک صفت پرسشی آن را مطرح می کنیم. در جمله «کدام کمپیوتر را آوردی؟» صفت «کدام»

ملکه کلیوپاترا کیست؟



سیده طلوع

از او خواست که برای پس گیری قدرت از برادرش حمایت شود. سزار در جنگ نیل با بطلمیوس ۱۳ مقابله کرد. برادر کلیوپاترا پس از شکست خوردن از سزار پا به فرار گذاشت و نهایتاً در نیل غرق شد. پس از آن کلیوپاترا و سزار ازدواج کردند و صاحب فرزندی به نام سزاریون شدند.

او با سزار ازدواج کرد و به روم سفر کرد. علی‌رغم رابطه عاشقانه با سزار، کلیوپاترا خواهان مستقل شدن مصر از سلطه روم بود، به همین دلیل از جمله کارهای مهم او به هنگام رهبری مصر، قدرتمند کردن اقتصاد این کشور بود. او تجارت‌های بسیاری را با کشورهای عربی برپا کرد.

بعد از قتل سزار سه فرمانروا در روم قدرت گرفتند که یکی از آن‌ها مارک آنتونی بود که کلیوپاترا با او ازدواج کرد. کلیوپاترا با مارک آنتونی علیه دو فرمانروای دیگر متحد شد. زیرا کلیوپاترا می‌خواست پسرش به جای اکتاوین (جانشین قانونی سزار) جانشین شود. در نهایت با کلیوپاترا و مارک آنتونی در جنگ با اکتاوین (جنگ آکتیوم) شکست خوردند و به مصر بازگشتند

جالب است بدانید که کلیوپاترا به چندین زبان مختلف صحبت می‌کرد و در ریاضی، فلسفه، سخنوری و ستاره‌شناسی هم سررشته داشت کلیوپاترا همیشه برای تحت تأثیر قرار دادن متحدانش، لباس‌های زیبایی به تن می‌کرد و باشکوه وارد مجالس می‌شد. وقتی به ملاقات مارک آنتونی رفته بود، با یک کشتی (قایق) طلا، بادبان‌هایی بنفش و پاروهای از جنس نقره به روم رسید. او مانند الهه آفرودیت لباس پوشیده بود. آنتونی که خود را تجسم خدای یونانیان دیونسیوس تجسم می‌کرد، بلافاصله دل‌بسته کلیوپاترا شد و بعدها با او ازدواج کرد. سطح تحصیلات کلیوپاترا به اندازه‌ای بالا بود که گفته می‌شود چند کتاب علمی به زبان المسعودی نوشته است.

او چار فرزند داشت که یکی از سزار و سه فرزند بعدی از مارک آنتونی بود

زنی بسیار شجاع بود به حدی که یک ناوگان نظامی را در جنگ با رومیان رهبری کرد.

مارک آنتونی تا حدی به کلیوپاترا علاقه داشت که از همسر سابق خود جدا شد تا زمان بیشتری را با کلیوپاترا سپری کند.

با وجود تجربه چندین ازدواج، او از هیچ یک از همسران خود طلاق نگرفت. در جستجو از گوگل و انترنت توسط سیده طلوع

امکان ندارد در بحث قدرتمندترین زنان تاریخ نام کلیوپاترای هفتم به میان نیاید. برخی از شخصیت‌های تاریخی و باستانی تا حدی از خود کاریزما و اقتدار نشان داده‌اند که علاوه بر جاودان شدن در تاریخ، تبدیل به اساطیر و نمادهای ملی یک کشور شدند. در بین تمام افراد، کلیوپاترای هفتم نیز یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های باستانی این کشور است که به زیبایی، هوش، سیاست و نفوذ بالا شهرت دارد. زندگی کلیوپاترای هفتم کوتاه بود. اما داستان‌های مربوط به آن به قدری جذاب بود که الهام‌بخش بسیاری از کارهای هنری، ادبی و فیلم‌ها شد. از آن جایی که اتفاقات عجیب و خاص، بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی فرمانروایان و شخصیت‌های نامدار تاریخ است، در مورد کلیوپاترای هفتم نیز حقایق و دانستنی‌های عجیب بسیاری وجود دارد.

اگر چه هنگام مطالعه تاریخ، کلیوپاترا را با عنوان‌هایی مثل کلیوپاترای مصری می‌شناسیم و طبق مستندات هم در مصر متولد شده است، اما باید بدانید که اصالت خانواده کلیوپاترا به مقدونیه یونان باز می‌گردد. کلیوپاترا از نوادگان بطلمیوس یکم سوتر، یکی از بزرگترین فرماندهان اسکندر است. خاندان کلیوپاترا حدود ۳ قرن بر مصر حکم راندند. او در دوران کودکی نوشتن، خواندن و حرف زدن به زبان یونانی را فراگرفت.

وقتی به نام کلیوپاترا فکر می‌کنید، تنها یک ملکه مصری به ذهنتان خطور می‌کند، اما این‌طور نیست. او هفتمین زن از سلسله بطلمیوس بود که این نام را به دوش می‌کشید. نام کامل او کلیوپاترای هفتم تی فیلوپارتور است که در زبان یونانی به معنای «الهه پدردوست» است.

کلیوپاترا در کودکی پرنسس مصر بود و پدرش بطلمیوس ۱۲ بود. بطلمیوس ۱۲ به مهارت در فلوت نوازی شهرت داشت. باهوشی و زیرکی کلیوپاترا باعث شده بود که فرزند محبوب خانواده خود شود و رفته رفته فوت و فن حکمرانی را از پدر خود بیاموزد.

زمانی که کلیوپاترا ۱۸ ساله بود، بطلمیوس ۱۲ از دنیا رفت و تاج و تخت را به او و برادر کوچکترش (بطلمیوس ۱۳) سپرد. بدین صورت کلیوپاترا و برادر ۱۰ ساله‌اش، حکمرانی بر مصر را آغاز کردند. از آنجایی که او خواهر بزرگ‌تر بود به سرعت سلطه اصلی را به دست گرفت. اما بعدها بطلمیوس ۱۳ بزرگ‌تر شد و عطش قدرت در او جان گرفت و صاحب عنوان فرعون شد و کلیوپاترا را از قصر بیرون انداخت.

چهل هشت سال قبل از میلاد، ژولیوس سزار وارد مصر شد. همزمان با این موضوع، کلیوپاترا خود را در یک فرش لول شده قایم کرد و مخفیانه وارد قصر شد و با سزار ملاقات کرد. کلیوپاترا



پلوشه همزاد

روانشناسی و ویژه‌گه‌های آن!

روانشناسی علم مطالعه‌ی ذهن و رفتار بوده، پدیده‌های هوشیاری و احساسات، هوش، تجربیات ذهنی، انگیزه‌های عملکرد دماغز و شخصیت را مورد بررسی قرار داده به کاوش می‌گیرد. روان‌شناسان، محقق از روش‌های تجربی برای استنتاج روابط علمی و همبستگی بین متغیرهای روانی - اجتماعی را مورد استفاده قرار می‌دهند. دانش روانشناسی علیرغم پیشینه بسیار کهن و قدیمی در کنارشته‌های علوم انسانی، دانشی نسبتاً جدید و مدرن به شمار می‌آید. دانش روانشناسی که دارای زیر شاخه‌ها و گرایش‌های بسیارمختلف و متنوع است.

تلاش می‌کند با ریشه‌یابی رفتار انسان هالگوهای رفتاری آن‌ها را تصحیح کند و در بعضی موارد با پیشبینی برخی احتمالات از بروز و به وقوع پیوستن برخی وقایع ناگوار با تبعات ناخوشایند انسانی وسیع، پیشگیری کند.

روانشناسی در کودکان و کاربردهای آن چیست؟

مسلماً دوران کودکی دوره‌ای است که نقش بسیار اثر گذار و مهمی در چگونگی زندگی آینده فرد دارد، پس اگر بخواهیم کودکان مرحله‌های رشد دوران کودکی خویش را با شادمانی و آرامش روحی پشت‌سر بگذرانند ضرور است که برای شان برنامه‌های لازم، شیوه و میتودهای معین پرورش و تربیتی صحیح در نظر گرفته شود.

چون شخصیت هر فرد در دوره‌ی زمان کودکی او پایه‌گذاری میشود، لذا به همین خاطر است که بسیاری از والدین از روانشناسی کودک استفاده میکنند زیرا روانشناسی کودک به رشد سالم و سلامتی کودک، کمک میکند.

بناءً والدین برای پرورش و تربیت سالم و درست کودک خود میتوانند از نکات روانشناسی کودک بهره‌مند شوند.

یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی که هر والدین باید آن را رعایت کنند، این است که دیدگاه کودک شناسی خوبی را در مرحله‌ی از زمان کودک شان، در نظر داشته باشند. البته با بزرگ کردن فرزند میتوان به ابعاد مختلف شخصیتی او پی برد.

در این مورد باید توجه شود که نگاه کودک به دنیای اطراف آن چیست؟ و چگونه مهارت‌های جدید برایش یاد داده شود، با احساسات او آشنا و تغییراتی که ممکن است در طول زندگی داشته‌باشد مشاهده گردد که همگی زیر شاخه روانشناسی کودک هستند.

همزمان با بزرگ شدن کودک، او در مرحله‌های پیشرفت کردن رشد جسمی قرار می‌گیرد. محیط ماحول، ژنتیک و عناصر فرهنگی می‌تواند روی شخصیت کودک تا حد زیادی تاثیرگذار باشد و البته که دشوار خواهد بود تا مسیر پیش رو را برای کودکان توضیح دهیم و

احساسات آن‌ها را تحلیل و تجزیه نماییم. دقیقاً همینجاست که روانشناسی کودک به کمک شما می‌آید و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار تان قرار می‌دهد.

رشد احساسی و اجتماعی کودک تا حد زیادی همزمان با بزرگ شدن کودک، احساسات آن نیز پیچیده‌تر میشود و احساساتی مثل اعتماد بنفس، امیدواری، گناه و غرور در آن‌ها پدیدار می‌شود و رشد احساسی همچنین توانایی کودک برای احساس و فهم عواطف دیگران شامل می‌شود که یادگیری تنظیم این احساسات برای بعضی از کودکان سخت است که در این مرحله، روانشناس و یا فهم روانشناسی کودک، کمک بسیار زیادی می‌کند.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که پدران و مادران باید به آن توجه داشته باشند، درک و فهم روانشناسی کودک است. در حقیقت آن چه والدین باید انجام دهند، یادگیری نکات ساده‌ای است که به آن‌ها گفته شود کودک چه چیزی را دوست دارد و یا دوست ندارد، چه چیزی باعث خنداندن و شادمانی او می‌شود و چه چیزی او رامتأثر می‌سازد و می‌گریاند، و چه چیز باعث می‌شود او شاد باشد و یا ناراحت.

اغلب والدین توانایی‌ها و مهارت‌های کودک را به شیوه خودشان می‌شناسند و یا تفسیر می‌کنند، در حالیکه اگر والدین کودک را به درستی نفهمند و نشناسند، ممکن است در مورد آن و توانایی‌های آن قضاوت نادرست داشته باشند.

برخی اوقات این شناخت و قضاوت می‌تواند آثار نامطلوبی در زندگی کودک به جا بگذارد. حتی گاه باعث می‌شود والدین در موقعیت‌های مهم نتوانند برای کودک خود تصمیمات درستی اتخاذ کنند.

بناءً در نظر گرفتن و رعایت مراتب ذکر شده در مرحله‌ی معین حیات کودک بمنظور پرورش و تربیت سالم آن جفاً اهمیت بزرگ و حیاتی دارد.



عزيزه عنایت

خواستگاره‌های خویش در میان اهل دربار ضربالمثل بوده است؛ زیرا او طرفداران معامله با حکومت هند برتانوی را به جای مذاکره با حکومت لندن که در جریان مذاکرات استقلال کشور مصرانه خواستار آن بودند به کنایه دختر سنگی بابا خوانده بود و همین علت‌ها سبب گردید تا امیر عبدالرحمان دستور دهد که سلول تجریدی برای او در یکی از نقاط دور افتاده‌ی کابل بنا کنند. و کوتوال (رئیس پولیس) کابل که مسؤول دستگاه بگیر و ببند و بکش امیر بود، نقطه‌ای را در دشتی که در میان قلعه‌ی واحد، قلعه‌ی نیازبیک، قلعه‌ی جواد و قلعه‌ی کلوخک (قلخک) چهاردهی کابل واقع بود، برگزید و در ظرف سه روز سلولی از سنگ و پهره‌دار برای آن اعمار کرد و بی‌بی‌سنگی را به آنجا انتقال دادند و به قول آقای فرید عظیمی که رابطه‌ی خانوادگی با بی‌بی‌سنگی دارد، در دفتر کوتوالی، این سلول به نام کوتاه‌ی بی‌بی‌سنگی ثبت گردید که به مرور زمان منطقه به همین نام معروف گردیده است، ولی به خاطر رعایت اختصار مردم لفظ بی‌بی را از آن حذف نموده و به دو معنی آنجا را کوتاه‌سنگی نامیدند. با آن که در عهد امان الله خان این سلول را ویران کردند و در دوران نامگذاری‌های «پشتو تولنه‌یی» نام آن منطقه را نیز تبدیل نموده، میرویس میدان نامیدند؛ ولی تا به امروز آن ناحیه را بدون این که وجه تسمیه‌اش را بدانیم کوتاه

کوتاه سنگی بنام بی بی سنگی!

چرا منطقه‌ای کوتاه‌سنگی را «کوتاه‌سنگی» می‌گویند؟

آیا تا کنون فکر کرده‌اید که کوتاه‌سنگی کابل به نام چه شخصیتی نام‌گذاری گردیده و چرا مردم آنجا منطقه‌ای کوتاه سنگی را «کوتاه‌سنگی» می‌گویند؟

در پاسخ می‌توان گفت که، این نام به پاس مقام ادبی و اجتماعی شیر زن استبدادستیز، سخنور و مبارز مسما گردیده است، که در اوج حاکمیت استبداد امیر عبدالرحمان خان از کسی نهراسیده، بر مستبدین تاخته و بر ظالمان خرده گرفته و از مردم خویش جانبداری نموده است.

این شیر زن مریم، معروف به بی‌بی‌سنگی و بی‌بی سیده یکی از بزرگ زنان سخنور کشور در نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم میلادی است که در آن عصر نیمه تاریک، نه تنها مشعل ادبیات عرفانی را به دست گرفت، بلکه در مبارزات استقلال طلبانه‌ی جوانان میهن پرست کشور نیز شرکت جسته و شاه استقلال بخش، امان‌الله خان را در نخستین دقایق جلوسش بر اریکه‌ی سلطنت افغانستان، تشویق به تحصیل استقلال سیاسی کشور نمود.

بی‌بی‌سنگی به علت سرایش شعر که در آن تشدد دربار امیر عبدالرحمان را در سرکوبی مردم به انتقاد گرفته بود، روانه زندان سیاسی شد. چون او زنی بود دانشمند و تحصیل کرده، امیر می ترسید که افکار وی در بیداری زنان زندانی مؤثر افتاده و اسباب دردسر دیگری را برای دولت او فراهم آورد.

و از سوی دیگر نامه‌ای از زنده یاد عبدالهادی داوی که در تمجید از رد نمودن ملاقات جارج پنجم پادشاه انگلستان توسط جنرال محمد ولی بدخشی در تابستان ۱۹۲۱م نوشته شده است، نشان می‌دهد که بی‌بی‌سنگی در مداومت و پافشاری در

جاری آبشار

بوی بهار میرسد، گل بسوار میرسد

هرسحر از سوی چمن صوت هزارمیرسد

سبز شده دشت و دمن، عطرسمن مشک ختن

فصل بهار و یاسمن، گل شده عروس چمن

اشعه خورشید زرین، سبز کند روی زمین

ابر گهر بار شده زیب بهار است چنین

ایکه تو هم بهار شو، جاری آبشار شو

در طلب مرام دل یکه ی روز گارشو

موج شگوفه سر زند، شبپره هرسو پرزند

شینم صبح بروی گل، خنده لبشکر زند

باز "عزیزه" موج گل، شادکند روان و دل

مرغ سحر مست شده، چو سرکشیده جام مل

عزیزه عنایت

هالند ۱۶/۳/۲۰۲۳

**بانو را با قلم، قدم
و در هم خود یاری نمایید.**

Website: www.akiseu.com
IBAN: AT896000010310237189
BIC: OPSKATWW

سنگی می خوانیم...

چون شوهر بی بی سنگی منشی دربار امیر بود؛ با روی دار ساختن بزرگان و متنفذین به ویژه با واسطه ساختن سلطان محمد میر منشی، امیر را وادار به عفو او ساخته و یکی دو ماه بعد فرمان صادر گردید که بی بی سنگی به علت سیادتش و رعایت خاطر شوهرش منشی حیدر علی احراری که از نواده گان حضرت عبیدالله احرار شیخ بزرگ طریقت نقشبندیه بود؛ از زندان آزاد گردید.

بی بی سنگی در سال ۱۲۴۳ خورشیدی (۱۸۶۴م) در شهر کابل دیده به جهان گشود و پدرش سنگی محمد معروف به سنگی بابا غازی از سادات جلیل القدر کُتر، عالم معتبر دینی و یکی از سرکردگان مجاهدین ملی در جنگ های اول و دوم بر ضد استعمار گران انگلیس بود.

محبوب هروی!

یکی از شعرای دری (پارسی) زبان افغانستان در نیمه قرن سیزدهم هجری محبوب یا محبوبه هروی دختر اسکندر خان نظام الدوله است که در شهر هرات تولد شد استعداد شعری رسای داشت اما در جوانی به اثر ظلم و تعدی شوهرش در سال ۱۲۶۴ ش ۵۸۸۱/ م وفات کرد او در اشعار هروی نیز تخلص میکرد.
نمونه کلامش:

غزل

رفقیان بر لب آمد جان زهجران دل فکاری را
که میگوید به آن بیرحم حال جان سپاری را
نه از بختم سر یاری نه از دلدار غمخواری
بسر بردن بسی مشکل بدینسان روزگاری را
تو ای صیاد یاد آور به قید افتاده دامت
گشا از محنت هجران اسیر خسته زاری را
جفا از حد فزون کردی بیا یک ره وفا آموز
دوا کن درد افکاران مسوزان داغداری را
گذر کن جانب "محبوب" ای دلبر زیان نبود
اگر باری بجا آری دل امید واری را

تهیه و ترتیب: عزیزه عنایت

۲۹/۱/۲۰۲۳

ماخذ: اثر داکتر حلیم تنویر



انيسا اودا

آهسته و بی صدا داخل شدم از صدای شرفه پایم روی برگشتاندم و با لبخند گفت ممنونم که آمدی. نزدیک شدم و در چوکی کنار تخت نشستم. بعد از احوالپرسی گفتم ماجرا چیست؟ خیره به چشمانم نگاه کرد و گفت میخواهم بعد از مرگم وکیل باشی. با تعجب پرسیدم یعنی چه؟ گفت فقط یک زن می تواند زنی را درک کند دلیل انتخاب من موفقیت های تو و اینکه یک زن استی، است. لطفاً مرا نا امید نساز. گفتم ماجرا را باید بدانم. گفت ماجرا بماند برای بعد مرگم از سر وضع اش معلوم میشد از خانواده ی ثروتمند است. دست کرد زیر بالشت خود و پاکت ضخیم را بیرون کرد که مقدار زیاد پول در آن بود. پاکت را بدستم داد. پرسیدم این برای چیست؟ گفت این مزد کاری است که قرار است برایم انجام دهی. پاکت را رد کردم اما با التماس و پافشاری زیاد دوباره بدستم داد. از اطمینان اش تعجب کردم. فکر کنم در چشمانم این سوال را خواند و گفت من کاملاً یقین دارم که تو این دوسیه را حل میکنی و حق به حقدار می رسد. گفتم من تا زمانی حق به حقدار نرسد به این پول دست نخواهم زد. گفت نه این پول در هر صورت از امروز برای توست به خوشی استفاده کن. بعد از چند لحظه سکوت پرسیدم، می شود در باره خودتان کمی بدانم و شناخت پیدا کنم؟ با لبخند چشمانش را بست و بعد از چند لحظه

انتقام بعد از مرگ

روزی زیبا، آفتابی و سرد زمستان بود، داشتم بخاطری دعوی که در محکمه داشتم با موکلم؛ از دفتر خارج میشدم و په طرف محکمه ی کابل میرفتم. دفتر ما در مزدحم ترین نقطه ی شهر کابل متصل به وزارت معارف قرار داشت.

آنروز رویروی دفتر منتظر تاکسی ایستاده بودم، که زنی با شتاب خود را به من رساند و با چشمان پر از اشک یک نامه سر بسته با یک یادداشت کوچک که گویا آدرسی اتاق شفاخانه جمهوریت را نشان می داد؛ بدستم گذاشت و با عجله در بین ازدحام گم شد. در نگاهش چیزی بود مانند التماس، امید و اطمینان که مرا از سوال کردن بازداشت. در جایم خشکم زده بود و فقط با نگاه دنبالش کردم. با صدای موکلم به هوش آمدم که گفت ناهید خانم تاکسی تیار است. تا چند ساعت درگیر دعوی محکمه بودم. بعد با خستگی خانه رفتم. با شکست عشقی که در نوجوانی خورده بودم از ازدواج گریزان و بیزار بودم و با پدر و مادر زندگی میکردم. آنروز مادرم خانه بود و پدر از من دیرتر خانه می رسید. مادر گفت ناهید جان دست رویت را تازه کن تا برایت چای تازه دم با کلچه خانگی بدهم. گفتم مادر جان بسیار خسته استم باز نان شب را یکجا میخوریم و تا آن زمان کمی استراحت میکنم. رفتم طرف اتاقم بعد از تبدیل لباس و دست روی تازه کردن؛ برای رفع خستگی در جایم نشستم یکدم به یاد آن زن آشفته و پریشان افتادم. با شتاب دستکولم را آوردم و پاکت سر بسته را با یادداشت آن بیرون کشیدم. بالای پاکت نوشته بود:

لطفاً بعد مرگم این پاکت را باز کن. ترا در جریان می گذارم. پاکت را در بالای میز ماندم و آدرس یادداشت را دوباره در دستکولم گذاشتم. فردای صبح در دفتر، کار مهم نداشتم یکراست و ناخودآگاه یعنی بدون اراده، خود را مقابل اتاق ذکر شده ی آدرس در شفاخانه جمهوریت یافتم. با دل شوره و آهسته داخل اتاق شدم. اتاق کوچک که دو تخت خواب داشت یکی آن خالی و دیگری زنی پشت به در خوابیده بود.

خدا حافظ دیدار به قیامت عزیزم موفق باشی . بغض امانم نداد با شتاب از اتاق خارج شدم . کمی دور تر از اتاق ، چندچوکی بود ، نشستم تا آرام شوم . تقریباً کمتر از نیم ساعت بود که نشسته بودم و مرور داشتم قصه زهرا را که مرد خوش تیپ و آراسته با موهای جو گندمی و دسته گلی زیبا در دست داخل اتاق شد . دو خانم که نرس بودند با لبخند گفتند شوهر زهرا خانم آمد . با خود گفتم چه مرد خوش تیپ .

شفاخانه را ترک کردم و با صد ها سوال که در ذهن خود داشتم طرف دفتر براه افتادم . روز های اخیر زمستان بود . زمستان رفت و درختان شگوفه زدند و همه جا بوی بهار بود و طراوت بهار .

ساعت تقریباً یازده قبل از ظهر را نشان می داد . در دفتر کار نداشتم ، میخواستم بازار بروم و کمی خرید کنم که تیلیفونم زنگ زد . برداشتم زنی آنطرف گوشی با صدای گرفته پرسید ناهید خانم استید ؟ گفتم بلی ، با بغض گفتم زهرا مرد . شوکه شدم و با شتاب پرسیدم چه وقت ؟ گفت نیم ساعت قبل اما از من خواهش کرده بود ترا احوال دهم . پرسیدم تو کیستی ؟ گفت من مریض اتاق پهلوی زهرا هستم . از دیشب حالش بد بود و امروز رفت . خانم گوشی را گذاشت فهمیدم زهرا هنوز در شفاخانه است . خود را با شتاب خانه رساندم و بدون احوالپرسی با مادر طرف اتاقم رفتم و پاکت زهرا را گرفتم . زمانی برآمدن از خانه مادر مرا دید و پرسید خیر باشد چه خبر است ؟ گفتم مادر پشت اسناد موکلم آمدیم و خدا حافظی کردم . تا کسی دم در منتظرم بود آدرس شفاخانه را گفتم زمانی آنجا رسیدم یکراست طرف اتاق زهرا رفتم تخت خوابش خالی و منتظر پذیرش مریض جدید بود . چشمانم پر از اشک شد به یاد خانم که برایم زنگ زده بود افتادم . در اتاق پهلوی داخل شدم . سه تخت بود و سه خانم استراحت بودند . چاره نداشتم فقط گفتم ناهید استم و کیل زهرا خانم . خانم تخت وسطی گفت پس شما ناهید خانم استید؟ فهمیدم کسی که زنگ زده خودش است . نزدیک شدم خودش را نسرین معرفی کرد و گفت زهرا در سرد خانه است . با شتاب از اتاق برآمدم و با پرس و پال سرد خانه را یافتم . دم در ، همان مرد که در آخرین دیدار من و ناهید گل بر دست آمده بود و گویا شوهرش بود با حالت آشفته و پریشان ایستاده بود و با داکتران دعوا داشت . نزدیک شدم و خودم را معرفی کردم ناهید استم و کیل زهرا خانم . با تعجب و دهان باز طرفم نگاه کرد و پرسید وکیل زهرا؟ گفتم بلی و وکالت نامه ی را که زهرا امضا کرده بود بدست اش دادم . گفت یعنی چی ؟ وکیل برای چه ؟ گفتم اول شما اجازه دهید و امضا کنید تا علت مرگ ناهید معلوم شود ، بعد حرف می

گفت ، من زهرا هستم . این اسم مادر کلانم است که مادرم بالایم گذاشته . یگانه دختر فامیل متوسط هفت نفره یعنی پدر ، مادر من و چهار برادرم که هر چهار با پدر از مزار شریف به کابل می آمدند و من و مادرم قرار شد دو هفته ی دیگر نزد مادر کلان باشیم و بعد در طیاره کابل برویم . اما پدر با برادران در سالنگ زیر برف کوچ شدند و با شانزده تن دیگر جان به حق دادند . چشمانش را بست و از گوشه چشمانش اشک جاری شد . بعد از سکوت تلخ ، دوباره گفت من و مادرم ، بعد از یک هفته توانستیم اجساد عزیزان مانرا دفن کنیم . امروز من و مادر تنها و بی کسی ماندیم . از پدر چیزی که مانده بود برای زندگی متوسط ما کافی بود . من تصمیم گرفتم درس بخوانم و آینده خود و مادر غم دیده ام را بسازم اما با درد و غمی که مادرم داشت ، بیش از دو سال دوام نیاورد و از دنیا رفت . آن زمان معنای واقعی بی کسی و تنهای را فهمیدم . بعد از دفن مادر کاکایم مرا با خود به خانه اش برد . سه دختر داشت و پسر نداشت . دخترانش همه پشت بخت رفته بودند . خدایی که برایم کمی نکردند و از من مانند اولاد خود شان نگهداری کردند . سال سوم فاکولته حقوق بودم که یکی از خویشاوندان زن کاکایم به دیدار شان آمدند . پسر جوان داشتند بنام حمید که سال دوم فاکولته انجینری را رها کرده در کار و بار پدر شروع به کار نموده بود . آنقدر پول داشتند که خود نمی دانستند چطور بشمارند . پسر شان گویا در نگاه اول مرا دیده و عاشق شده بود . هر چه کردم از ازدواج انکار کنم نشد چون هر روز آنها می آمدند و پافشاری می کردند . بعد از دو ماه رفت و آمد حمید در دلم شرین شد و فکر کردم که دوستش دارم . بلاخره ازدواج کردیم و امروز ، روز آخر زندگی ام بود و امروز من مردم . از آنروز به بعد مرده ی متحرک استم که صاحب یک دختر و یک پسر شدم .

دخترم بیست سال دارد و نامش زهره است و پسر ام احمد نام دارد و شانزده سال دارد . یک طفلم قبل از احمد و یک طفلم بعد از احمد ، سقط شدند . و باز قطره ی اشک از گوشه چشمانش جاری شد . فهمیدم خیلی درد دارد .

دستش را گرفتم و گفتم تا توان در بدن دارم برایت می جنگم این قول من به خودت است . دستم را فشار داد و گفت نیم ساعت دیگر خانواده می آیند و خودت را نباید اینجا ببینند . گفتم یک سوال آخر چه مریضی داری ؟ با لبخند تلخ گفت روز شماری برای مردن . اما متاسفانه داکتران از تشخیصی مریضی من عاجز اند . فقط روز بروز بدتر می شوم و روز های آخر عمرم است . گفتم چرا خارج از کشور رفتی؟ گفت تا جایکه امکان داشت چندین کشور را با شوهرم رفتم اما همه از درمان من عاجزانند . وکالتنامه را امضا کرد . بانگاه امیدوار گفت

خارج کنند تا حمید مرا تعقیب نتواند. گفت شما را من با موتر خودم که شیشه های رنگه دارد بیرون میکنم شما در بیرون طرف را نشان دهید تا یکی دو نفر را وظیفه دهم تا ختم دعوی شما او را زیر نظر داشته باشند. همچنان یکی دو نفر به منزل و دفتر شما هم میگمارم. گفتم لازم نیست. گفت نه روند کاری ما ایجاب می کند چون حالا پای من هم در این قضیه کشانده شده و مسولیت دارم. وقتی از در بیرون می شدیم دیدم چهار چشم طرف در نگاه می کند و منتظر برآمدن من است. او را به قوماندان امنیه نشان دادم او هم در تلیفون دستی هدایت لازم را داد تا او را زیر نظر بگیرند.

آدرس خانه را دادم و پیش خانه با قوماندان امنیه خدا حافظی و تشکری کردم. داخل خانه شدم گرچه از صبح چیزی نخورده بودم اما احساس گرسنگی نداشتم.

در اتاقم را بستم و پاکت زهرا را باز نمودم که نوشته بود:

ناهید عزیز

اولین کسی استی که امروز از راز زندگی من باخبر میشوی و پرده از راز من بر میداری. برایت موفقیت آرزو دارم چون کامیابی تو برد من است.

تمام خانواده و دو اولاد من هرگز نفهمیدند من چه میکشتم و درد من چیست. تمام داکتران از تشخیص درد من عاجز بودند. تنها من و شوهرم حمید می دانستیم که چه گپ است.

با هزاران آرمان و آرزو با حمید عروسی کردم و آن شب بی اندازه خوشحال بودم. فکر میکردم خوشبختی یعنی این. زمانی مادر شوهرم مرا به اتاق عروس و داماد برد و برای ما آرزوی خوشبختی کرد قلبم می طپید و خیال پردازی داشتم. حمید دستم را گرفت مرا روبروی خود نشاند و گفت، زهرا میخوایم از اولین شب همه چیز را روشن سازم. و آمرانه گفت: طرفم نگاه کن و تا زمانی حرفم تمام نشده صورت خود را پائین نکن. با شرم و ترس به چشمانش نگاه کردم قلبم لرزید. چون آن چشمان، چشمان حمیدی که یک ساعت قبل که با عشق نگاهم می کرد، نبود. چشمان شیطان با شراره های آتش جهنم بود. از ترس سراپا لرزیدم. گفت زهرا بعد از همین لحظه حق نداری آرایش کنی و لباس های زیبا بپوشی. حق نداری طرف چشمان دیگران نگاه کنی یا لبخند بزنی. حق نداری از خانه بیرون بروی. هرچه خواستی برای خودم بگو اگر لازم بود برایت میگیرم. ورنه ادب ات میکنم حق نداری با کاکا و خانم کاکایت رفت و آمد کنی و حق نداری در این موارد با کسی یک کلمه حرف بزنی. اگر جرات کنی و کسی را با خبر سازی از به دنیا آمدن پیشیمان میشوی. از امروز به بعد فقط من قبله و کعبه تو من استم. اشک از چشمانم جاری

زنیم. گفت ناهید در شفاخانه جان داده از چندین ماه مریض بود مرگش کدام علت خاص ندارد. نمی خواهم زهرا یم را زجر دهند. جسد اش را تسلیم کنند تا برای آخرین بار به خانه اش برود. داکتران طرف یکدیگر دیدن و یکی از آنها گفت برگه ی مرگش را بگیرید میتوانید او را ببرید. قبل از آن باید امضا کنید که جسد را تسلیم شدید. با شتاب گفت ممنونم. با صدای بلند گفتم نخیر من اجازه نمی دهم و به صفتی وکیل زهرا برگه ی طب عدلی را امضا میکنم. با قهر و خشم گفت من به شما اجازه نمی دهم. گفتم زهرا برایم این اجازه را داده. دوباره وکالت نامه را بدست داکتر دادم.

داکتر گفت درست است پس شما امضا کنید. برگه را امضا کردم. شوهر زهرا که حمید نام داشت از خشم میلرزید و زیر زبان دشنام می داد که نفهمیدم برای کی بود؟ از طب عدلی گفتند فردا نتیجه را برایتان می دهم و و هر زمان خواستید جنازه را تسلیم شما میکنیم. از داکتران تشکری کردم و طرف در خروجی روان بودم که حمید آمد و گفت وکیل خانم اسم تانرا فراموش کردم. گفتم ناهید استم گفت ناهید خانم میتوانم بدانم که شما را چرا زهرا وکیل گرفته؟ گفتم هنوز خودم هم نمی دانم با تعجب پرسید یعنی چه؟ گفتم همه اینا در پاکتی است که وصیت شده بعد مرگ اش باز شود. رنگش پرید و گفت می شود باهم پاکت را باز کنیم؟ گفتم نخیر اصلا امکان ندارد چون اگر میخواست برایم میگفت با شما یکجا پاکت را باز کنیم. گفتم خدا حافظ فردا می بینیم. باز پرسید میشود آدرس تانرا داشته باشم؟ گفتم نخیر ضرورت نیست فردا می بینیم. دوباره گفت حداقل شماره ی تماس تانرا برایم بدهید. شماره را نوشتم و بدست اش دادم و با عجله خارج شدم تا کسی گرفتارم و طرف دفتر روان شدم. نمیدانم چرا ناخود آگاه از شیشه به پشت سر نگاه کردم دیدم که با شتاب در موتر را باز کرد فهمیدم می خواهد مرا تعقیب کند. با خود فکر کردم این حالت نرمال نیست شاید در خطر باشم. او با پول و قدرت که دارد هرکاری از دست اش برمی آید. به راننده گفتم قوماندانی امنیه میرویم. چون محکمه کابل همچنان داخل محوطه ی قوماندانی امنیه بود، طرف شک نمی کرد که چه خبر است. عاجل و با شتاب از در تعمیر محکمه داخل شدم. می دانستم آنجا منتظر می ماند تا دوباره خارج شوم تا او مرا تعقیب کند. یک راست دفتر قوماندان امنیه رفتم و کارتم را به پذیرش دفتر اش دادم و درخواست ملاقات کردم. بعد چند دقیقه مرا به داخل راه دادند قوماندان امنیه با خوشرویی سلام کرد و پرسید چه می توانم برایت انجام دهم؟ فشرده قصه را برایش تعریف کردم و خواستم قسمی مرا از آنجا

قتل همسر شما.

با داد و فریاد میخواست بر من حمله کند که پولیس مانع شد و دستبند بر دست اش زد. گفت اجازه دهید با وکیلیم زنگ بزنم. گفتند فردا میتوانی با وکیلتم تماس بگیری حالا امشب توقیف استی. با قوماندان امنیه خدا حافظی کردم. فردا اول وقت خود را شفاخانه رساندم و طب عدلی علت مرگ زهرا را بند شدن اکسیژن بیان کرده بود و همچنان سی و چند نشان زخم های دیرینه در وجودش بود که نشان دهنده شکنجه ی دوامدار است. راپور طب عدلی را گرفتم و طرف قوماندانی روان شدم زمانی آنجا رسیدم پلیس او را تسلیم سارنوالی کرد. در آنجا بعد از چند ساعت تحقیق او اعتراف کرد که زنش را شکنجه نموده بخاطر که عاشق زنش بوده و زن او هر زمانی که قول شب اول عروسی را فراموش می کرد، او به صفتی شوهر اش او را ادب می کرده است. از خشم بخود می پیچیدم بلند شدم بعد از اجازه گرفتن از تحقیق کننده ها برایش گفتم حمید، زهرا گفت برایت بگویم از شب اول عروسی از تو متنفر بود هر زمانی که او را لمس میکردی از خدا برای خود مرگ و برای تو عذاب آرزو کرده بود. با مشت بر سر خود زد و گفت: لعنت به زهرای نمک حرام.

دخترش زهره و پسر اش احمد هر دو آنجا بودند از اینکه پدر شان چه ظلم های بالای مادر مظلوم شان نموده و اینا بیخبر بودند خود را ملامت می کردند.

محکمه ثابت ساخت که زهرا با بالشت توست شوهر اش خفه شده و در شفاخانه همچنان او شکنجه می شده شوهر زهرا به حکم قتل خانم خود به بیست و پنج سال حبس با مشقت راهی زندان شد و من با فرزندان زهرا با برگه ی محکمه راهی سرد خانه ی شفاخانه شدیم. فردا صبح اول وقت جسد زهرا را به گورستان بردیم و با خواهش فرزندان اش برای آخرین بار روی زهرا را باز کردند؛ احساس کردم خیلی راحت و آسوده خوابیده است.

بانو را با قلم، قدم و در هم خود یاری نمایید.

Website: www.akiseu.com
IBAN: AT896000010310237189
BIC: OPSKATWW

شد. یک سیلی مانند گرز آتشین به صورتم نواخت که ستاره های آسمان را دیدم. و گفت پیش همه اقارب از من با لبخند و خوشروی و احترام اطاعت میکنی و من هم در آن زمان با محبت و عشق با تو رفتار خواهم کرد. چشمانم را پائین کردم دومین سیلی را بر رویم نواخت. آن شب مانند شب یلدا شب سیاه و دراز بود. با شکنجه ی روحی و جسمی. در آن شب معنای اصلی جهنم را فهمیدم. همیشه بدون موجب لت و کوب میشدم. بعد از اولین طفلیم قبل از احمد و بعد از احمد دو طفلیم از بین رفتند و خودم را قاتل آنها قرار داده بود. می دانی زجر آور ترین چیزی که مرا متنفر می ساخت این بود که در مقابل دیگران مرا سجده می کرد و از من خواسته بود که من همچنان در مقابل همه با او نقش لیلی و مجنون را بازی کنم. همه فکر می کردند من زنی خودخوا و بی رحم استم که با بی پروایی دو طفلیم را هم از دست داده ام و هیچ کسی را انسان نمی شمارم. یعنی خود را گم کرده ام. دختر نا سپاس و نمک حرام که نمی خواهد با یگانه فامیل که او را از فرزندان خود بیشتر دوست داشتند رابطه داشته باشد. خلاصه زهرا یک زن نمک حرام و ناسپاس. سالهاست که من مرده ی متحرک استم و قاتل من شوهرم حمید میباشد مرا تسلیم طب عدلی کنید و بگوید مرا با دقت کامل بررسی کنند. آنها آثار بیست و یک سال شکنجه ی مرا نادیده نگیرند. روح من بیشتر از جسمم زخمی است. اما آثار شکنجه ی این سالها در جسم من کافی است تا حمید را در بند کنند.

ناهید عزیز برای حمید بگو از شب اول از او متنفر بودم و زمانی مرا لمس میکرد، هزاران بار از خداوند برای خود مرگ و برای او عذاب آرزو کردیم. لعنت بر او باد. با خواندن داستان زهرا شوکه بودم و باورم نمیشد که اینگونه مخلوق در دنیا وجود داشته باشد. با شتاب لباس پوشیدم و بی درنگ خود را به قوماندانی امنیه رساندم خوشبختانه که قوماندان امنیه در دفترش بود و عاجل مرا پذیرفت از او خواهش کردم که با سند دست داشته باید قبل از فرار دستگیر شود.

قوماندان امنیه گفت اگر طالع ما خوب باشد او هنوز انتظار ترا می کشد.

به ساعت نگاه کردم بیست دقیقه به رخصتی مامورین مانده بود. گفتم من حالا از در قوماندانی آمدم. با افراد خود تماس گرفت احوال دادند که حمید هنوز چهار چشمه بدر نگاه می کند و منتظر است.

قوماندان امنیه دستور دستگیری او را داد. بعد از چند دقیقه او را آوردند. با خشم میگفت مرا به کدام جرم دستگیر کردید. قوماندان امنیه گفت اول به جرم تعقیب و چند ساعت انتظار برای ناهید خانم و دلیل دوم به جرم



مقدمه: دکتر روح افزا نعیم

امراض مقاربتی و انتانی دستگاه تناسلی زنانه (Vulvovaginitis)

گاهی ترشحات غیر طبیعی از ناحیه تناسلی و درد های حوصله را دارا می باشد.

تشخیص آن گرفتن و معاینه مواد افزاری واژن در زنان و در مردان از افرازات آله تناسلی مرد اجرا میشود، اگر نزد خانم گونوریا یا سوزاک تشخیص شود، شوهر هم باید تست و معاینه گردد.

تداوی سوزاک با آنتی بیوتیک های مانند امپیسلین و یا اریترومیسین و یا سیپروفلوکساسین؛ بعد از تشخیص توسط داکتر معالج صورت میگیرد.

۲- باکتری کلامیدیا Chlamydia: مصابین این مرض گاهی اعراض و علایم ندارند و بعضا علایم دارند مانند احساس سوزش در زمان ادرار کردن و یا آمدن خون از راه تناسلی. اعراض آن در مرد ها از زن ها فرق دارد، بعضا این مرض سبب میشود که زن باردار نشود پس باید تداوی دقیق و اختصاصی صورت گیرد.

امراض که زیادتر دستگاه تناسلی را مصاب میسازد:

امراض باکتریایی که ۱۸ تا ۳۷ درصد انتانات تناسلی زنانه را تشکیل میدهد.

چرا دستگاه تناسلی زنان زودتر و زیادتر مصاب باکتریها میشوند؟
خوانندگان گرمی از یک طرف دستگاه تناسلی زنان از نظر اناتومی فرق دارد و مرطوب است و از طرف دیگر زمانیکه موازنه باکتری های نورمال واژن در اثر بر هم خوردن با باکتری های که از خارج در واژن داخل میشوند PH یا درجه اسیدیته یا (درجه ترشی) ناحیه مهبل یا واژن تغییر کرده و زمینه برای رشد و فعالیت باکتری های خارجی مساعد شده و شروع به تولید مرض میکنند و هم در خانم هایکه مقاومت بدن شان پایان شده باشد بدن علیه باکتری ها مدافعه کرده نمیتواند.

۳- سفلیس Syphilis: راه انتقال این باکتری راه جنسی است اما از

مریضی های انتانی دستگاه تناسلی زنانه آن مریضی های اند که از طریق رابطه جنسی مانند راه (مهبل، مقعد، دهن) از طریق انتقال خون، استفاده از سوزن های آلوده و مشترک برای چند مریض و یا از مادر آلوده به نوزاد انتقال میشود. از آنجاییکه ناحیه تناسلی گرم و مرطوب است، عامل و سبب این مریضی ها میتوانند ویروس ها، باکتری ها و یا پرازیت ها و پوپنک ها باشند.

زنان نظر به نوع ساختمان و اناتومی ناحیه و دستگاه تناسلی خود بیشتر از مردان به بیماری های مقاربتی مبتلا میشوند و از طرف دیگر رطوبت درونی دستگاه تناسلی زنان امکان آلودگی و انتشار امراض را نزد شان بالا میبرد که این آلودگی، حتی تا لوله های رحمی انتشار کرده و به تخم دان ها میرسد.

علایم مریضی های مقاربتی در نزد زنان:

علایم این بیماری ها همیشه واضح و آشکار نیست ازین سبب میتوانند که به شوهر هم انتقال کنند در بسیاری واقعات علایم ذیل نزد خانم ها دیده میشود:

- * احساس درد در حوصله یا لگن خاصره.
- * ناراحتی یا درد ها در زمان رابطه جنسی.
- * درد و سوزش زمان ادرار کردن.
- * خارش در اطراف ناحیه تناسلی.
- * افرازات غیر معمول و یا خونریزی از طریق ناحیه تناسلی یا واژن.
- * درد در ناحیه زیر شکم.
- * تب خال یا خارش، زخم ها در اطراف ناحیه تناسلی و مقعد.

۱- گونوریا gonorrhea یا سوزاک:

عامل آن باکتری گونوکوک به نام نایسریا گونوریا است، که اکثرا با کلامیدیا به وجود فعالیت میکنند و این باکتری تنها از راه رابطه جنسی منتقل میشود و در زنان بیشتر اوقات بدون علامت است و

ناحیه تناسلی ، سوزش ناحیه و افزایش سفید رنگ است علاوه بر این پوینک در نقاط دیگر بدن مانند زبان و پوست هم مشکلات ایجاد میکند زیادتر از ۲۰ نوع آن وجود دارد و ۲۵ تا ۴۴ درصد امراض تناسلی زنانه را تشکیل میدهد زمانیکه مقاومت بدن پایان میآید و زمانیکه انتی بیوتیک دوامدار گرفته شود و در نزدیکی های عادت ماهانه پوینک ها حمله ور میشوند .
قرار احصایه ها سالانه در هر ۱۰۰۰ زن ۱۹ واقعه انتانات طرق تناسلی دیده میشود .

خلاصه :

- افزایش در انتانات باکتریایی سفید خاکی رنگ اند.
- در انتانات پوینکی افزایش سفید شکنند یا به شکل توتیه توتیه است.
- در انتانات زهروری یا مقاربتی مانند تریکوموناز و کلامیدیا افزایش زرد رنگ و زیاد است.
- قابل توجه خانم ها !
- ۱. در زمان شستشوی ناحیه تناسلی به جز آب از هیچ نوع مواد شستشوی دیگر بدون مشوره داکتر معالاج استفاده نشود.
- ۲. در زمان مقاربت جنسی برای جلوگیری از انتقال مرض به طرف مقابل تا زمانیکه تشخیص قطعی صورت گیرد از کاندوم استفاده شود و بهتر است اگر تا زمان تشخیص قطعی مقاربت جنسی صورت نگیرد .

تداوی :

تداوی نظر به تشخیص و نوع باکتری و یا پوینک و یا عامل دیگر توسط داکتر معالاج صورت میگردد ، اگر خانم حامله باشد تداوی از طریق موضعی به شکل پوماد و یا تابلت های مهلبلی تطبیق میشود، در حالات امراض مقاربتی شوهر هم تحت تداوی قرار میگردد.

طریق تماس با غشای مخاطی و زخم های سرباز هم انتقال میکنند و هم چنان از مادر سفلیس دار به جنین و هم در زمان شیر دهی از مادر سفلیسی به طفل انتقال میکند ، اعراض و علایم آن چهار مرحله دارد در هر چهار مرحله میتواند سیستم عصبی را مصاب سازد.
علایم آن خستگی ، تب ، سردرد ، درد مفاصل ، ریزش موی ها و کاهش وزن و زخم های پوستی و غشا های مخاطی اند.

عفونت ها یا امراض ویروسی :

۱ - تبخال تناسلی - عامل این بیماری ویروس هرپس سمپلکس است و اکثرا افراد که به آن مصاب اند از مصابیت خود اطلاع ندارند و اکثر مردم تا پایان عمر بدون هیچ گونه علامه زندگی میکنند اما ممکن است به همسر آن منتقل شود و اعراض و علایم بدهد که علایم آن عبارت از درد ، حساسیت ناحیه مرضی ، بخارات دردناک در ناحیه تناسلی ، خارش و سوزش ناحیه است.

۲ - هپاتیت بی - ویروس هپاتیت بی از راه رابطه جنسی ، از طریق خون و هم از مادر به جنین منتقل میشود و میتواند سبب التهاب شدید کبد و سرطان کبد شود. علایم آن احساس خستگی شدید ، درد شکم ، بی اشتها ، دلبدی و استفراغ ، درد مفاصل ف تب ، سردردی و ادرار تیره رنگ و زردی است و در اشخاص متفاوت است .

۳ - ایدز - این ویروس از راه خون ، رابطه جنسی و از مادر به جنین و از مادر به طفل شیرخوار منتقل میشود و سلول های دستگاه ایمنی یا سیستم معافیتی بدن را حمله ور شده و آنرا بسیار ضعیف میسازد .

علایم آن مانند آنفلوانزا است مانند درد عضلات ، گلون درد ، اسهال و استفراغ همراه است مبتلایان ایدز بعد از مصاب شدن بین شش ماه تا ده سال متوجه مرضی خود میشوند.

۴ - پاپیلوم انسانی - این ویروس هم از طریق رابطه جنسی منتقل میشود که پوست و غشا های مخاطی گلون ، دهن ، مقعد و گردن رحم را آلوده میسازد و بیش از ۱۵۰ نوع این ویروس وجود دارد که در اکثر موارد افراد مبتلا از آن بی خبر اند نوع خاص این ویروس بنام زیگل تناسلی یا زخ تناسلی یاد میشود .

انتانات پرازیتی :

۱ - تریکومونازس - که عامل آن تریکوموناس واژینالیس است ، در ۷۰ درصد موارد علایم آن بروز نمیکند ،
اگر بروز کند علایم آن ترشح افزایش با بوی بد ، درد و ناراحتی در زمان مناسبت جنسی و سوزش در زمان ادرار کردن است .

انتانات پوینکی یا کاندیدیازس :

عامل این مرضی یک نوع پوینک است و علایم آن خارش

**بانو را با قلم، قدم
و درهم خود یاری نمایید.**



مقدمه و اکتربنده نیکزنی

ویروس HPV یا Human Papilloma Virus:

این ویروس شیوع بیشتر را نظر به دیگر امراض زهروی یا (STD (Sexually Transmitted Diseases

داشته و در زمان آمیزش جنسی و از طریق تماس مستقیم بین افراد انتقال می‌کند و بیشترین شیوع را در زنانی دارد که سن کم دارند و از نظر جنسی فعال هستند.

بیشتر از ۱۵۰ نوع آن وجود دارد که تقریباً در حدود ۴۰ نوع یا بیشتر آن باعث انتقال این مرض شده و مشکلات صحتی و سرطان را سبب میشوند.

عموماً مرد ها ناقلین خاموش این مرض هستند چون اعراض و علائم در نزد شان دیده نمی‌شود و در هنگام مقاربت جنسی باعث انتقال این مرض به فرد دیگر میگردد.

اعراض و علائم HPV و امراض را که این ویروس سبب میشود:

اکثر مردان و زنانی که دچار این عفونت هستند از این موضوع بی اطلاع میباشند، زیرا در بدن آنها علائم یا اعراض مرضی ایجاد نمی‌شود و متأسفانه که این اشخاص مصاب به مرض بدون آگاهی قبلی می‌تواند باعث انتقال مرض به فرد دیگر شود.

امراض را که HPV باعث میشود:

۱- مهمترین آن سرطان عنق رحم است که در حال حاضر چهارمین نوع سرطان شایع در میان زنان است.
انواع خطرناک آن: ۱۶ type & ۱۸ type میباشد که باعث بوجود آمدن سرطان در نواحی تناسلی زنان و مردان، سرطان دهن و گلو و سرطان مقعد میگردد

۲- Genital Warts:

زخ‌ها یا برآمدگی‌های گوشتی در نواحی تناسلی زنان و مردان (Type ۱۱ & ۶)؛ که این رشد و نمو های غیر طبیعی، سرطانی نبوده و به وسیله دوا و جراحی تداوی می‌شود.

معاینات تشخیصی:

۱- در صورت مصاب شدن به کانسر یا سرطان عنق رحم (دهانه رحم)، تشخیص آن توسط Pap Smear، که رایج ترین معاینه برای تشخیص سرطان های عنق رحم میباشد، صورت می‌گیرد.

۲- تشخیص Genital Warts یا زخ‌ها یا برآمدگی‌های گوشتی در ناحیه تناسلی:

توسط معاینه داکتر و مشاهده عینی این زخ‌ها در نواحی مصاب شده صورت می‌گیرد.

۳- Colposcopy:

نمونه گرفتن جرات از عنق رحم و معاینه آن جهت دریافت جرات

غیر طبیعی یا جرات سرطانی میباشد.

۴- معاینات خون متاسفانه نمیتواند، بیماری HPV را تشخیص کند.



تداوی اشکال مختلف HPV:

در صورت مصاب شدن عنق رحم به این ویروس و مشاهده نمودن جرات غیر طبیعی یا سرطانی باید این جرات توسط عملیه های مختلف برداشته شود.

مانند:

۱- Cryosurgery (Freezing): یا منجمد نمودن انساج مصاب توسط نایتروجن مایع.

۲- Laser Therapy: از بین بردن جرات توسط اشعه لیزر

۳- LEEP (Loop Electrosurgical Excision Procedure):

که از بین بردن جرات غیر طبیعی با حلقه الکتریکی یا داغ میباشد.

۴- Cold Knife Conization: عملیه جراحی میباشد که توسط آن بخش مصاب شده عنق رحم به این ویروس برداشته میشود.

۵- تداوی زخ‌ها یا برآمدگی‌های گوشتی در نواحی تناسلی و مقعد که باعث درد، خونریزی، سوزش و خارش در این نواحی میگردد در اکثر مواقع به شکل خود بخودی از بین میرود اما در غیر آن و ایجاد عوارض شدید در نزد مریض، برداشتن آن توسط عملیه جراحی یا اشعه لیزر و همچنان استفاده از کریم های موضعی و دیگر مرکبات کیمیایی صورت می‌گیرد.

رول سیستم معافیتی بدن در مقابل HPV و تاثیرات آن در زمان حاملگی و انتقال آن به نوزاد:

سیستم معافیتی بدن قادر است تا انواع بیشتر HPV را قبل از اینکه

که دوز دوم معمولاً ۶ ماه بعد از دوز اول تطبیق میشود .
اگر واکسین HPV قبل از مصاب شدن به ویروس تزریق شود
تاثیرات آن ۹۹٪ میباشد .
تزریق واکسین نزد خانم های حامله منع شده است .
عوارض جانبی واکسین شامل تب خفیف ، ادیما یا
پنیدگی و خارش موضعی در ناحیه واکسین میباشد .
پژوهشگران همچنین در حال حاضر در تلاش ایجاد یک
واکسین برای افرادی هستند که قبلاً به انواع ۱۶ & ۱۸
ویروس HPV مبتلا میباشند ، که حجرات مبتلا را هدف
قرار داده تا مانع تبدیل آن به سلول های سرطانی شود .

فکتور های کمک کننده HPV :

- ۱- استفاده از سگرت و دخانیات .
- ۲- داشتن رابطه جنسی با بیشتر از یک فرد .
- ۳- امراض وخیم ، شیمو تراپی و رادیوتراپی که سبب
ضعیف شدن سیستم معافیتی بدن میگردد .
- ۴- مشروبات الکولی .
- ۵- Stress و تشوشات روزانه .
- ۶- انجام ندادن معاینات Pap Smear به وقت و زمان آن .
- ۷- مراعات نکردن مقاربت جنسی مصئون .
- ۸- مراعات نکردن بهداشت و حفظ الصحة .

**بانور با قلم، قدم
و درهم خود یاری نمایید.**

Website: www.akiseu.com
IBAN: AT896000010310237189
BIC: OPSKATWW

اشخاص آسیب بینند از بدن ریشه کن کند ، که اکثرآ بیماری
های HPV به مرور زمان و سیستم معافیتی بلند از بین می روند
اما در صورت ضعیف شدن سیستم معافیتی در اثر بیماری های
دیگر امکان برگشت آن وجود دارد و در اکثر مواقع خطرات
سلامتی جدی را به همراه می داشته باشد .
ویروس HPV تاثیر مستقیم در زمان بار داری بالای مادر یا جنین
ندارد و خطری را سبب نمی شود .
اما اگر تداوی عنق رحم جهت از بین بردن حجرات سرطانی یا
غیر طبیعی به صورت مکرر صورت گرفته باشد ، خطر زایمان
زود رس و چانس تولد نوزاد با وزن کم را می تواند افزایش دهد
و همچنان بعضاً سقط های جنین .
ویروس HPV به ندرت از مادر به نوزادش در هنگام زایمان منتقل
میشود و اگر هم در موارد نادر این اتفاق رخ بدهد ، از انواع
سرطانی HPV نمی باشد و انتقال آن در صورت HPV Genital Warts
از طریق عبور کانال ولادی به نوزاد صورت می گیرد .

واکسین HPV :



: GARDASIL

اسم واکسین HPV میباشد که ، تزریق این واکسین تنها می تواند
از ایجاد بیماری جلوگیری کند ولی قادر نیست عفونت یا
مکروب موجود را درمان نماید .
واکسیناسیون افراد باید قبل از آغاز فعالیت جنسی آنها صورت
گیرد . این واکسین در حال حاضر بخشی از مراقبت های
استندرد را برای دختران و پسران در بسیاری از کشور ها (امریکا
و اروپا) تشکیل می دهد .
تحقیقات اخیر نشان داده است که واکسیناسیون زنان و مردان
میزان شیوع جهانی سرطان رحم را تا حدود ۹۰٪ کاهش می
دهد .

سن مناسب برای تطبیق این واکسین بین سنین ۱۱ و ۱۲ سال میباشد
اما از سن ۹ سالگی هم واکسین می تواند تطبیق شود تا سن ۲۶
سالگی .
واکسین در دو یا سه دوز تطبیق میشود .



فریبا پرچی

زمان برق آسا میگذشت، روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سالها پیهم مسیر شانرا پیمودند، خواهر و برادرانم نیز بزرگ شدند و هر کدام مصروف درس و زندگی خود، پدر و مادرم هم مشغول کار. من هم قدمی کشیدم و طبق معمول بزرگتر میشدم و بیشترین وقتم را با پدر بزرگ، مادر بزرگ و کاکایم سپری میکردم.

ده سال داشتم که پدر بزرگم فوت کرد و خیلی‌ها غمگین شدم، بعد از چندی مادر بزرگم را هم از دست دادم. اما کاکایم بسیار با من محبت داشت و نمیگذاشت که جای خالی عزیزان از دست رفته‌ام را حس کنم. اما دریغ و درد که هنوز غم از دست دادن مادر بزرگ و پدر بزرگم برایم خیلی تازه بود، پدرم را در اثر یک تصادف از دست دادم.

سایه سیاه زندگی ماحول ما را فرا گرفت و به همه خوشی‌های ما نقطه پایان گذاشت. وضعیت زندگی ما بد شد، مادرم خیلی جوان بود که بیوه شد و بار مسولیت بزرگی روی شانه‌هایش سنگینی کرد، کاکایم که دیگر مرد بزرگی برای خودش میشد، همه سرمایه زندگی پدری برایش به ارث ماند. کار و بار خوبی هم داشت و ما را از لحاظ مالی کمک میکرد.

خواهر بزرگم در جریان درسهای فاکولته، عاشق پسری شده با او ازدواج کرد. دو برادرانم در بورسهای تحصیلی نوجوانان به اتحاد جماهیر شوروی وقت

متنفر شدم

من هم میدانم که حس تنفر را در خود نگهداشتن، بزرگ کردن و هرگز رها نکردن؛ بدترین حس در زندگی انسانهاست. اما هر قدر بیشتر بزرگ شدم، عاقلتر شدم، تحصیل یافته شدم، گرمی و سردی روزگار را دیده به اصطلاح آبدیده شدم، با آنها هم این حس بد تنفر در وجودم بخوبی نفوذ کرد و رهایم نکرد.

حالا که پنجاه سال عمر دارم این تنفر را که در اینهمه مدت با خودم حمل میکنم و همیشه از جانب همه نزدیکان و اطرافیانم مورد بازپرس بوده‌ام، که چرا و تا چه زمانی از هر چه جنس مرد است متنفر هستی؟ و اینکه چرا هیچ زمانی حاضر نیستی رابطه‌ای با مردی به هیچ‌عنوانی (برادر، دوست آشنا، همسر) ببندی؟ حاضر نیستم در مورد پاسخی بدهم.

حالا نمیدانم چرا بعد از اینهمه سالها، دلم خواست سفره دلم را پیش یکی از دوستانم باز کنم. اما همین که جرات کردم و شروع کردم به گفتن، حس کردم که بار سنگین سی و هشت ساله‌ی دلم سبک شد و برای این دوست عزیزم اجازه دادم تا این درد بزرگ دلم را به رشته‌ی تحریر درآورد تا اگر با خواندنش زخم دل‌انگیزی را که به سرنوشت مشابه من زندگی کرده‌اند، یا در حال حاضر با همان درد به زندگی‌شان ادامه میدهند، التیام بخش شوم.

من فرزند پنجم خانواده‌مان هستم و در حالی که دنیا آمدم که در خانواده بزرگ پدری به طور مشترک زندگی میکردیم. پدرم فرزند بزرگ خانواده‌ی خود بود، بعد از آن دو عمه و کاکایم آخرین فرزند این فامیل بودند. پدر و مادر بزرگم از مردمان سرشناس و تحصیل کرده‌ای بودند. پدر بزرگم کارمند یکی از بخش‌های مطبوعات وقت و مادر بزرگم هم سرمعلم یکی از لیسه‌های دخترانه بود.

پدرم بعد از ختم تحصیل، مشغول کار در وزارت مالیه بود و مادرم هم کارمند پشتنی تجارتی بانک. دو خواهر و دو برادر بزرگترم همه به ترتیب ۱۲، ۱۰، ۸ و ۶ ساله بودند. وقتی من به دنیا آمدم عمه‌هایم مصروف فراگیری تحصیلات عالی‌شان و کاکاهایم هنوز متعلمین مکتب بودند.

من، چون کوچکترین فرد خانواده خود بودم، مانند پرنده‌ی خوش اقبال، روی دستان همه اعضای خانواده‌ام در حال پرورش بودم، از همه بیشتر کاکایم ما را دوست داشت و همیشه با ما (من، خواهر و برادرانم) وقت میگذراند و بازی میکرد. خانواده خیلی صمیمی و با محبتی بودیم.

باگذشت زمان ما بزرگتر میشدیم و عمه‌هایم هم درسهای شانرا تمام کرده یکی پشت دیگری ازدواج کرده و مصروف زندگی‌های جدیدشان شدند.

خوب حالا بر میگرددیم به جریان رفتن من و مادرم به بازار، در عالمی از هیجان منتظر مادرم بودم تا ضروریات خود و خواهرم را خریداری کنیم.

بالاخره مادرم آمد، انتظار به پایان رسید و بنا هم رفتیم در بازار مندوی کابل، بعدش به طرف تیمورشاهی و بعد تا منطقه چنداول قدم زده خریداری کردیم. حرفهای خوب و شیرین مادرم، خندیدن هایش، که دیگر هرگز آن خنده هایش را ندیدم، همچنان در ذهنم باقیست.

در زیر تعمیر سینما پامیر برگر فروشی بود، آنجا نشسته و برگر خوردیم و کمی بعد آب زردک نوشیدیم، روز پر از خاطره و شیرین زندگی ما بود.

ممکن است در طول عمرم بارها و بارها به آن برگر فروشی رفتیم، برگر خوردم و آب زردک، ممکن دنبال آن مزه ای بودم که با مادرم خوردیم. اصلا آن مزه و آن فضای شیرین را نیافتم.

روز داشت تمام میشد، آفتاب در حال غروب بود. همه ضروریات خریداری شده در چندین خریطه پلاستیکی را در دستان ما داشتیم. مادرم گفت که باید یک تاکسی بگیریم چون با اینهمه خرید را نمیشود که با پای پیاده تا مینی بس حمل کنیم.

مادرم وقتی این نامه را خواند، سکنه قلبی برایش پیش آمد، مادرم را به شفاخانه بردیم، بعد از گذشت یک هفته وضعیت صحتش بهتر شد و دوباره به خانه برگشتیم.

بعد از آنوقت مادرم نه گریه کرد و نه خندید. مانند یک مرده متحرک شده بود، کاکا جواد هم دیگر برای همیشه از زندگی ما غیب شد و هرگز برنگشت.

من بزرگتر شدم، فقط من و مادرم شب های سیاه زندگی و روز های سرد و بی معنی را پیهم میگذراندیم. من فارغ التحصیل رشته اقتصاد شدم و کارمند یکی از بانکها، مادرم با گذشت زمان مسن تر میشد، ما دو تکیه گاه همدیگر شدیم.

حالا که پنجاه سال دارم هرگز به این فکر نکرده ام که تشکیل خانواده بدهم زیرا فکر میکنم که شاید بعد از آن از مادرم دور شوم.

مادرم فعلا فلج و خیلی پیر شده و باهم در یک گوشه ای از شهر در کنار میلیون ها مردم دردمند نفس می کشیم.

نه پدر بزرگی، نه مادر بزرگی، نه پدری، نه خواهری، نه برادری، نه عمه و نه کاکایی کثیف و نامردی، بعد ها شنیدم که ازدواج کرده و بخاطر خیانت به خانم خسر بره اش، او را به ضرب چاقو کشته است.

این بود قصه ی تنفر من، از همه کس و همه گیر و دار زندگی.

**بانورا با قلم، قدم
و در هم خود یاری نمایید.**

Website: www.akiseu.com

IBAN: AT896000010310237189

BIC: OPSKATWW

رفتند.

فقط من، خواهرم و مادرم با همه مشکلات زندگی تنها ماندیم. مادرم همچنان کار میکرد. خواهرم که شش سال از من بزرگتر بود مسولیت خانه و کارهای روزانه را به عهده داشت. من هنوز دوازده سال داشتم، مشغول فراگیری دروس و رفتن به مکتب بودم. خواهرم روز به روز قشنگتر میشد.

یک روز تابستانی به مادرم گفتم که ممکن است از راه کار به مکتب ما بیایی و مرا با خودت به بازار ببری؟ میخواهم بعضی ضروریات و لوازم مکتب ام را بخرم.

مادرم گفت که حتمن، پس وقتی از مکتب رخصت شدی در همان جا منتظرم باش، دنبالت آمده و باهم به بازار میرویم و هر آنچه که میخواهی خریداری کن.

خواهرم نیز یک لستی از ضروریاتش را نوشت و بمن داد تا برایش بخرم.

شب را گذراندیم، درست بیادم است که خواهرم سبزی پلو پخته بود، یکی از غذا هاییکه عاشق خوردمش بودم، خیلی ها خوشمزه بود. بعد از خوردن غذا خواهرم را بوسیدم و ازش بابت پخت غذای مزه دار، تشکری کردم.

شب گذشت و بلادرنگ صبح شد، هر سه ما از خانه بیرون شدیم. مادرم رفت سر کار خود و من و خواهرم به طرف مکتب روان شدیم. در آنزمان خواهرم متعلم صنف دوازدهم مکتب بود و بر خلاف من او خیلی لایق و درس خوان بود، ضمنا بسیار زیبا، خوش سلیقه و خوش برخورد. اما من بر خلاف، به اصطلاح نازدانه و تیار خور. هم در خانه و هم در مکتب خواهرم را زیاد دوست داشتند، دختر با نزاکتی بود.

خواهر بزرگم بعد از ازدواجش به کشور امریکا رفت و این خواهرم چندان با احساس نبود و زیاد جویای احوال ما هم نمیشد.

در آنزمان برای تماس با دوستان خارجی خود بایست به شبکه خدماتی وزارت مخابرات مراجعه میشد و گاهیگاهی مادرم برای تماس با خواهر بزرگم مرا با خودش به آنجا میبرد، همایش به تماس میشد و بعضا از طریق دفتر پست مخابرات، ضروریاتش را برایش پارسل میکرد. اما خواهرم هیچ وقتی برای ما کدام تحفه ای نمی فرستاد و حتی یاد ما هم نمیکرد.

دو برادرانم که مشغول فراگیری درس در خارج از کشور بودند، بعد از گذشت چندین ماه برای ما یگان نامه میفرستادند ولی حالا که سالها گذشته است صرف میدانم که زنده هستند و بس.

صور خيال

مقصدي صفحه فریبا نصریان

سروده های این شماره تقدیم به بانوان سرزمین ام که قهرمان میدان مبارزه با تحجر و عقب گرایی هستند! بانوان شجاعی که پس از استیلای طالبان در تمام ابعاد زیست فردی و اجتماعی، مصادره هویتی گردیده و متحمل هزینه های گزاف و در بسیاری موارد غیرقابل جبران شده اند. بانوانی قهرمانی که علیه استبداد عشیره ای و آپارتاید جنسیتی طالب قد علم کرده؛ هر روز به تنهایی هزینه می پردازد کشته و زخمی می دهد، دچار یاس و انزوا می شود، حتک حرمت می شود، در خود فرو می رود و دنیا تماشاگری بیش نیست (فریبا نصریان)



لینا روزبه حیدری

مرا ببین

متروک تر ز کلبه سردم، مرا ببین
من ناقل شقاوت دردم، مرا ببین

نور ضعیف مانده ز تجوید آفتاب
جایی ز رد پای تگرگم، مرا ببین

چشم ام به متن سوره و صد آیه بشمار
خوش آنکه با قرائتی طردم، مرا ببین

من زعفران و کشت بدیل تو گشته ام
لعنت به این نبوت زردم، مرا ببین

اهسته در سرای زمان میروم چرا
در بین جمع مانده و فردم، مرا ببین

آخر ضعیفه رنج دلش را به طعنه گفت:
"هیئات کز قبرغه مرد ام، مرا ببین!"



مژگان فرامنش

درخت سیب به تنگ آمد از هیاهویم
نشسته برف به روی سپاه گیسویم

زمین به زیر دوپایم به گریه آمده است
زمان گرفته به چنگال خویش بازویم

میان این همه آدم نشسته ام تنها
نمی خورد به کسی هیچ خصلت و خویم

چگونه صفحه ی تاریخ را به غم نزنم؟
که چنگ ها زده قلاب عشق بر رویم

به فصل قحطی گل ها رسیده ام به جهان
گلی کجاست؟ که جا وا کند بر مویم



شفیقه_ خپلواک

لمرینې پېغلي

لمرینې پېغلي، ستوري جوړ دې له افکارو کره
سترگي رڼي ساته گرد ټول له دې هيندارو کره

دوی چې ایمان یی ستا د زلفو په نخا لړزېږي
گونگرو کي وڅرخه، کافر یی په شرنکارو کره

په شپې مبین به دې د ټپې تیاري غیر ته سپاري
وارخطا نشي راتول ستوري له مدارو کره

په خزان ژوند کي که غونچه خولگی سپرلی غواری
زړه لیونی ساته، خبري د هوبنیارو کره

که دې اواز محوه کوي، کتاب، قلم دې اخلي
خیال دې ژوندی لره فکرونه د بیدارو کره

داغ چې د داغ لپاسه درکړي، زړه دې مه لړزوه
ورته موسکی شه، پوچ وحشي زهر د مارو کره

موی تو بافتند به پاها و دست تو
دبری ست، از ترانه ی زنجیر، خسته ای

تا سرمه ای به چشم تو یک لحظه خانه کرد
از این همه قضاوت و تفسیر، خسته ای

تا شب، سری به بسترِ دردت گذاشتی
خوابت نبرد و از شب تعبیر، خسته ای

از لحظه ای که روح تو در تنگ، بسته شد
از خاطراتِ همدم تصویر خسته ای

خاموش می شوی تو پس از هر دمی چو شمع
در شهر شب، چو عابرِ دلگیر خسته ای



پرنیان صدیقیان

به امید فردای روشن

کو در کجاست زندگی مانده در لجن
کو ماهتاب سرد فرو مانده در کفن

آن دست ها که بر سر من داد میکشند
یا درد ها که باز کنند روی من دهن

کو جای لکه های بنفش و سیاه دل
با هر لگد که میخورد از تو به روی تن

دیگر ندید چشم من آن دیده هایی را
که میرسند با تب خشمی به پیرهن

شیار اشک و خون نتواند که سر کشد
تا که رسد درون تن من بدن ... بدن

از دیر دیرهاست که چشمان شوخ غم
دیگر ندیده هیچ کسی را شبیه من

وقتی که ماهتاب گذر کرد از وطن
او هم ندید خرمنی در حال سوختن

کف میزنم برای رهایی بادها
با موج موی دختری که میکند اتن

آزاد همچو باد رها همچو آبها
وقت شگفتن است شگفتن برای زن ...

با آیه های خشم مرا دار می زنید
بهتان و انگ و تهمت و انکار می زنید

زن جنس اول است شما جنس دوم اید
بی اقتدار بین هوس های تان گم اید

فرخنده ای شدم لت و پارم نمی کنید؟
آیا سوار چوبه ی دارم نمی کنید؟

با آیه های خشم، نکاحم کنید و بس
با هرزگی محض نگاهم کنید و بس

یک کوه درد، شب به شب همبستر من است
رخشانه ای که کشته شده دختر من است

من را درون درون دوزخ چندم گذاشتید؟
یک شاخه رز به گور تبسم گذاشتید؟

من کاجم و به زخم تبر خم نمی شوم
هی اره کن مرا و بدان کم نمی شوم

من عاشقم جنون مرا دست کم نگیر
من سرخ سرخ، خون مرا دست کم نگیر

مادر شدم مدرسی اطفال خوردسال
ای مرد بر وجود من و مادرت بیال

تو مرد گشته ای و بدان زاده ی منی
تو عاشق بصیرت و دل داده ی منی

اما چطور؛ مانع حق زنان شدی
شلاق دست مطلق این ظالمان شدی

شاید نیاز بوده تولد نمی شدی
هرگز مقلدانه سپهید نمی شدی

من یک زنم بهشت خدا زیر پای من
جای گلوله هدیه بده گل برای من



شگوفه باختری

بانو!

چقدر از این همه تزویر، خسته ای
از سرنوشت و بختک تقدیر، خسته ای



خالده تحسین

مرا ببخش الا یار چون غمی دارم
مرا ببخش اگر از گذشته بیزارم

مرا ببخش اگر درد میکشی از من
مرا ببخش که من عقده زار بی بارم

خدای من به کجاها روم ز غصه و درد
شکست عالم چینی نمای پندارم

نمی شود که ترا در دلم نهم سازم
تو در صدای منی من صدای بازارم

من آسمان نیم ابر کوچک غزلم
ترا به ملک عجیب قصیده می بارم

ترا به اوج غزل های خود به اوج غمم
ترا به سینه ی هر واژه واژه می کارم



ذکیه نوری

خورشید گشته ام، و جهانی که روشن است
این نور از نهایت زیبایی من است

من زن شدم که عشق به دنیا بیاورم
این شام را دوباره به فردا بیاورم

تا آدمم غروب جهان در طلوع شد
من با خیر نبودم و بازی شروع شد

دیدم به چشم هر یک تان جنس دومم
با گریه بین چادر و پیراهنم گمم

با نام من معامله ها روی دست تان
باعث شدم عروج کند بود و هست تان



متمدی صفحہ زر غونہ ژواک عطا

د خمتا کمیسی

او ناخاپه د صابري زړه ودرېد. هغه په لسو کلونو کې د پنځوسو کلونو په شان زړه شوه. کلالي مخ يې خپله ښکلا له لاسه ورکړه او په ډېره ځوانۍ کې بودۍ شوه!

صابره په وجود روغه؛ خو په زړه تپي وه. لايې د واده کال نه و پوره شوي چې خاوند يې په يوه چاودنه کې داسې ووژل شو چې چا يې يوه نښه هم ونه مونده!

د کلي ښځو او پېغلو صابري ته کفن جوړاوه. ټولې غلې په کار لکيا وې، ستره چوپتيا خوره وه، هيچا څه نه ويل. سترگې په اوبښکو او زړونه په غريو ډک وو.

کله چې د صابري خور، سکينه، له برکلي څخه راوړسېده، له کفن سره يې مخالفت وښود.

- زه خپله خور په هغه خمتا کميس کې خاورو ته سپارم چې مور خونېدو ته له موره او هغې ته هم له موره په ميراث پاته دي!

پيغلو نجونو يو بل ته وکتل؛ خو سپين سرو او مشرانو ښځو دا کميس ښه وپېژاند. دا اوس نژدې د سلو کلونو زور خمتا کميس و چې صابري ته له موره او هغې ته هم له موره پاته و.

د کلي تر ټولو مشري ښځې اعتراض وکاوه:

- غلې شته بچي! مري بايد په کفن کې خاورو ته وسپارل شي!

سکيني په ژړا کې ځواب ورکړ.

- نه اي! صابره به په همدې زاړه خمتا کميس کې د خدای حضور ته لېرو. پرېږده چې صابره په هغه کميس کې پوښتني ته حاضره کړو چې دا، مور او نيا دري واړه پکې کونډې شوې!

د کلي تر ټولو مشره ښځه غلي شوه. د ويلو له پاره يې څه نه درلودل. د صابري خور ډېره پخه خبره کړې وه؛ خو د کلي د نارينه وو او ملايانو لانجه په مخکې وه.

دا وخت د صابري خور پاڅېده او په داسې حال کې چې د ښځو تر لاسونو نيولې وه، بلې خونې ته لاړه، د مور زور خمتا کميس يې راوړ او مشري ښځې ته يې مخامخ ونيو!

مشري ښځې او ډېرو نورو ښځو دا زړو کميس ښه پېژاند، څو ځلې يې ليدلې او ډېرې يې په غمجنه کيسه خبرې وې.

د کلي تر ټولو مشره ښځه کميس ته څير شوه او هاغه وخت ته لاړه چې د صابري نيا پکې کونډه شوې وه.

هغه پاچا له هېواده وتلی و چې انگریزانو ته يې ماته ورکړې او د خلکو خبره، وطن يې خپلواکه کړی و.

په کلي او شاوخوا سيمه کې داسې گډوډي جوړه وه چې ډېرو خلکو خپل

کلي پرېښي او غرونو ته پناه وړې وه! د صابري انا سکينه او بابا علي خان لا په کلي کې وو، دواړه ځوانان او تکړه وو؛ خو د علي خان ژوند په خطر کې و. علي خان په سيمه کې له لومړنيو ښوونکو څخه و او ملايانو، خانانو او ملکونو په ښه سترگه نه ورته کتل او يونيم به ان کافر باله!

مشري ښځې ته بيا هغه شپې ورياد شوې چې علي خان ووژل شو او سکينه له خپلو دوو بچو سره غره ته وتښتېده او هلته يې د خپل مېړه د اکا هغه زامنو ته ورغله چې له علي خان سره خپه وو او يو له بل سره يې خبرې نه کولې!

د مشري ښځې په سترگو کې اوبښکې نه درېدې، دا په هغه شيبو کې ډوبه وه چې ملايانو د علي خان جنازه نه کوله او هغه يې داسې کافر باله چې په ښوونځي کې يې ماشومان د دين له حقې لارې ايستل او شيطاني خبرې يې کولې!

مشري ښځې ته د سکيني هغه چيغې هم په ياد شوې چې د غره په لمن کې يې ملايانو ته لمن نيولې وه چې د دې د دوو صغيرانو په روي دې، دا جنازه ښخولو ته پرېږدي؛ خو هغوي پورې وهلې چې د علي خان شيطاني



خبرو په تا هم دومره اغېز کړی چې اوس د خدای په
خای صغیران یادوي او په غلظه قسمونه خوري!
دا وخت دوه سپین ږيري راغلل چې ښځو او په تېره بیا
صابرې خور ته، د ملایانو پیام واوروي. هغوي وویل چې
د شریعت او مخې مری یوازی په پاک کفن کې خاورو ته
سپارل کېږي، نه د نیا او نیکه په خیرنو جامو کې!
خو اوس د صابرې د خور په خای، د کلي تر ټولو مشرې
ښځې چیغې کړې چې ملایان دې ځانونه همداسې خاورو
ته وسپاري!

او سپین ږيرو ته یې په غوصه وویل:
- ټول ورک شئ! مور ښځې صابره په خپله خاورو ته
سپارو! او په داسې چیغو د سپین ږيرو په لور ورغله چې
هغوی دوه گامه په شا لارل.

مشرې مېرمنې خپله وروستني خبره وکړه.
- ځی دا شریعت مریعت مو اول په ځانونو عملي کړئ!
ښځو بیا په کار لاس پورې کړ او صابرې ته یې هغه زور
سل کلن خمتا کمیس واغوست چې د دريو نسلونو د
تباهی یو انځور بلل کېده.

په دې کې یوې ښځې په ژړا کې وویل چې د صابرې مور،
حبیبه، یې په همدې کمیس کې په یاد شوه.
او تر ټولو مشره ښځه بیا د سوچونو په دریاب لاهو
شوه.

هو! حبیبه له دې څخه کشره او د صابرې ښایستوکې
مور وه چې د ژوند له پاره یې ډېر ارمانونه درلودل؛ خو
ځوان میره ناڅاپي او دردونکی مړینې په ځوانی کې زړه
کړه!

د حبیبې میره د سکینې یوازې زوی میربت خان په پاس
کلي کې ښوونکی و. د لومړنیو تنخواگانو په پیسو یې دوه
نوی خونې جوړې کړې او څه لوبني لړکي اخستي وو. د
حبیبې ژوند ورځ په ورځ ښه کېده؛ خو ناڅاپه په سیمه
تندر پریوت او داسې کسان پیدا شول چې کلیوالو به
اشرار بلل!

د مشرې ښځې د سترگو چینې بیا وخوټېدې؛ ځکه هغه
ورځ یې په یاد شوه چې اشرارو، ښوونکی میربت خان، د
خپل پلار په شان، په دې تور وواژه چې کافر شوی او د
خلکو زامن د دین له چغې لارې باسي او کفر ته یې
هڅوي!

هو! میربت خان ووژل شو او ښځه یې په داسې حال
کونډه شوه چې د خپلې مور په شان یې همدا د خمتا
کمیس اغوستی او د دوو ماشومانو مور وه. صابره او
مالک.

په دې وخت کې یوه ډله سپین ږيري انگر ته راغلل چې د
صابرې جنازه پورته کړي.
مشرې ښځې وویل:
- مور دا جنازه په خپله هدیرې ته وړو!

سپین ږيرو وویل:

- ملایان په غوصه شول او لارل!

ښځې غلې شوې.

یو سپین ږيري وویل:

- ملایانو ویل چې تاسو ډېرو کلیوالو او ان ښځو، د دین
حقه لار پرېښي او شیاطینو په لار روان یاستئ.

سپین ږيرو ځانونه لږ غوسې او توندو خبرو ته جوړول؛
خو د ښځو د بیا ژړا او وایلا چیغو چوپتیا ته اړ ایستل
او په نه زړه یې د جنازې کټ پورته کړ. هغه جنازه چې
کفن یې نه درلود او مړي ته یې د کونډې مور او د کونډې
نیا زور سل کلن خمتا کمیس اغوستی و!

مشرې ښځې د تلو په وخت کې وویل:

- ښه دی چې دا بدمرغه کمیس خاورو ته وسپارو! دا ډېر
بد کمیس دی. درې ښځې پکې کونډې شوې. که پاته
وي، خدای ښه پوهېږي چې څو نورې ناوې گانې به
کونډې کړي!

یو سپین ږيري وویل:

- هو! صابره باید په همدې کمیس کې د خدای حضور
ته ولېږو چې هغه زموږ په حال ښه خبر کاندې!!

پای

28 اگست 2018

بیجنګ - چین

معرفی بانو صفیه میلاد



تهیه کننده: فردینا طیب زاده

چه زیباست یافتن گرامی گوهران ارزشمند در ازدحام من های زمانه . آنانیکه مانند مروارید می درخشند ، مروارید وار در جمع تاثیر گذار میباشند -

و اینبار نیز ، گوهر رخشنده ی را به شناسایی می گیریم ، تا خواننده ی عزیز را به باغهای تخیل شأن ، آشنا سازیم :

او بانو صفیه میلاد است .

صفیه میلاد زاده ی شهر کابل بوده و نام پدرش قاضی عبدالله کابلی می باشد.

وی در سرودن قالبهای شعر فارسی : مثنوی ، غزل ، رباعی ، دوبیتی کوتاهه و شعر سپید توانایی دارد، اما بیشتر به سرودن غزل و شعر سپید می پردازد .

صفیه میلاد

دوره متوسطه و لیسه را در لیسه عالی مریم به اتمام رسانیده و در سن ۱۷ساله گی با اخذ درجه ی اعلی از آنجا سند فراغت خویش را به دست آورده است.

بانو میلاد در دو رشته متفاوت (حقوق و علوم سیاسی) و (ژورنالیزم) تحصیلات عالی دارد .

صفیه میلاد در سال ۲۰۰۹ شامل پوهنچی حقوق و علوم سیاسی گردیده و در سال ۲۰۱۲ به درجه لیسانس فارغ التحصیل گردید. بود که از سوی مجله جوانان به حیث شاگرد شایسته و اول نمره انتخاب گردید ، از همان دوره مکتب ، اشعار وی در مطبوعات کشور آذین چاپ یافت و اولین شعر وی جایزه ی فرهنگی و ادبی را از سوی بنیاد امام محمد غزالی دریافت نمود. و بعدا نظر به شرایط نامساعد مدت زیادی از سرودن شعر دور ماند .

تازه چهار سال می شود دوباره به سرودن شعر آغاز نموده است -

میلاد پس از فراغت از مکتب ، کار خود را با رادیو تلویزیون ملی افغانستان به حیث نطابق رسمی آغاز نمود و بعد از مدت کوتاه از جمله بنیانگذاران "مجله روز" برای زنان افغان بوده که این مجله شهرت زیادی را در مرکز و ولایات کشور بخاطر نشر داستان های واقعی

از زندگی زنان که توسط بانو میلاد تحریر و نشر میشد ، کمایی کرد. هدف از نشر این مجله، آگاهی دهی به زنان کشور و جستجوی راه ها برای رفع مشکلات آنان بود.

وی همچنان پس از سپری نمودن امتحان در بخش خبر، در زمان ایجاد یک آژانس خبررسانی که از سوی کشور انگلستان تمویل میشد، سهم فعال داشت و بعداً در آژانس خبری پژواک به موفقیت های چشم گیری چون کسب آموزش در بخش ژورنالیزم تحقیقی که از سوی استادان خارجی تدریس می شد، بهره مند گردید . میلاد به همین ترتیب، عضویت کمیسیون رسانه های جنوب آسیا را نیز کمایی کرد که سفر های رسمی نیز در این کشورها داشته است.

بانو میلاد با نوشتن گزارشات تحقیقی از زندگی اسدالله سروری ، در زندان امنیت ملی (استخبارات افغانستان) و نعیم کوچی و ... مفتخر به اخذ جوایز و تقدیر نامه های ادبی گردیده است.

صفیه میلاد بعد از مدت ۳ سال کار در آژانس خبررسانی پژواک، توانست آژانس خبررسانی ملی و بین المللی را در سال ۲۰۰۷ زیر نام " آژانس خبررسانی روز" ایجاد کند و خود در رأس آن قرار گیرد که رسانه های افغانستان طی مصاحبه اختصاصی، صفیه میلاد را بنام اولین زن در راس یک آژانس خبررسانی معرفی کردند. این بانو بعد از کار جدی و پر تلاش توانست این آژانس را به شهرت زود هنگام برساند که از جمله دریافت چندین تقدیر نامه از سوی دکتور سید مخدوم "رهین" وزیر اطلاعات و فرهنگ و جوانان افغانستان، تقدیر نامه شورای ژورنالیستان افغانستان، تقدیر نامه از سوی اتحادیه ملی ژورنالیستان و خبرنگاران میباشد . همچنان به بخاطر تلاش های همیشگی در عرصه ژورنالیزم صلح، از سوی مجله صلح افغانستان و کمیسیون شکایات مجلس نمایندگان، تقدیر نامه هایی به دست آورد. در همین زمان بود که هفته نامه اقتدار ملی در مورد بانو میلاد نوشته بود: " برای ما جالب است که یک زن در ازدحام مطبوعات، از

بیروکراسی و زور آوری ها و زور آزمایی های مردانه ی فراگیر بر اداره ها و جامعه ی ما بگذرد و قله های رفیع ریاست یک آژانس خبری را به دست آورد.

باید یاد آور شد که خانم میلاد به اخذ جایزه ی سید جمال الدین افغان از سوی انجمن ژورنالیستان جنوب آسیا در سفارت کانادا در روز تجلیل از آزادی بیان موفق شد .

همچنان خانم میلاد، از سوی تلویزیون (۱)، در قطار زنان موفق افغانستان قرار گرفت ، تلویزیون فارسی بی بی سی، میلاد را یک زن خلاق خوانده است. بانو میلاد تندیس بهترین شعر را از سوی جنبش آزادی بخش زنان افغانستان از ایالت متحده آمریکا در سال ۲۰۲۲ بدست آورد ه است.

وی مدت چهار سال می شود که به طور مجدد بعد از یک وقفه دوباره به سرودن شعر پرداخته است .

این بانوی شاعر، نویسنده ، ژورنالیست و آگاه حقوق و علوم سیاسی، هم اکنون در کشور کانادا در شهر ونکوور زنده گی می نماید و دو کتاب وی آماده چاپ میباشد. [۱-۱۶:۳۷:۰۳] بانو شاعر صفیه جان: نشاط دامن خورشید آرمیدنی است

به باغ خاطر من بوی تو وزیدنی است

من کویرم

دو عاشق که نمیشد زهم جدا باشیم
دو روح پاک در این عالم و فضا گشتیم

چکید، اشک من و تو به ساحل دریا
و ما دو ماهی زیبای لحظه ها گشتیم

به خاک ریخت گلاب وجود هر دوی ما
به مثل برگ خزان عاشق و فنا گشتیم

درخت کاج ازین خانه سر برون آورد
نفس دوباره گرفتیم همصدا گشتیم

تو شام تار شدی من سپیده سحری
دو بال آبی طاووس در هوا گشتیم

با موج های خسته ی این دریا
بر گرد تا به خنده شود باران

تا سر زند ز ریشه این گلدان
گل های خوش قیافه تابستان

باز آی با بهار سفر کرده
ای آشنا بیاکه دلم تنگ است

در انتظار و حسرت دیدارت
در دیده ام بهارچه بیرنگ است

در تنگ یک غروب تورا دیدم
ای تو ستاره ی شب تنهایی

لبخند عاشقانه ی تو زیباست
ای نو بهار عالم رویایم

در موج غصه ها شده ام پنهان
ای ماهی طلایی دریایم

قوی سپید ساحل بارانم
ای آشنای شام عزلتیم

من کویرم خزان گرفته مرا
ابر شو قطره قطره باران باش

غنچه ی عشق بشگفتد از نو
تو تجلی نو بهاران باش

نمی شود که خیال تو را رها بکنم
هوای مهر تو در روح من دمیدنی است

شراب سرخ بنوشان به پیکرم تا صبح
که مستی اش به لبم تا ابد رسیدنی است

منم حلاوت تقدیر از تخیل تو
پلنگ وحشی من ماهتاب چیدنی است

امید زندگی از سینه ام فرو مگذار
در آن نفس که دلم در هوا پریدنی است

بدون تو دل من آب شور خواهد خورد
خزان عمر به پایان خود رسیدنی است

۲۰۲۳/۰۱/۰۲

خوش اقبال

ظهور کن که کویر ها شود پر آب زلال
بساز بخت نگون مرا تو خوش اقبال

بکار دست محبت به باغ دستانم
نسیم صبح نوازد به گیسوان خیال

رسم به برگ سپیدار آرزو هایم
ز توست زندگی و تنگ این غروب زوال

چو آفتابی طلاگونه با طلوع از دور
ستاره گونه درخشم به چشمه های وصال

**بانو را با قلم، قدم
و در هم خود یاری نمایید.**

Website: www.akiseu.com

IBAN: AT896000010310237189

BIC: OPSKATWW

من و تو در نفس باد ها رها گشتیم
غریبه ای ، که سرانجام آشنا گشتیم

کشم به شیشه تصویر تو دو بوسه سرخ
پریم به ساحل عشقت چو قوی زرین بال



زرغونه ولی

هشتم مارچ روز همسرانکے بیر الملکے زمار چهار گرامے میداریم!

های کار زنان تا زنان به آرامی به آموزش سواد و کار خود بپردازند، سفرهای هیئت رهبری یا هیئت مرکزی در ولایات برای حمایت زنان روستا نقش ارزنده داشت که تمام کارمندان حرفوی مرکز مطابق پلان باید به ولایات و دور ترین قریجات سفر می کردند و شرایط بهتر آموزش و پرورش را برای زنان روستا و محو بیسوادی فراهم می ساختند. حق آموزش برابر به زنان و مردان از دوره ابتدایی آموزش مکتب تا بلندترین دانشگاه داخل و خارج کشور برای زنان در جامعه تصویب شد و حمایت دختران و زنان از آموزش صورت گرفت که هزاران تن از زنان و دختران بطور ازادانه از بورس های تحصیلات عالی کشور های خارجی مستفید می شدند که سالانه هزاران تن از بانوان جهت برای فراگیری تحصیلات عالی انجینری، دوکتوران به خارج اعزام می شدند بعد از ختم تحصیل برای خدمتگذاری به مردم و جامعه دوباره بر می گشتند. حق تحصیلات مسلکی همچنان برای دختران که نمی توانستند ادامه تحصیلات عالی کننده در داخل و خارج کشور در نظر گرفته شده بود که هزاران تن از چنین قوانین نافذ در کشور بهره بردند با سواد شدند و صاحب مسلک و کار بودند.

حق کار به زنان یکی از برنامه خوب دیگر بود که زنان بیسواد و با سواد می توانستند در تمام موسسات اداری، تولیدی کار کنند و شرایط کار برایشان در نظر گرفته شده بود یکی از مشکلات زنان افغانستان داشتن اطفال زیاد و خورد سال بود که زنجیر پای زنان است تا در اقتصاد بخور و نمیر زندگی کنند که دولت دموکرات ها در این زمینه توجه کرده با ایجاد اطاق های کودک، کودکستان ها در جلب و جذب کارگر زنان در موسسات تولیدی که از یک طرف نقش زنان در جامعه را به نمایش گذاشتند از جانب دیگر در بلند بردن سطح اقتصاد کشور توجه نمودند زیرا بدون نیرو زن نمی تواند کشور به رشد و ترقی برسد.

توزیع کوپون ماهوار برای تمام کارمندان و کارگران در کابل و ولایات کشور که مواد ارتزاقی اعم از آرد، روغن، صابون، بوره، نمک، چای، گوگرد و غیره را کارمندان دولتی اعم از کارگران و کارمندان بلند رتبه دولت یکسان بدون تبعیض و تعصب ماهوار رایگان به دست می آوردند؛ که زنان نیز از آن مستفید میشدند.

مغازه های تعاونی برای تمام مردم به قیمت های ارزان از بازار تا تورم قیمت ها را کنترل نمایند به کمک کشور های سوسیالیستی در نظر گرفته شده بود

روز بین المللی همبستگی زنان جهان در افغانستان تجلیل به عمل می آمد که امروز در سنت کشور نهادینه شد. از سال ۱۳۵۹ دوره تحول ۶ جیدی حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان توسط سازمان دموکراتیک افغانستان منحیث روز جهانی زنان همه ساله در تمام ادارات، موسسات تعلیمی و تحصیلی در شهر کابل و ولایات افغانستان به شکل رسمی تجلیل می شد که نه تنها زنان را بلکه مردان و تمام اقشار جامعه را برای گرمیداشت و حفظ حرمت از زنان کشور حمایت می کرد تا زنان در جامعه استوار باقی بمانند.

نه تنها برای مردان بلکه برای تمام اقشار جامعه ترویج می کرد زیرا تامین حقوق زن و مبارزه علیه زن ستیزی یکی از خط مش های حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود که دفاع از حق این قشر به زنجیر کشیده با رهبری داکتر اناهیته راتب زاد در سال ۱۳۴۴ سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ایجاد شد.

در خاتمه میتوان گفت که: تامین حقوق برای زنان در افغانستان با وجود تمام مبارزات و قربانی های بیشمار شان در این راه وابسته به نظام حاکم است که سیر نا خوشایند و متفاوت را داشته است که در نظام امروز دوباره حقوق زن مطابق به سنت و فرهنگ افغانستان مورد سوال قرار گرفته است زنان روز های سخت و دشواری را زیر سلطه طالبان امارت با محدودیت ها و فقر سپری می کنند.

تجلیل از هشتم مارچ در افغانستان تاریخیست که به سنت مبدل گردیده است:

تجلیل روز در مورد حقوق و جایگاه زن در نظام (جمهوری دموکراتیک افغانستان) و در نظام (طالبان ، امارت)!

زنان در نظام های گذشته افغانستان اعم از دموکرات ها، تکنوکرات ها نقش ارزنده در مشارکت اجتماعی داشته و در تمام عرصه های زندگی جایگاه شان را تا حدودی که نتیجه مبارزات شان با قربانی ها بود به دست آورده بوده اند. در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ با تکیه زدن طالبان در اریکه قدرت سیاسی افغانستان تاریخ یک بار دیگر به عقب برگشت. امروز در نظام امارت مشارکت زنان در اجتماع با ایجاد محدودیت ها اعم از منع کار، منع آموزش، منع سفر بطور کل حذف شان از مشارکت اجتماعی یکی از نگرانی های زنان، مردم و حتی جهانیان گردیده است. اگر ما بطور مقایسوی در گذشته نظر اندازی کنیم می توان گفت زنان افغانستان که بیشتر از نیم پیکر جامعه را تشکیل می دهند جایگاه بلندی را با کار و مبارزات و قربانی های بیشمار شان در جامعه به دست آوردند؛ که با تجلیل از هشتم مارچ؛ دستاورد ها و جایگاه زنان را در این نوشته مختصر پیشکش می نمایم.

چرا قشر زنان همیشه در جامعه با تغییر نظام های سیاسی متضرر و آسیب پذیر هستند؟

پاسخ این سوال روشن است که نظام حاکم در تغییر وضعیت زنان نقش ارزنده داشته است که ما به مشکل می توانیم جایگاه زن در نظام دموکرات ها و امارت را به مقایسه بگیریم، زیرا ارزش های حکومت مردم سالار و یک نظام مشارکتی با نظام بسته مذهبی، سنتی متفاوت است. بعد از انقلاب ۷ ثور ۱۳۵۸ در قانون اساسی کشور و خطوط کار و اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان تامین حقوق زن و اشتراک مساویانه شان در مشارکت اجتماعی که در ماده ۲۸ قانون اساسی آن حمایت و رشد مسلکی و تخصصی از زنان قرار داشت که نه تنها زنان کشور مانند مردان از تمام حقوق و آزادی های انسانی بر خوردار بودند و پیشرفت های چشمگیر زنان و آزادی زنان و مشارکت برابر شان در نظام دموکراتیک وجود داشت و بهترین قوانین برایشان تصویب شد از جمله منع دختر فروشی بنام (مهریه) که بنا بر سنت نا پسند خانواده ها دختران شان را در مقابل پول های گزاف عروسی می کردند که به این اساس دختران به فروش می رسیدند و خانواده که دختر را می خرید از هیچ نوع ظلم و ستم بالای آنان دریغ نمی کردند که در قانون دموکرات ها برای اولین بار (مهریه) زنان ۳۰۰ افغانی تعیین شد که مطابق شریعت اسلام همچنان فروش دختران ممنوع است؛ یکی از دستاورد ها بود.

* محو بیسوادی و مبارزه با بیسوادی

* با سواد ساختن مردم بخصوص زنان و مبارزه علیه بیسوادی در میان زنان از شهر تا دور ترین قریجات افغانستان یکی از بهترین برنامه ها بود که امکانات لازم برای فرا گیری سواد زن روستای اعم از زنان دهقان، زنان باغدار، زنان خانه که توجه حزب و دولت را با خود داشت. سهولت ها برای زنان در نظر گرفته شد با ایجاد اتاق های کودک و ایجاد کلوپ های زنان در مراکز ولسوالی ها، قریه جان در جنب کمیته



مرزیه هشم

سوما و یا هوما

رنگ شیرهای مهتابی پیدا می‌کرد و می‌درخشید. در اثر تأثیر نشاط آوری که در بدن تولید میکرد آن را در تشبیهات شاعرانه (شریت آسمانی) می‌خواندند و حیات جاودانی را از آن شریت انتظار داشتند و چنین تصور می‌نمودند که نوشینده خود را در جوار با ماه (جمشید) به عالم رستگاری می‌رساند. جام جم که این قدر در ادبیات ما شهرت دارد. سابقه‌ای در ذهنیت کهنه، افکار، اندیشه و پندار محیط ما در دوره‌های ما قبل تاریخ داشته است که (جام) و (جم) به هم پیوست و هر دو نام هزاران سال تاریخ ما را اشغال کرده است.

در بعضی از سرودهای ویدی (سوما) را به معنی (مهتاب) هم گفته‌اند و چنین تصور می‌نمودند که اصلاً ماه ظرفی است پر از عصاره سوما و بدین ملاحظه روشنایی سفید گاهی دارد. آریاها تصور می‌نمودند که مانند بزم نشاط اهل زمین در آسمان‌ها هم بزم‌هایی از طرف ذرات نورانی و ستارگان تشکیل می‌شود و علت کوچک شدن تدریجی مهتاب به عقیده ایشان این بود که مشروب سوما از قدح آسمانی خورده و نوشیده شده می‌رفت تا اینکه حتی لب جام که لبه باریک ماه باشد هم ناپدید می‌شد و سپس آفتاب نقش ساقی را به خود گرفته و سر از نو قدح آسمانی را از سوما مملومی کرد.»

در مجموعه سرودهای (ویدی) سرودی به نام (سوما) و در یشت‌های اوستا یشتی به نام (هوما) موجود است. در نبشته‌های آریایی معلوم می‌شود که آریاها در هر دو عصر از گیاهی مفرح و نشاط آور شناخت داشته و منبع رویدن این گیاه را قلعه‌های بلندی هندوکش می‌دانستند. چون در مناطق کوهستانی شیر و عسل بسیار بوده و ساختن مشروب از عصاره این گیاه در میان آریا‌های که در مناطق کوهستانی افغانستان بود و باش داشتند بسیار معمول و مروج بود. منبع: کتاب افغانستان در پرتو تاریخ نوشته احمد علی کهزاد

سوما و یا هوما یک نوع گیاهی کوهی است که در اکثر کوه‌های افغانستان و در تیغه‌های کوه‌ها که (بلند تراز پرواز عقاب‌ها باشد) می‌روید.

یکی از مسایل بسیار دلچسپ در زندگانی اجتماعی عرف، عادات و مراسم مذهبی آریاها در اوایل حیات ارتباط شان با قلعه‌های شامخ کوه‌های افغانستان بود. گیاهی را دریافتند که از عصاره آن یک نوع مشروب قوی بدست می‌آوردند آریا‌های عصر (ویدی) و (اوستایی) آن را به یک شکل می‌شناختند و تعریف میکردند.

اصلاً این گیاه را (سوما) میگفتند و این کلمه در اوستا به شکل (هوما) نوشته شده است. چون به اساس قانون (فیلولوژی) که (س) های زبان (ویدی) در اوستا به (ه) تبدیل میشود. پس (سوما) و (هوما) همان گیاهی کوهی است. که در قلعه‌های شامخ هندوکش می‌رویدند.

از سرودهای ویدی و نبشته‌های اوستایی چنین می‌توان استنباط کرد که آریاها زمان که در دو طرف هندوکش استقرار داشتند. در اطراف تیغه‌های بلند و دامنه‌های کوه‌های افغانستان رفت و آمد میکردند. گیاهی سوما را در کوه‌های وسطی افغانستان شناخته و کشف کردند. از عصاره آن مشروب قوی می‌ساختند. محل پیدایش بته و رویدن سوما توسط اوستایی‌ها برای افغانستان اهمیت بسزای داشت. مشروب سوما همان طوریکه آریاها استعمال میکردند مفرح و نشاط آور بود. که (ریشی)‌های آریایی در سرودها خود چیدن (سوما) را بر سر انگشتان دختران و دوشیزگان زیبا و مقبول شاعرانه تعریف و توصیف می‌کردند:

دختران و دوشیزگان جوان در شب‌های مهتاب با خواندن سرودها به جمع کردن گیاه سوما به قلعه‌های بلندی هندوکش مشغول می‌شدند. کشیدن عصاره روی تخته سنگ‌های بزرگ، انداختن در کوزه‌ها و خم‌های گلی و مخلوط کردن عصاره آن گیاه با آب، شیر و عسل را بسیار مقبول بیان می‌کرده‌اند.

«(ریشی)‌های عصر ویدی نیروی قوت بخش سوما را به (نرگا) تشبیه می‌کردند و مخلوط شدن عصاره سوما را با آب چنین تشبیه می‌کردند که نرگای در چمن زاری داخل شود. سوما بعد از اینکه با شیر و عسل مخلوط می‌شود یک نوع

AFGHANISTAN WOMEN'S REVOLUTION CONFERENCE

11. März 2023, in Wien, Österreich

Veranstalter:

Das Afghanische Kulturzentrum in Österreich,

Institutionen; Aktive zivil-kulturell-soziale Vereine und Arbeit mit MigrantInnen aus Österreich und ganz Europa.

Logos:

Gäste Arbeitskammer-VIDC-Dänische Refugi Konsul, Stadt Wien

Thema der Konferenz:

Der Zweck dieser Konferenz war es, für die Rechte der afghanischen Frauen zu kämpfen (das schwierige Leben von gestern, das Leid von heute, die Hoffnung auf ein besseres Morgen).

Konferenzprogramm:

(Revolutionäre Konferenz der afghanischen Frauen)

Um die Menschenrechte und Freiheiten von Frauen in Afghanistan zu gewährleisten, wurde eine Entscheidung getroffen; Durchführung einer wissenschaftlichen Konferenz mit österreichischen und afghanischen Experten am 11. März 2023 unter dem Namen „Afghanistan Frauen Revolution“ in Wien, Österreich.

Dieses Programm wird von der Arbeitsverwaltung der Stadt Wien, der Gemeinde Wien und der Organisation YIDC unterstützt.

(VIDC), das Afghanische Kulturzentrum in Österreich, der Vorstand der Zeitschrift (Banu) des Herausgebers der Gedanken afghanischer Frauen in Europa und der Solidaritätsverein mit afghanischen Einwanderern in Europa umgesetzt.

Frau Friba Charkhi, Journalistin und ein aktives Mitglied des Konferenzvorbereitungskomitees und Organisatorin der Konferenz moderierte die Veranstaltung.

Frau Saghar Nawabi präsentierten detaillierte Informationen über die Ziele und Arbeiten von (AKIS), Rechenschaftsbericht???

Herr Ghaus Mir (der Leiter des afghanischen Kulturzentrums in Österreich, der Gründer und Eigentümer des Banu-Zeitschrift, dem Herausgeber von Afghanische Frauen in Europa) sprach über Ergebnisse seiner Zusammenarbeit mit Akis und auch über künftige Weiterarbeit mit den Organisationen.

Herr Pazhwak, der Sonderbeauftragte der afghanischen Botschaft in Wien sprach über die miserable und unerträglichen Situation der Frauen unter der Herrschaft der Taliban.

Hr. Micheal Fanizada, Frau Asiya Sel, Vertreterin der Arbeitskammer, Frau Marina Hanke von der SPÖ-Geschäfts-



telle, Frau Sybille Straubinger, Direktorin des VIDC sprachen über die Situation der afghanischen Frauen in Östreich.

Und auch Frau Zarghuna Wali (Vorsitzende des International Consensus of Afghan Women im Ausland) sprach über spezielle Probleme afghanischer Frauen im In und Ausland.

Als Augenzeuge berichtete Tamana Paryani ausführlich über ihre Inhaftierung im Taliban-Gefängnis. Sie sprach über die erbärmlichen Zustände und den Brutalitäten in den Gefängnissen.

Im nächsten Schritt sprach Hila Najib, die Tochter vom verstorbenen Dr. Najibullah, dem ehemaligen Präsidenten von Afghanistan.

Sie sagte:

Während die Welt vor drei Tagen den Internationalen Frauentag feierte, wurde in Afghanistan eine Familie von Frauen, deren Männer außer Haus waren, von bewaffneten Taliban vergewaltigt.

Seit der erzwungenen Übernahme der Taliban im August 2021 haben sie eine Übergangsregierung mit amtierenden Ministern gebildet, die angeblich die Verfassung von König Zahir Shah angenommen hat, die keine politische Beteiligung oder Existenz politischer Institutionen wie Parteien zulässt. Vorallem erlässt die De-facto-Regierung der Taliban seit 2021 Dekrete, die gezielt darauf abzielen, Frauen einzuschränken und aus der afghanischen Gesellschaft auszulöschen. Zum Beispiel betrafen 2021 11/25 Edikte Frauenverbote, 2022 42/53 Edikte allein im Januar dieses Jahres, 8 von 15 Dekreten konzentrierten sich auf Frauenverbote. Ihre Dekrete verbieten auch die Presse- und



Meinungsfreiheit.

Also meine Damen und Herren, Tatsachen bleiben das

- [] Afg hat keine Regierung
 - [] Afg hat keinen Rechtsstaat
 - [] Taliban sind eine extremistische Gruppe, deren Mitglieder immer noch unter den UN-Sanktionen stehen
 - [] Seit der gewaltsamen Übernahme von Kabul sind religiöse Madrasa im ganzen Land auf dem Vormarsch, von Haqqanias in Paktia oder in Daikundi
 - [] Ein kürzlich auf Reuters veröffentlichter Bericht weist darauf hin, dass die Zahl der Besuche junger Mädchen in Koranschulen zugenommen hat
 - [] Die Präsenz terroristischer Gruppen in Afg nimmt zu, wobei Russland und China erklärt haben, dass sie zu ihrer nationalen Sicherheit gegen den Terrorismus in Afg vorgehen werden
 - [] Afghanistan hat seine territoriale Integrität aufgrund der Präsenz extremistischer Gruppen und der zunehmenden Rivalität zwischen Supermächten verloren
- Der Weg nach vorn für Afghanistan ist integrativ, ein menschenzentrierter Prozess wird für eine legitime Regierung und ein neutrales Afghanistan eingefü

Nach den Vorlesungen Beginn des ersten Panels mit Moderator Hr. Micheal Fanizada mit einer Frage:

Welche Auswirkungen hat die Flucht und die Situation in Afghanistan auf die psychische Verfassung und Situation von Frauen heute?

* Mitglieder des ersten Panels 1

• Judith Kuhlang – Berger, Ärztin und Forscherin, die mit

Einwanderern arbeitet

- Frau Maryam Seng, Beraterin für Arbeitsmarktpolitik
- Frau Fariba Sadiq Journalistin Dichterin, Schriftstellerin und Chefredakteur der Zeitschrift Banu
- ... Leiterin des Kulturvereins, Beraterin und Leiterin der Psychologie und Flüchtlingen der Stadt Wien, Österreich. Kuhlang Berger, die oft auf dem Gebiet der Einwanderung geforscht hat, sprach in ihrem Vortrag über die Probleme von Asylbewerbern in Europa, sexuelle Belästigung und die Lösungen der Probleme so wie der Integration von Frauen.

Frau Nahid Ahmadzad eröffnete 2.Penal mit folgenden Fragen:

Wie ist derzeit der Zugang zu Bildung, Arbeit, Gesundheitssystem etc.?

Teilnehmer

Frau Farukhloqa Onchinzada, Leiterin der Kommission der Vereinten Nationen in Afghanistan aus den Niederlanden

• Frau Mina Rafiq, ein aktives Mitglied der Frauenrechte aus Norwegen.

• Dr. Ali Baqeri, ein aktives Mitglied des Weltfriedensbotschafters

• Sayeda Tolo Direktorin von der Afghan Women's Solidarity Association, aus den Niederlanden



- Zakia Nouri, Dichterin und soziale Aktivistin aus Norwegen
- Dr. Shafiq Razmenda, Präsidentin der afghanischen Frauenkonferenz in Europa
- Jedes dieser Podiumsglieder präsentierte seine Ansichten umfassend zu diesem Thema.

Im *dritten Panel*, moderiert von Frau Amina Momeni, begann sie ihre Arbeit zur Rolle afghanischer Frauen in der Diaspora.

Mitglieder

Golchehra Yeftali (Mitglied des Leitungsteams der Zeitschrift Banu und Leiterin der Frauenkooperation in Holland.

- Tahmina Niazi, Aktivistin für Frauenrechte
- Mahnaz Shirdel, Frauenrechtlerin
- Wali Shahpour, Präsident der Verbände der Niederlande
- Wahid Mukhtar, Gemeindeaktivist
- Kobra Rahmat, Aktivistin für Frauenrechte
- Sanga Sidiqi, Frauenrechtlerin
- Latifa Nabizada, die erste Pilotin Afghanistans

Alle Mitglieder dieses Gremiums präsentierten ihre Meinungen zu diesen Fragen.

In der nächsten Ausgabe der Frauenrevolutionskonferenz wurde die Resolution mit dem Titel „Frauenrevolution“ von Frau Najla Zamani, Vizepräsidentin des Bakhtar-Instituts und Mitglied des Führungsausschusses der Zeitschrift Banu aus Berlin vorgelesen.

In der Zusammenfassung der Konferenz vom 11.03.2023 äußerte sich Hr. Amin Seyed sehr positiv.

Bis zu Erreichung der Ziele: Frauen, Freiheit und Leben in Afghanistan müssen wir weiter arbeiten.

Frau Hanifa Wahed las ein wunderschönes Gedicht mit Emotionen und veränderte die Atmosphäre im Saal.

Am Ende besonderen Dank geht an Herr Meskinyar, der Leiter von Ariana Global TV, Nasser Arian aus Panjare Europa und Friba Shamal, Afifa Wahedi und andere geliebte Menschen.

Hr. Mir drückte auch seine Dankbarkeit und Wertschätzung gegenüber den Lieblingskünstlern von jedem von ihnen aus, Frau Frishta Sama, einer berühmter Sängerin, Frau Maschal Ander Sängerin, die neben Frau Sama an dem Programm teilnahm und aktiv einen wertvollen Beitrag leistete.

Am Ende der Konferenz wurde Hr. Ghaus Mir wertvolle Geschenke von Hila Najib, Wali Shapoor und Frau Fardiana Tabibzada für die Bemühungen und Initiativen bekommen und er wurde von Teilnehmern belobt.

Am abschließend eine große Anzahl von Teilnehmern und Intellektuellen zum Abendessen von Ghaus Mir eingeladen wurden danach eine denkwürdige Nacht mit Gedichtlesung und Gesang mit mehr Wissen und glücklich und schön in den Morgen gebracht wurde.

Es muss gesagt werden, jeder Teilnehmer von diesem Abend

einem heimatlichen Hauch von Afghanistan gespürt.



شماره ۶۵، مرداد ۱۳۹۷



گزارش مختصری از کنفرانس بررسی وضعیت فعلی و آینده زنان افغانستان

به ابتکار کانون فرهنگی «اکیس»، ریاست کانون فرهنگ افغانستان و به همکاری اداره کارگری و انسیتیوت بین المللی گفتمان و همکاری کنفرانسی تحت نام بررسی وضعیت فعلی و آینده زنان افغانستان با اشتراک تعداد زیادی از زنان نخبه افغانستان، انجمن ها و نماینده های احزاب سیاسی و سازمان های مختلف و افغان های مقیم اتریش و سایر کشورهای اروپایی به تاریخ ۲۰۲۲، ۲۸.۵ در شهر وینای اتریش برگزار شد.

در این کنفرانس که تعداد زیاد از هموطنان مامقیم اتریش، ادارات رسمی احزاب سیاسی مقیم اتریش و مهمانان کارشناسان همکاران هییت مدیره فصلنامه بانو از سویدن، المان، هالند، سویس و ناروی تشریف آورده بودند ساعت دو بعداز ظهر شروع و الی ساعت ۲۳ بجه پایان رسید.

این کنفرانس در سه بخش تنظیم شده، روی موضوعات مهم و اساسی بحث و تبادل نظر صورت گرفت. بخش اول: بررسی وضعیت کنونی افغانستان و تأثیر بر زنان و همبستگی، بخش دوم: افغانستان، آموزش و توانمندی و بخش سوم: پیشنهادها و راهکارها بود.

هدف از برگزاری این کنفرانس: حمایت و اعلام همبستگی با تمام زنان افغان و مادران رنج دیده، بحث و تبادل نظر روی مشکلات زنان و محدودیت ها و جستجوی راه حل های مناسب جهت بیرون رفت از بحران کنونی و دستیابی به حقوق اساسی زنان مبنی بر کار، تحصیل و آزادی و همچنان انعکاس صدای منسجم زنان افغان در شرایط ناگوار کنونی به جهان و ارسال قطع نامه صادر شده به سازمان های مربوطه بود.

در این برنامه ژورنالیستان فعال و باتجربه افغانستان، حمایت خود را از خواهران شان که در داخل کشور علیه حجاب اجباری (برقع و ماسک) و تعطیلی مدارس بالاتر از صنوف ششم مبارزه می نمایند، با پوشیدن برقع و ماسک و دور انداختن آن، اعلام نموده و اعتراض کردند و به حجاب اجباری نه گفتند. سخنرانان این کنفرانس که از سراسر اتحادیه اروپا دور هم جمع شده؛ عبارت بودند از: غوث الدین میر رئیس کانون فرهنگ افغانستان در اتریش، فضل محمود رحیمی پژواک سرپرست سفارت کبرای جمهوری اسلامی افغانستان در اتریش، بانو عاصیه از اداره کارگری، دکتر علی احمد از اداره گفتمان وی ای دی سی، حنا فوکس از حزب چپ، لطیف کریمی استالفی



مسؤول شعبه ادبیات اکیس، خانم میختل عضو هیأت رهبری اکیس، داکتر شفیفه رزمنده مسوول همایش جهانی زنان افغانستان، زرغونه ولی مسوول نوای زن و گرداننده دریاچه بهار و همچنان عضو هیأت رهبری مجله بانو، نجلا زمانی معاون انسیتیوت باختر و براستار و عضو هیأت رهبری مجله بانو روی موضوعات مهم و اساسی و مشکلات افغانستان و مهاجران افغان در خارج از مرزها صحبت نمودند.

پس از سخنرانی ها بخش دوم برنامه باگرداننده گی دو بانو توانمند فریبا چرخ و بانو ناهید احمدزاد در دو پنل شروع به بحث پرداختند

۱ در پنل اول بانو صالحه واصل واهب، نجلا زمانی، شفیفه رزمنده، فاطمه انشایی، زرغونه ولی، بانومهناز شیردل و خانم حفیفه واحد مختار روی حقوق زنان، تعلیم و تربیه و حق تعلیم و تربیه و خودارادیت زنان به بحث پرداختند.

بلی پنل دوم نیز به گرداننده گی بانو ناهید احمدزاد به بحث پرداختند.

در این پنل بانو تمنایوبی عضو هییت رهبری کانون فرهنگ افغانستان اکیس، بانو مینه میاخیل از نهاد همبسته گی زنان بانو هما افکان از اداره انتگراسیون اتریش و بانو عادلہ امین از نهاد ایگاسوس روی مسایل زنان و ادامه تحصیلات بی بحث پرداختند

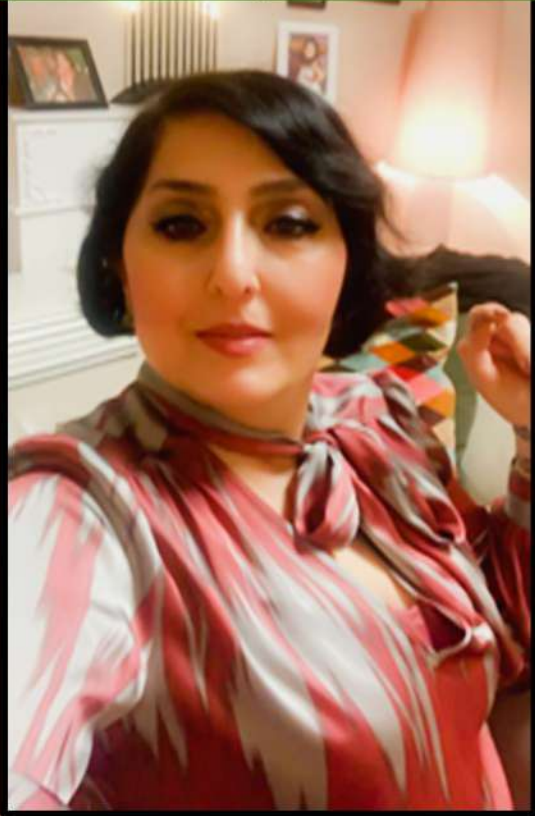
علاوه براین، زنان فعال مدنی و اجتماعی مقیم اتریش در رابطه به انسجام فعالیت های فعالان مدنی و اجتماعی افغانهای مقیم اروپا بحث و گفتگو نموده، تجارب شخصی شان را در رابطه به مهاجرت و مشکلات دوره تحصیل به اشتراک گذاشتند.

و دربخش اخیر میخاییل فنی زاده با جمع بندی از برنامه مجلس را به پایانی اعلام نموده، حاضرین را به صرف غذا دعوت نمودند

قابل یادآوری است در اخیر کنفرانس قطعنامه ای تحت ۹ ماده ترتیب و به مراجع مختلف ارسال شد. این کنفرانس با موسیقی سنتی افغانی شروع و ختم گردید.

غوث الدین میر

رئیس کانون فرهنگ افغانستان مقیم وینا اتریش



زنگ ناخن

مقصدی صفحه پرنیان صدیقان

ناخن‌ها:

و راحتی مخصوصا اگر که بانوی صاحب کار و فعالیت استید، میدهد.

اگر سوال در مورد انتخاب استفاده از برنزر و یا استفاده از سرخی باشد، انتخاب از شخص شماسست. البته استفاده از نوع کریم و بقیه مواد آرایشی مربوط به نوع جلد تان است.

سرخی در قسمت بالاترین گونه استفاده میشود که به صورت عمودی تا وسط گونه میرسد و باید با برس تا حد محو شدن سرخی، درست مالیده شود.

رنگ شفتالویی برای بیشترین پوست‌ها تطابق دارد و به چهره شادابیت طبیعی میدهد اما برای پوست‌های تیره تر رنگ مرجانی بیشتر همخوانی دارد.

رنگ گلابی روشن برای پوست‌های سفید و گلابی تیره برای پوست‌های زیتونی هماهنگ میشود.

کسانی که تجربه کمتر در آرایش کردن دارند بهتر است تا از سرخی‌های پودری استفاده کنند چون کمتر جلا دارد و پخش کردن آن آسانتر است.

در عین حال کسانی که کاربرد برس را برای سرخی دوست ندارند میتوانند از سرخی‌های کریم مانند استفاده کنند و با نوک انگشت آنرا به گونه پخش کنند، البته این نوع سرخی برای جلد‌های خشک و دارای چین‌های ریز هم مناسب است.

باید بدانیم تمام دختران در لب ساحل خود را برنزه نمیکنند بلکه از برنزر در آن قسمت‌هاییکه آفتاب آنها را بیشتر رنگ میدهد استفاده میکنند:

گونه‌ها، پیشانی و بالای بینی.

برنزرهای پودری بهترین انتخاب از دیرها برای صورت‌های

برای مراقبت درست ناخن‌ها، باید از اساس یعنی پاک کردن رنگ ناخن‌های نیمه با مواد پاک‌کننده رنگ ناخن بدون اسیتون و نرم کردن پوست دست در آب شیرگرم آغاز شود و بعدا ناخن‌ها را با سوهان فرم دهید تا در عین حال کمی کوتاه تر شوند.

ناخن‌ها را برای حدودا ده دقیقه در آب گرم ماساژ دهید، تا پوستک‌های اطراف ناخن نرم شوند و بهتر جدا شوند.

آنها با ناخنگیر از اطراف ناخن جدا کنید البته با نهایت دقت تا از زخم شدن اطراف ناخن جلوگیری کنید.

شیارهای آشکار به روی ناخن، ناخن‌های شکننده و ناخن‌های که لا به لا جدا میشوند را بهتر است با مواد مخصوص مانیکور درمان کنید.

مواد مخصوص مانیکور را در این اواخر از دکان‌های سامان آرایش هم میتوانید بدست بیاورید.

از کریم‌های دست غافل نشوید و بعد از هر بار شستن دست از آن استفاده کنید.

چه نوع پوست را دوست دارید؟

صورتی با رنگ آفتاب خورده که تازه از لب بحر برگشته و یا پوست شاداب با گونه‌های گلابی؟

البته که داشتن هر دو ممکن است:

"به صورت درخشش را اضافه کنید"

آنچه آشکار است در هر دو حالت پوست به شما آرامش

به صورت نرمی می دهند و آب رسان خوبی شمرده میشوند. جلد را محکم تر در مقابل آفتاب و کثافات میسازند، از خشک شدن جلد جلوگیری میکنند.



**بانورا با قلم، قدم
و درهم خود یاری نمایید.**

Website: www.akiseu.com
IBAN: AT896000010310237189
BIC: OPSKATWW

با رنگ گرم است اما برای پوست های با رنگ سرد بهتر است تا از برونزر های مایع استفاده شود. بهترین برونزر همان است که با تفاوت کمی از رنگ اصلی انتخاب شود. اولاً صورت را برونزر بزنید و بعد با سرخی گونه ها را برجسته کنید.

در تابستان و هوای گرم پوست صورت ما به چیزی ضرورت ندارد به جز آب رسان و محافظ. اما ما به کدام مواد ضرورت داریم اگر درجه هوا بلند می رود؟

۱- در هوای گرم به جای کریم جامد، بهتر است از کریم های مایع استفاده کنید.

در کریم های مایع، مواد روغنی کمتر استفاده شده است و کمتر چرب میباشند، در جلد سریع تر نفوذ میکنند برای یک دست بودن جلد و تناسب آب رسانی در پوست، مواد مایع انتخاب خوبی است.

۲- موج گرم و شمال داغ در چنین اوقات بهتر است که کریم های تان را در یخچال نگه دارید، تا هم تازه بماند و هم مواد چرب هنگام استفاده جذب صورت شود.

۳- سیرم پوست سرخ، لکه های خشک و جلد کدر را با استرس، آفتاب و محیط کثیف پیدا میکنند. باید جلد را از فکتور هایی بالایی محافظت کنید. سیرم ها بخاطر ساختار داخلی شان قابلیت جذب سریع را تا لایه های زیرین پوست دارد.

سیرم ها حاوی ویتامین سی، انتی اکسیدانت ها و اسید هیالورونیک میباشند و بهترین پایه برای آرایش صورت قبل از کریم روز و یا شب است.

۴- Mist این مواد که اسپری دارای آب است یکبارہ خیلی شهرت یافته و جز مهم برای آرایش محسوب میشود. این آب رسان سریع، میتواند حافظ رادیکال های آزاد و شعاع آبی آفتاب باشد و یک محافظ مکمل شمرده میشود، البته از Setting spray هم میشود عین استفاده را کرد.

۵- ماسک ها ماسک ها دارای مواد متمرکز شده ی اند که بدون حجم



سیاسید ژورنالیست، نویسنده و فعال سیاسی

هشتم مارچ در افغانستان

سیاه یا سفید؟

در کشوری که نیم نفوس آنرا زنان تشکیل می دهد و هیچ گونه نقش و حقوقی در جامعه و اجتماع نداشته باشد، تجلیل کردن از روز بین المللی و همبستگی زنان در جهان یا ۸ مارچ در افغانستان چه مفهومی دارد؟ آن روز را باید یک روز سیاه و غم انگیز یاد کرد.

آنچه در مورد ۸ مارچ در افغانستان درک می شود، در جهان متفاوت است. روز بین المللی زنان در اثر مبارزات طولانی زنان در کشورهای صنعتی تثبیت شد، در حالی که در افغانستان این روز به مانند یک ارزش وارداتی مورد تجلیل قرار می گرفت. زیرا در افغانستان هیچ جنبشی همانند جنبش های زنان کارگر و زنان مبارز قابل شناسایی نیست. اما در حال حاضر باید زنان در جهان با زنان در افغانستان یکجا برای حقوق آنها دست به حرکات هدفمند و قوی بزنند و برای ایجاد برابری میان زنان و مردان و مقابله با فشارهای روز افزون بر زنان، ایستادگی نمایند. هر چند زنان در افغانستان تحت فشار مذهبی و ستم مردسالارانه از دهه ها بدین سو قرار دارند، ولی نظام های سیاسی در گذشته تلاش کرده اند تغییری ایجاد نمایند که خیلی موفق نبوده و چندان در جامعه جا نماند، تا اینکه در قرن ۲۱ و عصر تکنولوژی زنان در افغانستان به شکل سیستماتیک از جامعه حذف شدند.

زنان در جوامع صنعتی متفاوت استند و هیچ کدام آن سرمایه های لازم فکری و سازمانی را برای تبدیل شدن به یک جنبش فراگیر اجتماعی نداشته اند. از این جهت، یک درک کاملن متفاوت از مطالبات زنان و حتی حقوق آنان در افغانستان در مقایسه با کشورهای دیگر به ویژه کشورهای متمدن جهان وجود دارد. این مناسبت بهانه ای است که از مقام انسانی زن گرامی داشته شده و از رنجها و دشواری هایی که زنان با آن رو به رو اند، یادآوری شود. زنان در سراسر جهان به نحوی با محدودیتها و نقض حقوق شان روبرو اند. اما در این میان زنان در جوامع توسعه نیافته با

ساختار طبقاتی و فرهنگ سنتی، بیش تر با ستم و تبعیض مواجه اند. هر چه ساختار جامعه بسته و طبقاتی باشد و از نظر فرهنگی در سطح پایین تری قرار داشته باشد و فرهنگ و ارزش های مردسالارانه در آن حاکم باشد، در آن جامعه ستم و محدودیت علیه زنان ساختاری تر و ریشه دار تر و عمیق تر می باشد به گونه مثال افغانستان!

بیش از دو ماه می شود طالبان دستور ممنوعیت نامحدود و ادامه آموزش زنان و دختران در دانشگاه های دولتی و خصوصی، و کار آنها در نهاد های داخلی و بین المللی در افغانستان را صادر کردند. این گروه تروریستی جاهل و تاریک اندیش (طالبان) با تعلیق ادامه تحصیل دختران، چهره اصیل خود را نه تنها به مردم افغانستان بل به جهانیان نیز نشان دادند.

در نامه ای رسمی که به تمام دانشگاه های دولتی و شخصی از طرف ندا محمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان امضا شده، ارسال گردیده، تاکید شده است که بر اساس تصمیم ۲۰ دسامبر سال ۲۰۲۲ میلادی کابینه طالبان، تحصیلات دانشگاهی برای دختران و زنان "را تا اطلاع ثانوی تعطیل ساخت".

در این نامه همچنان به شکل جدی تاکید شده است که دانشگاه ها باید این دستور را «فورا» اجرا کنند. و دختران دانشجو که در خوابگاه یا لیلیه ها بسر می برند آن را مغایر با «غیرت افغانی و اسلام» می دانند که بدون اعضای خانواده خود برای تحصیل به استان یا ولایت دیگری می روند، یعنی «بدون محرم شرعی» سفر می کنند.



دانشگاه های افغانستان، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان گفت: "تا زمانی که مسایل مربوط به احکام شرعی حل نشود، ادامه خواهد داشت." وی از جمله به وضعیت حجاب زنان و دختران، حضور آنان در دانشگاه های مردانه و حضور زنان در دانشکده های فنی و مهندسی اشاره کرد.

بیشتر دانشجویان و فعالان دختر در ولایات چون: کابل، تخار، ننگرهار، بدخشان و هرات به این تصمیم طالبان دست به اعتراض زدند. بسیاری از سیاستمداران، دیپلمات ها، سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و سازمان همکاری اسلامی و کشورهایمانند ایالات متحده امریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، جاپان و حتی کشورهای اسلامی چون عربستان سعودی، ترکیه و ایران نیز این موضوع را مطرح کرده اند. و برای لغو ممنوعیت تحصیل دختران در افغانستان توسط طالبان تاکید کردند. این در حالیست که در نوامبر ۲۰۲۲، مقامات طالبان همچنین زنان را از رفتن به پارک های عمومی، ورزشگاه ها و حمام منع کرده بودند.

یک ساعت پس از انتشار عمومی تصمیم ممنوعیت تحصیل دختران در دانشگاه، این سختگیری طالبان واکنش های زیاد جهانی در پی داشت. دیده بان حقوق بشر آن را تصمیمی "شرم آور" خواند که حق تحصیل برای زنان و دختران را نقض می کند.

عدم رعایت حجاب کامل که تنها دو چشم دانشجویان دختر قابل دید باشد، حضور دانشجویان دختر و پسر در رشته های «نامناسب برای زنان و ناسازگاری شان» از جمله دلایل عمده ای است که رژیم طالبان به آن اشاره می کند.

در این مدت هفده ماه موضوع تحصیل دختران و حذف زنان از جامعه و کشور با آپارتاید جنسیتی بارها از سوی سازمان های بین المللی و حقوق بشری به شدت مطرح و مورد انتقاد شدید قرار گرفته است و یکی از بحث برانگیزترین موارد از زمان به قدرت رسیدن طالبان در اگست سال ۲۰۲۱ میلادی تبدیل شده است.

هرچند زنان از زمان تسلیم دهی جمهوری اسلامی افغانستان به طالبان توسط خابینین افغان و شرکای خارجی آنها سکوت نکردند و صدای اعتراض شان را از گوشه و کنار کشور بلند کردند، اما متأسفانه همیشه باخشونت جدی طالبان چون: شکنجه، لت و کوب، زندانی کردن، تجاوز، ازدواج اجباری و قتل روبرو شدند، و این بار نیز صدها زن و دختر در مناطق مختلف افغانستان تظاهرات کردند و از جهان می خواهند که طالبان را به رسمیت نشناسند. این معترضان همچنین خواستار بسته شدن دفتر طالبان در کشور قطر شدند و خواهان جلوگیری ارسال پول نقد هفته وار به آنها هستند.

در پی اعتراض های متعدد به ممنوعیت تحصیل زنان در

فرهنگی، مدنی و حقوق سیاسی که توسط کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی که افغانستان عضو آن است، محافظت می‌شود. این شامل حصول اطمینان از این است که آموزش با کیفیت بدون تبعیض در دسترس همه شهروندان زن و مرد باشد. هر کودک باید بدون هیچ گونه تبعیض، فارغ از مذهب، جنسیت، قومیت، معلولیت یا هر وضعیت دیگری به آموزش ابتدایی و متوسطه دسترسی داشته باشد. دسترسی به آموزش عالی نیز باید بدون هیچ گونه تبعیض تضمین شود. و آزار و شکنجه بر اساس جنسیت، می‌تواند بر اساس اساسنامه روم، که افغانستان یکی از کشورهای عضو آن است، "جنایت علیه بشریت باشد".

علاوه بر این، طالبان با سته کردن دروازه‌های دفاتر بر کارمندان زن آخرین میخ را در تابوت زنان کوبیدند. مقام‌های طالبان به همه سازمان‌های غیردولتی داخلی و خارجی دستور داده‌اند تا فعالیت کارمندان زن خود را تا اطلاع ثانوی متوقف کنند. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که طالبان قبلن زنان شاغل در ادارات حکومتی را پس از فروپاشی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۲۰۲۱ از کار ممنوع کرده بودند.

هشتم مارچ به گونه تصادفی انتخاب نشده است، بل در اثر مبارزات شایان و خستگی ناپذیر زنان برای دستیابی به حق و حقوق شان به رسمیت شناخته شده است. برای اولین بار در هشتم مارچ در سال ۱۸۷۵ در نیویارک زنان کارخانه‌های نساجی در کشور آمریکا دست به اعتراض زدند که به شدت با سرکوب پولیس روبرو شدند. و آن سبب شد که همبستگی زیاد در میان زنان در سراسر جهان به وجود آمد. و تجلیل از روز بین‌المللی زنان کارگر، برای رسیدن به حقوق برابر یا مساوی با مردان است که برای بدست آوردن آن قربانی‌های زیادی داده‌اند و در راه عدالت و برابری رزمیده‌اند. تا اینکه در سال ۱۹۰۹ زنان آمریکا توانستند هشتم مارچ را به عنوان روز ملی زنان آمریکا تثبیت کنند.

در سال ۱۹۱۰ در کنگره بین‌المللی سوسیالیست‌ها در شهر کپنهاگن کشور دنمارک این روز را به نام روز بین‌المللی مبارزات زنان تصویب کرد و یک سال دیرتر بیش از یک میلیون زن در نقاط مختلف جهان مانند استرالیا، چین، روسیه، و چند کشور اروپایی دست به تظاهرات زدند و خواهان حقوق برابر با مردان شدند. با مرگ ۱۴۹ زن کارگر و نبود امکانات برای زنان در سال ۱۹۱۱ تظاهرات گسترده در سرتاسر جهان برگزار شد. سازمان ملل متحد سال ۱۹۷۵ را به‌عنوان سال بین‌المللی زنان اعلام کرد و به دنبال آن سازمان یونسکو در سال ۱۹۷۷ میلادی هشتم مارچ را به‌عنوان «روز بین‌المللی زنان» به رسمیت شناخت. در حالی که در کشورهای دیگر، مبارزات جهت برآورده

طالبان هر روز روشن می‌سازند که به حقوق بشر در افغانستان به ویژه زنان احترام نمی‌گذارند. آمینه محمد معاون سازمان ملل متحد در سفری که به افغانستان داشت در برگشت از آن کشور گفت که "طالبان در قرن ۱۳ هستند و آوردن آنها به قرن ۲۱ دشوار است". در همین حال، ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور افغانستان نیز در توییت این خبر را محکوم کرد و از طالبان خواست که فوراً این تصمیم را پس بگیرند.

ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا در توییتی نوشته بود: "به عنوان پدر دو دختر، نمی‌توانم دنیایی را تصور کنم که در آن دخترانم از تحصیل محروم باشند. زنان افغانستان چیزهای زیادی برای ارایه دارند. محروم کردن آنها از دسترسی به دانشگاه یک گام جدی به عقب است. ما در مورد طالبان با اقدامات آنها قضاوت خواهیم کرد".

در همین حال، حدود ۴۰۰ دانش‌آموز در قندهار، زادگاه طالبان، برای تحریم امتحانات در همبستگی با هم مسلمان خود به خیابان‌ها ریختند. و بیش از ۴۰ استاد از دانشگاه‌های مختلف افغانستان برای حمایت از دانشجویان دختر خود استعفا دادند و حتی یکی از این اساتید دیپلوم دکترا را در برنامه زنده تلویزیون طلوع پاره کرد و چندی بعد کتاب‌های خود را برای شهروندان در کابل هدیه کرد ولی این اعتراض وی باعث زندانی شدن آقای اسماعیل مشعل گردید. در کنار آن یک تن از استادان دیگر و نویسنده برجسته نیز از سوی طالبان زندانی شد.

وزرای خارجه ایالات متحده آمریکا، استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، جاپان، هلند، ناروی، اسپانیا، سوییس، بریتانیا و همچنین نماینده عالی اتحادیه اروپا در محکومیت شدید تصمیم طالبان به عنوان یک تصمیم دیگر پیوست. بخشی از ستم "بی‌امان و سیستماتیک" آن بر زنان و دختران است.

جوزف بورل، رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا در توییت خود تصمیم طالبان برای تعلیق تحصیلات عالی و کار زنان در افغانستان را به شدت محکوم کرد. و آنرا حرکتی منحصر به فرد در جهان که حقوق و خواسته‌های شهروندان به ویژه زنان را نقض می‌کند خواند و گفت که محروم کردن زنان از کار کمک‌های بشری را در افغانستان به چالش روبرو می‌سازد و زنان را از آن محروم می‌کند. وی افزود: "آزار جنسی یک جنایت علیه بشریت است".

در بیانیه‌ای که از طرف اتحادیه اروپا صادر شد، آمده است که طالبان با در دست گرفتن کنترل کشور افغانستان، موظف به تضمین حفاظت و تحقق امور اجتماعی، اقتصادی،



Poet, (Rabia Ahrar)

Give me the right to go to school!
 Give me the right, give me rights,
 Even though some people took my rights,
 Give me rights as a girl to go to school, and university to
 build myself
 I should have the right to know who I am,
 Give me the right to open the door of knowledge and the
 light,
 I should not walk with closed eyes in the dark street on one
 side
 Give me rights as a human or girl I need to get an education,
 I should not live without light in the darkest night
 Give rights as humans to know human rights and humanity
 I should know how to change my mind with the way of equal-
 ity
 Give me rights as a human I need to have rights,
 I should know how to eat, drink, and talk as a human being,
 Give me rights as a girl, a woman, and a lady who I am,
 With empty hands, broken hearts, teary eyes,
 Give me the right to go to school as a human I came from far
 away,
 No food, water, barefoot, with small clothes in the icy snow,
 Give me the right, to show I am human not Asian, not east or
 west,
 I am a girl like a bit of dust without knowledge of the land of
 humanity
 Give me rights, I am like other women I need to find educa-
 tion as a human being,
 I should build myself by the light of education and knowl-
 edge
 Give me a voice, as the other girls and ladies
 Those who know the power of human rights
 Dec 13/ 2022

شدن حقوق برابر زنان و مردان از پایین
 صورت گرفته است و زنان کارگر و توده
 های جامعه برای رسیدن به این حقوق
 بسیج شده‌اند، اما در افغانستان این فشار
 از بالا وارد می‌شود و نهادهای رسمی با
 محور قرار دادن مشکلات دیگر در جامعه
 می‌خواهند نقض حقوق زنان را که به
 شکل سرسام آور وجود دارد پنهان نمایند،
 و توجه جهانیان را به موارد دیگر جذب
 کنند. وبه این دلیل به نتایج ناخواسته‌ی
 دیگر مواجه می‌شوند.

بسیاری از نهادهای پسین که در راستای
 حقوق زنان و نهادینه شدن برابری میان
 زنان و مردان فعالیت داشتند، با کارهای
 مقطعی و غیراستراتژیک و بدون در
 نظر داشت حساسیت‌های اجتماعی و
 سیاسی، این کار را انجام می‌دادند. طبیعی
 است در شرایطی که آگاهی لازم در جامعه
 وجود نداشته باشد، کارهای مقطعی از
 این دست ممکن است نتایج بدتری را به
 بار آورد و زمینه را برای زندگی زنان
 دشوارتر سازد. حالا با توجه به شرایط
 دشوار زنان و حتی پسران جوان
 در افغانستان زندگی غیر قابل تحمل در
 زیرحاکمیت طالبان است، و از ابتدایی
 ترین حقوق انسانی که آموزش و کار است
 بی بهره باشند. چه آینده را در انتظار
 داشت!

**بانو را با قلم، قدم
 و در هم خود یاری نمایید.**

Website: www.akiseu.com
 IBAN: AT896000010310237189
 BIC: OPSKATWW



بیایید آنشیر خود را آنشیر



مقصی صفحہ زر غونہ عدل استازی

دوستداران فرهنگ و غذا های لذیذ افغانی!

ما در این صفحه سعی مینمایم تا به خاطر ترویج و معرفی غذا های لذیذ، طرز تهیه غذاهای ناب افغانی و آن عده غذا هایی را که تازه در مینوی افغانی وارد شده اند، پیشکش داریم، یکی از اهداف ما طرز آموزش غذا ها می باشد که با نظر داشت پیشینه غذا ها تهیه شده و شکل خانه گی آن عرضه شود.

بولانی داسی گندنه:

دوستان اگر به گندنه وطنی و تندور دسترس ندارید میتوانید بولانی بسیار لذیذ را در منازل تان با ذایقه بسیار نزدیک به بولانی وطنی تهیه کنید. خمیر وطنی که تنها با آب نمک و خمیر مایه تهیه میشود ایجاب حرارت بسیار بلند که بتواند آنرا قبل از اینکه آب خمیر تبخیر شود بپزد. در غیر آن نتیجه بولانی و یا نان مطلوب نبوده و نان پف درست نکرده و هم خشک و کلفت میاید. گرمای تندور تا درجه ۷۰۰ فارن هایت سعود میکند در حالیکه داسی های خانگی تا ۵۰۰ درجه فارن هایت گرم میشوند. پس باید ماهیت خمیر را کمی تغییر داد و به اضافه کردن مقدار کمی روغن آن را به حرارت داسی عیار ساخت تا نان نرم و قابل جویدن باشد.

مواد لازم برای خمیر:

(بیمانه ظرفی است که گنجایش ۱۲۵ گرام جامد را داشته باشد)

دو پیمانه آرد

نیم قاشق چایخوری نمک

دو قاشق غذا خوری روغن

یک قاشق چایخوری خمیرمایه پودری که در نیم پیمانه



آب گرم حل شده باشد.
سفیدی تخم مرغ که پنجه زده شده باشد.

طرز تهیه:

در یک ظرف آرد را با نمک مخلوط کنید. روغن ر علاوه کرده و با دستان مخلوط کنید. آب که خمیر مایه دارد به تدریج علاوه کرده و با دست مشت کنید تا یک خمیر نرم برابر خمیر نان بدست بیاید. خمیر را به یک سطح هموار انتقال داده و دستان خود را شسته و خشک کنید. به دستان تان و خمیر کمی گرد آرد زده و خمیر را کمی بیشتر مشت کنید تا یکدست و کشدار شود. به یک ظرف انتقال داده و بپوشانید و بگزارید تا برسد البته بستگی به



هوای اطاق دارد (بین نیم تا یک ساعت).
در عین زمان گندنه را آماده کنید:

مواد لازم:

یک کیلو گندنه یا (گندنه خارجی - لیک)

دو قاشق چایخوری نمک

مرچ بقدر ضرورت

اگر از گندنه خارجی (لیک) استفاده میکنید آنرا مطابق عکس ریزه کرده و بشویید و بگذارید همه آب آن صاف شود. با نمک مخلوط کرده و برای ۲۰ دقیقه بگذارید و بعداً گندنه را خوب مشت کنید تا آب آن خارج شده و گندنه نرم شود. آب آنرا بدور ریختانده و مرچ را اضافه کرده و مخلوط کنید.

خمیر و گندنه را جداگانه به ۶ قسمت مساوی تقسیم کنید و مطابق عکسها آماده کنید. (برای بولانی های کوچکتر به ۱۲ قسمت تقسیم کنید.)

بولانی ها را در یک پتنوس چرب شده انتقال داده و با سفیدی تخم مرغ جلا دار بسازید. پتنوس را در داش که قبلاً به ۴۰۰ درجه فارن هایت مطابق ۲۰۰ درجه سانتی گرید حرارت داده اید برای نیم ساعت بپزید. با چتنی نوش جان کنید.

مربای بهی:

یکی از بهترین استفاده ها از بهی تهیه آن به صورت مربا است. این میوه خوش رایحه زمستانی در سراسر جهان از صد ها سال در تهیه مربا استفاده داشته است. این هم مربای خوش خور و لذیذ بهی افغانی:

مواد لازم: پیمانانه = ۱۲۵ گرم جامد

یک کیلو گرم میوه بهی که بسیار نرم و یا پخته نباشد
سه پیمانانه آب

سه پیمانانه بوره (شکر)

یک پیمانانه آب جوش

نوک قاشق زعفران ساییده شده

یک قاشق غذا خوری آب لیمو

دو قاشق چایخوری هیل آسیاب شده تازه

دو قاشق غذا خوری خلال پسته

یک قاشق غذا خوری بادام ورق شده یا خلال بادام

نیم قاشق غذا خوری عرق گلاب

طرز تهیه:

بهی ها را پوست و چهار توتسه کرده و خسته های آنرا دور کنید. بعداً هر توتسه را مطابق عکس سه توتسه کرده و در سه پیمانانه آب برای نیم ساعت بپزید تا ناخن گیر شده و آب آن جذب شود. بوره - لیمو - زعفران و آب جوش را علاوه کرده و بالای حرارت متوسط برای ۳۰ دقیقه بپزید. مغز باب - هیل و عرق گلاب را در آن مخلوط کرده و برای دو دقیقه بیشتر بپزید. آتش را خاموش کنید و مربا را به آهستگی مخلوط کنید و چند لحظه



انتظار بکشید تا کف روی مربا به تدریج ناپدید شده و توتسه های بهی شفاف شوند. به مرتبان انتقال داده و آماده نوش جان کردن است. البته مربا های با رنگ نارنجی در دو ساعت و رنگ جگری در سه ساعت آماده میشوند. البته برای مربا های رنگ تیره تر آب بیشتر نیز ضرورت خواهد بود



کری استانی

بکارتی بر می دارد .

سپیده دمان وی را به حرم می فرستد ، سجاده پهن و به راز و نیاز خدای یگانه می پردازد و بر کرسی عدالت تکیه می زند .

دربان اجازه ورود مفتی شهر را به حضور ملوکانه دارد و امیر با اشاره انگشت می پذیرد .

مفتی شهر دست به سینه ، زمین ادب می بوسد ، امیر می پرسد : یا شیخ بگو ، بنده گانم در چه حال اند ؟ مفتی دستار بر زمین می کوبد و مظلومانه می گوید : یا امیرالمومنین قهر و غضب خدا عنقریب بر این ملت نازل می شود .

امیر با تعجب می پرسد چی شده ؟

مفتی می گوید : یا امیر ، فلان خاتون مرتکب عمل زنا شده است .

امیر خشمگین می شود و لبانش در پرش می افتد ، با چشمان از حدقه بیرون شده امر می کند : «بدون تاخیر وی را « سنگسار » کنید .»

آدینه شب امیر!

امیرالمومنین بعد نماز عشاء ، مصحف گشود و با صدایی جهر و دلنشین ساکنین حرم را در عالم روحانی بُرد ، حینکه به سوره النبا « و کواعب اترابا... » : حوران بهشتی چون دختران نورسی اند که دارای پستان های گرد همانند انار ، باکره ، سفید و چشمان خماری ، که کام دهی به همسران را دمی فرو نمی گذارند « رسید ، سکوت کرد و چنان این آیه بر وی اثر گذاشت که حس شهوانی و کامجویی در وی بیدار شد و « سنبل آغا » را صدا کرد .

سنبل آغا برده خصی شده ، سرپرست کنیزان حرم ، با ناز و کرشمه ، دست به سینه وارد می شود و سلام می کند .

امیرالمومنین با اشاره چشم به وی می فهماند که آدینه شب است ، وی چه می خواهد ؟ .

سنبل آغا با تعظیم و احترام می گوید : « چشم » و مستقیم به حرم کنیزان حور صفت می رود ، دخترکان صف می بندند و سنبل همه را از زیر نظر می گذراند ، تا بهترین را انتخاب و به خلوت ببرد ، کنیزانی که سال ها در انتظار چنین خلوتی هستند ، عشوه گری می کنند ، تا انتخاب شوند ، سنبل آغا انار پستانی را که تازه در جنگ به غنیمت گرفته شده انتخاب و به آرایشگر هدایت می دهد تا وی را حمام برده معطر و آماده سازد .

امیرالمومنین در اتاقش بی صبرانه با جام شراب و خوشه ی انگور قدم می زند ، تا ساعت موعود برسد ، ناگهان دق الباب می شود ، انار پستانی که لباس حریری بر تن دارد و ساق های بلورین و هوس انگیزش نمایان است ، جلو چشم خود می یابد ، امیر خود را نزدیک می کند و آهسته آهسته لب ها را روی لبانش می فشارد و به آغوشش می کشد و تا سحر



Palwasha Hamzad

invloed op de kwaliteit van de relaties. Niet door op de voorgrond te treden, maar juist door vanaf de zijlijn beschikbaar te zijn. Luisteren, vertrouwen bieden, optreden als het echt nodig is, uitnodigende omstandigheden creëren, het goede voorbeeld zijn, uitdagen en ondersteunen zijn belangrijke pedagogische voorwaarden voor het ontstaan van goede relaties.

Competentie: Kinderen willen laten zien wat zij kunnen en zichzelf als effectief ervaren. Dat vraagt uitdaging. Dat kan alleen als het onderwijs is afgestemd op de mogelijkheden en (basis) behoeften van de leerling. Niet opletten, niet meedoen, onderpresteren, niet durven, het zijn vaak tekenen van afstemmingsproblemen. Een leerkracht die de ontwikkeling van haar leerlingen serieus neemt, biedt de leerling ruimte om passende leerdoelen voor zichzelf te formuleren en voor hem haalbare resultaten te boeken. Een combinatie van hoge (en reële) verwachtingen en beschikbaarheid voor hulp en ondersteuning, zijn een goede basis voor het ontwikkelen van een gevoel van competentie.

Psychologische basisbehoeften

Ieder mens is gebouwd om zichzelf te ontwikkelen en heeft een natuurlijke behoefte aan relatie, autonomie en competentie

Als in voldoende mate is voldaan aan de behoefte aan relatie (anderen waarderen mij en willen met mij omgaan), aan de behoefte aan autonomie ('ik kan het zelf, hoewel niet altijd alleen') en aan de behoefte aan competentie ('ik geloof en heb plezier in mijn eigen kunnen') is er welbevinden, motivatie, inzet en zin in leren. Wordt hier door opvoeders (ook leraren!) tekort gedaan, dan ontstaan voorspelbaar taakhoudings- en motivatieproblemen op school.

Relatie: Kinderen hebben behoefte aan relatie, zowel met hun leerkrachten als met andere kinderen. Ze willen het gevoel hebben erbij te horen, deel uit te maken van een gemeenschap. Hoewel in een gemeenschap conflicten zijn en men rekening moet houden met elkaar, voelt men zich er in principe veilig. Kinderen en volwassenen voelen zich gezamenlijk verantwoordelijk voor een goede sfeer en als het lastig is, kan de leerling rekenen op de steun van zijn leraar. In scholen hebben volwassenen veel

Pedagogische basisbehoeften



Autonomie: Autonomie verwijst naar het gevoel onafhankelijk te zijn. Kinderen willen het gevoel hebben de dingen zélf te kunnen doen. Zélf kunnen beslissen, zelf keuzes maken. Dat kan alleen in een omgeving waarin de eigenheid van het kind gerespecteerd wordt. Een kind is er voor zichzelf, niet voor zijn ouders of voor de school. Kinderen hebben al jong behoefte zich te onderscheiden, hun eigen keuzes te maken. Het pedagogische antwoord hierop is het bieden van veiligheid, ruimte, begeleiding en ondersteuning soms en het waarborgen van de verbondenheid met de ander. Individuele vrijheid is belangrijk en wordt gestimuleerd, maar altijd in relatie met de ander en met behoud van diens vrijheid en jouw verantwoordelijkheid daarvoor. Autonomie verwijst altijd naar relatie.

Het is mogelijk om in te schatten wat de ander aan kan door realistische verwachtingen te hebben, door niet te overvragen en niet te ondervragen. Er wordt hulp en ondersteuning geboden. Hierdoor wordt vertrouwen gecreëerd en weet de ander doelgericht te werk te gaan. Dit is een sterke basis voor de behoefte aan competentie.

Motivatie ontstaat ook wanneer iemand het gevoel heeft om dingen zélf te willen doen, zelf te beslissen en zelf keuzes te maken. De behoefte aan autonomie gaat dus over de perceptie om het gedrag zelf te mogen bepalen, vanuit eigen interesses en waarden. Dit kan leiden tot het uniek willen zijn en jezelf kunnen onderscheiden. Weinig initiatief tonen, veel hulp vragen en teruggetrokken gedrag kunnen een uiting zijn van het feit dat de afstemming van omgeving en activiteit op de behoefte aan autonomie niet juist is.

Een leraar houdt rekening met deze behoefte door ruimte te scheppen. Ruimte om successen te boeken maar ook om met mislukken om te gaan (volgens de behoefte aan competentie). Het gaat om het scheppen van ruimte waarin begeleiding en ondersteuning geboden wordt en waarbij degene die leert individuele vrijheid en verantwoordelijkheid ervaart en

zich daarbij mede-eigenaar voelt van het proces. Het gevolg is ook dat initiatiefrijk gedrag vertoond wordt.

Autonomie betekent dus niet altijd dat iemand onafhankelijk is en zelfstandig (zonder hulp) dingen kan. Autonomie verwijst daarmee dus ook naar de behoefte aan relatie.

(Basisbehoeften - uitleg begrippen onderwijs, z.d.)

(Basisbehoeften - uitleg begrippen onderwijs, z.d.)

Basisbehoeften - uitleg begrippen onderwijs. (z.d.).

<https://wij-leren.nl/basisbehoeften.php>

بانورا با قلم، قدم
و درهم خود یاری نمایند.

Website: www.akiseu.com

IBAN: AT89600010310237189

BIC: OPSKATWW

زن، موسیقی و شعر



فرشته سما



متصدی صفیہ صوفیا و لیزا دہ

هنر و آموزش دیده انستیتوت سینمایی شهرپونه هند بود و ضمن در رادیو کابل قدیم آواز میخواند، نخستین حامی و مشوق دختران هنرمندش فرشته جان و هنگامه جان بشمار میرود.

فرشته جان سما در فضای خانواده بدون داشتن استادی نخست نواختن هارمونی را فرا گرفت و سپس به کسب رموز آوازخوانی پرداخت.

هنوزبیش از هفت سال نداشت که به سبب اوضاع ناامن کشور همراه با خانواده وطن را به قصد آلمان ترک کرد، ابتدا در شهرهای فرانکفورت و بن اقامت کرد، بعد در شهر هامبورگ نقل مکان کرد و تا امروز در آنجا ماندنی شد.

فرشته جان تحصیلات را بقول خودش در آلمان تا درجه معاون داکتر به اتمام رسانیده اما با توجه به صدای خوش و استعداد و قریحه ای که در زمینه آوازخوانی، بویژه غزلخوانی داشت این انگیزه باعث شد تا موسیقی را بشکل اکادمیک و پروفیشنل دنبال کند.

در سن ۱۴ سالگی با وجود مشکلات و موانعی که در سر راهش قرار داشت، سفر یکماهه ای را بپاکستان در پیش گرفت و در زمینه آموزشهای اساسی موسیقی از محضر غلام علی خان استاد بزرگ موسیقی، فیض برد و از اینجا بود که مراحل پیشرفت او شروع شد.

دوستان داران صفحه زنان افغانستان و موسیقی و این بار در استیژ موسیقی با یک هنرمند جوان و خوشصدا که با غزل هایش و آواز زیبایش همه شما خوبان آشنا هستید. اینک بانو خوش آواز را به معرفی میگیریم فرشته جان سما.

دمی با فرشته جان سما یکی از ستارگان هنر موسیقی هنرمند خوشصدا و محبوب کشور نگارنده: زلمی رزمی

در میان آوازخوانان زنان کشورما، خانم فرشته جان سما یکی از آوازخوانان خوش ذوق و خوش صدایی است که خود هم مینوازد و هم بطورسلیس به زبان هندی، پشتو و فارسی آواز میخواند و بویژه در غزل خوانی از جایگاه خاصی برخوردار است.

او هنرمندیست صمیمی، خوش برخورد، متواضع و مهربان است که همواره با گشاده رویی، زبانی ملایم و برخوردی شاد و محبت آمیز با مردم روبرو می شود.

زندگی و کارنامه های هنری این بانوی هنرمند کشورمان را ورق میزنیم.

فرشته جان سما در شهر کابل پا به عرصه هستی گذاشته است و از همان دوران کودکی آواز خوشی داشت و با موسیقی قد کشید زیرا پدرش غلام یحیی شورانگیز که خود اهل



فرشته جان سما میگوید:

هرچند دیداربا اساتید بزرگ موسیقی مثل استادغلام علی برای نوجوانی مثل من کارساده و آسانی نبود، با این حال ازتلاش بازنیاستادم وبه هرتقدیر و تدبیردرعالم موسیقی آشنایی و پیوند برقرار کردم و از تجربه ها و رهنمایی های ارزشمندش بهره گرفتم و درس های اساسی و پایه ای را آموختم.



شایبه آقایان شکیب عثمانی، خالد کیهان، شاهپور و فاروق واعظ میدانند.

درکارنامه هنری خانم فرشته اجرای آهنگهای دوگانه با خوانندگان مشهوری همچون :

استاد فتح علی خان، استادغلام علی، استادهاشم، استاد زلاند، خوشحال سدوزی، احمدولی، خانم هنگامه، استاد ارمان، نذیرخارا و دیگران نیزبه چشم میخورد.

ازکست ها و سی دی هایی که تاکنون عرضه داشته میتوان به کارهای ذیل اشاره داشت:

- نخستین کست آهنگهایش بهمکاری استاد الفت آهنگ بنام مژه

- سی دی آهنگهای مشترک با استاد فتح علی خان

- سی دی آهنگهای مشترک با حشمت احسانمند

- سی دی آهنگهای مشترک با شبیر احمد خان آوازخوان معروف پاکستانی

- سی دی آهنگهای مشترک با خانم هنگامه و لیلا فروهر و دیگران .

بانورا با قلم، قدم و درهم خود یاری نماید.

Website: www.akiseu.com

IBAN: AT896000010310237189

BIC: OPSKATWW

خوش چانسسی دیگرمن درآلمان اتفاق افتاد، درسال ۲۰۰۰ میلادی زمینه دیداراستاد فتح علی خان میسرشد و من سعادت آنرا داشتیم که افتخار شاگردی وی را کسب کردم و نزد او نیز آموزش دیدم.

فرشته جان سما ضمن اجرای کنسرت های موفق درآلمان ، افغانستان و برخی کشورهای غربی، آهنگهای زیادی ازساخته های استادهاشم، الفت آهنگ، شادکام، ویس سرور، استاد زلاند، استاد ارمان، استاد فتح علی خان، استادخیال، حامد نوید، سمع حامد، نذیرخارا، الیاس سهیل، امیرجان صبوری و دیگران را به شایستگی اجرا و به ثبت و نشر رسانیده که با استقبال بی نظیر اهل دل و اهل ذوق قرارگرفته است .

فرشته جان سما درقسمت ثبت و ضبط آهنگهایش خودش مدیون همکاریهای بی

قطعه‌نامه کنفرانس وین

سازند. در زمستان سرد و سخت امسال، مردم نه تنها با حوادث طبیعی دست و پنجه نرم می‌کنند بلکه کمک‌های بشری هم به صورت عادلانه برایشان توزیع نمی‌شود. از این رو بیکاری و فقر گسترده و دامنگیری به وجود آمده و تعداد زیادی از مردم به ویژه- کودکان و نوزادان- به علت سرما و عدم دسترسی به مواد سوختی جان‌هایشان را از دست داده و تعدادی هم به علت کمبود امکانات و عدم دسترسی به دارو و خدمات صحتی لازم به امراض صعب‌العلاج دچار شده‌اند. تا آن جایی که خانواده‌ها در بدل پول ناچیز فرزندان‌شان را می‌فروشند. طالبان از زمان تسلط‌شان در افغانستان حتی کتابخانه‌ها و ابدات تاریخی و فرهنگی ما را به آتش کشیده و نابود ساختند و کشور را به زندان بزرگ بشر به ویژه - زندان زنان- تبدیل نموده و مردم را با بحرانی بی‌سابقه

فقر سواد، فرهنگ، اقتصاد و صحت ... مواجه ساخته‌اند. طالبان با نظام تحمیلی و نامشروع بر مردم افغانستان حاکمیت می‌نمایند و تمام خواسته‌های نامشروع‌شان را بر آنها تحمیل می‌نمایند.

امید همه مردم افغانستان در سراسر دنیا به یأس، ناامیدی، درد و ناراحتی‌های متواتر مبدل شده است. ما اعضای اشتراک‌کننده کنفرانس ویانا، بر اصل منشو رسازمان ملل متحد که برای نخستین بار احترام به حقوق بشر را با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی پیوند داد و تأمین آن را یکی از وظایف خویش خواند، متعهد می‌باشیم. هم‌اکنون این شرط و پایه تأمین صلح و امنیت بین‌المللی توسط حکومت طالبان به صورت علنی مورد بی‌حرمتی قرار گرفته و زیر پا شده است. ما، تمامی اعمال این گروه را مطابق با نظر داشت این اصل حیاتی، تقبیح و محکوم می‌نماییم. امروز ما زنان برون مرز در این کنفرانس به این نتیجه رسیدیم که برای احیا و اعاده حقوق زنان و دختران و آینده‌ای روشن در افغانستان باید به حرکت‌های بزرگ و عملی (نه حرکت‌های نمایشی) اقدام نماییم. کنفرانس کنونی به تعقیب

کنفرانس

۲۰۲۲ که در ویانا برگزار شد و ما را مصمم‌تر ساخت تا فعالانه به مبارزه علیه هرگونه تبعیض جنسیتی، نژادی، قومی، مذهبی، زبانی، ادامه دهیم و مصرانه از سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهیم که از چنین فجایع در کشور ما جلوگیری شود تا در آینده هیچ ملت و گروهی در منطقه و در سراسر دنیا شاهد چنین فجایع ناگوار نشوند.



قطعه‌نامه کنفرانس وین تحت نام "انقلاب زنان"، در خصوص بسته شدن مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران و زنان در افغانستان و ممنوع کردن آنها از کار و فعالیت‌های اجتماعی امروز ۱۱ مارچ سال ۲۰۲۳ در وین پایتخت اتریش برگزار گردید.

وضع محدودیت‌ها و صدور همه‌روزه فرمان‌ها و اعلامیه‌های جدید از سوی حکومت طالبان برای زنان و دختران از ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ به صورت مستند جریان دارد و زنان و دختران به خصوص - فعالان مدنی و حقوق بشر- در تمامی عرصه‌های علمی، تحصیلی، سیاسی، اقتصادی، صحتی، هنری، ورزشی و تفریحی تحت تعقیب، پیگیری، شکنجه و تجاوز جنسی قرار گرفته، زندانی یا به گونه‌ی مرموز ناپدید و یا هم به قتل رسیده‌اند و در مجموع زنان از حقوق اولیه و اساسی‌شان محروم شدند. تعدادی از دختران محروم از تحصیل در کمال ناباوری در مواجهه شدن با سرنوشتی مبهم و تاریک دست به خودکشی زدند. تعدادی هم به ازدواج‌های اجباری تن دادند. افزون بر این، زنان وکیل مدافع، قضات، کارکنان محاکم و سارنوالی و زنانی که در اردوی ملی و پولیس کار می‌کردند و توانستند به کشورهای همسایه پناه ببرند هنوز هم تحت تعقیب و تهدید قرار دارند و در وضعیت اسفبار و ناگواری به سر می‌برند.

همچنان حکومت طالبان تغییرات عمده، اساسی و فوری را بر نظام تحصیلی که زحمات چندین ساله آکادمسین‌ها و نخبه‌های افغانستان بود به وجود آورده، استانداردهای آموزشی را در نظر نگرفته و تعبیرهای خود از دین؛ یعنی انتحار و تندروی و خانه‌نشینی زنان را به وجود آورده، عملی می‌نمایند.

سیاست اصلی طالبان همانا ضدیت با زنان است که در حال حاضر مورد هدف قرار گرفته‌اند، آنها دین را بهانه قرار داده، زنان و دختران را در گردابی از هلاکت و نابودی غوطه‌ور می‌

هستند و معتقد براین هستند تا دختران شان زیر سلطه طالبان و بر اساس ایدیولوژی ها و تفکر طالبانی به مکتب نروند، وگرنه زن و مرد این سرزمین تروریست پرورش می یابند، ازین رو، باید مکاتب و دانشگاه ها به روی زنان و دختران مطابق نورم و استندردهای قبول شده ی بین المللی (دو دهه اخیر) باز شود؛ و درجهت توانمندسازی و ارتقای ظرفیت های زنان نیز کار شود. همچنان زمینه فعالیت های علمی، تحصیلی و پژوهشی رایگان به صورت آنلاین با پرداخت هزینه ها و ایجاد سهولت های دسترسی به اینترنت به کمک سازمان های معتبر خارجی برای زنان و دخترانی که از تعلیم و تحصیل بازمانده اند، فراهم شود.

۶- سازمان های حمایت کننده اقتصادی جهت جلوگیری از بحران فقر و اقتصاد در کشور به افراد بیکار به خصوص- زنان سرپرست خانوار- زمینه آموزش های خانگی را فراهم نموده، در جهت خودکفایی هرچه سریع تر آنها تلاش و کمک نمایند.

۷- در اتریش و سایر کشور ها، با وجود حمایت و کمک های انسان دوستانه همیشگی شان از مهاجران زن، متأسفانه اکنون شاهد دریافت جواب منفی تعداد زیادی از زنان معترض پناهنده از محاکم هستیم، از مسؤولان اداره های محترم مهاجرت صمیمانه تقاضا داریم با توجه به شرایط کنونی افغانستان، جهت حل مشکلات این زنان و ادغام هرچه سریع تر آنها در جامعه، توجه جدی مبذول داشته و تجدید نظرشان را در این زمینه خواستاریم.

۸- سازمان های بین المللی که در راستای پذیرش مهاجران فعالیت دارند، مدافعان و فعالان حقوق بشری واجد شرایط را که در کشورهای همسایه ی افغانستان در وضعیت اسفبار زندگی می کنند، هرچه سریع تر زمینه دسترسی شان به امکانات اولیه زندگی را فراهم نموده و زمینه انتقال شان را به کشورهایی که کیس پناهنده گی دارند، فراهم سازند.

۹- زنان شرکت کننده در این کنفرانس خود را موظف می دانند تا در ایجاد ارتباطات منظم با سایر زنان بیرون مرز و زنان افغانستان و سازمان های مدافع حقوق زنان در سراسر جهان پیوند ها و شبکه های گسترده ای را ایجاد نموده و برای تأمین حقوق و آزادی های انسانی شان تلاش همه جانبه نمایند.

زنان اشتراک کننده کنفرانس

ویانا- اتریش

۱۱ مارچ ۲۰۲۳

ما از حقوق زنان و دختران در بند طالب، در مقابل تهدیدها، محدودیت ها و قتل فعالان مدنی قاطعانه دفاع کرده و اعلام می نماییم که تحصیل، تعلیم، آزادی های مدنی، کار و برخورداری از زندگی سرشار از آرامش و سالم حق مشروع آن هاست.

متأسفانه و با دریغ و درد باید گفت: تاکنون هیچ کشور و سازمانی در مورد حذف سیستماتیک زنان افغانستان از جامعه و ظلم و ستم بر آنها به صورت عملی واکنش نشان نداده است. سازمان ملل و پارلمان اروپا و بسیاری از پارلمان های جهان تاکنون سکوت اختیار نموده اند. به همین دلیل ما زنان افغانستان که از کشورهای مختلف در این کنفرانس گرد هم آمده ایم، از همه ابرقدرت های جهان و جوامعی که از دموکراسی و حقوق بشر دفاع می کنند و همچنان از سازمان ملل، می خواهیم تا از مردم ما به خصوص- زنان و دختران کشور ما - پشتیبانی همه جانبه نموده نکات ذیل را هرچه سریع تر عملی نمایند:

۱- حکومتی همه شمول، مردمی و نظامی مشروع به اساس رأی مردم با مشارکت سیاسی زنان ایجاد گردد و زمینه دسترسی مردم به خصوص- زنان و دختران- به حقوق اساسی و آزادی های مدنی که حق شهروندان کشور است فراهم گردد و عدالت اجتماعی نیز تأمین شود.

۲- سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زنان و کودکان، جهت بررسی قضایای خشونت، ظلم و ستم طالبان بر زنان و دختران در افغانستان هیأت هایی را به صورت متواتر و منظم؛ جهت نظارت از امور طالبان به افغانستان بفرستند. یافته ها و گزارش های آنها به دسترس رسانه های بین المللی قرار گیرد و به کمک مردم نیازمند بشتابند همچنان محدودیت هایی که در مقابل زنان وجود دارد، فوراً برداشته شود و همسو و همنا با مردم افغانستان باشند.

۳- فعالان مدنی که در زندان های طالبان به سر می برند، هرچه سریع تر آزاد شوند. به اختطاف، ترور، شکنجه و قتل های مرموز خاتمه داده شده، اجرا کننده گان و عاملان این جنایات شناسایی شوند.

۴- قدرت های بزرگ جهان از صدور اعلامیه ها و خواهش ها صرف نظر نموده، دست به دست هم داده از برخوردهای دوگانه با افغانستان خودداری نموده و در دفاع از حقوق بشر و حقوق زنان و کودکان این سرزمین گام های عملی و واقعی بردارند.

۵- با توجه به اینکه در حال حاضر تعداد زیادی از خانواده ها مخالف رفتن دختران به مکاتب و دانشگاه ها



حسن نوروز

نوروز جشن که انکارش مصادف است بانکار طبیعت. نوروز در خودش ویژه گی مردمان را به نمایش میگذارد که در مقابل تیره گی و سیاهی با دسته های گل به پیشواز نور، زیبایی و روشن دلی از کابل تا دوشنبه، از بخارا تا خجند، از بلخ تا تهران و از شیراز تا سمرقند، از غزنه تا نیشاپور هر سال برگزار میشود

جشن نوروز از میله های بهاری گرفته تا خانه تکانی، تهیه هفت میوه و پختن انواع خوردنی ها و شیرینی ها تا پختن نذر سمنک، بردن نوروزی برای نامزد ها، حنا زدن بر دست دختران، تخم جنگی و نوای خوش دف و سروده های بهاری

و غیره، همه و همه رنگ و رونق این سال را بیشتر می ساخت. میله سمنک پزی از همان مراسمی است که هم نذر است و هم نوعی از میله های بهاری. همچو میله نوروز یا میله گل سرخ، جشن دهقان، جشن گل ارغوان، جشن گل نارنج و غیره برگزار میگردد که خویشاوندان

و دوستان گردهم جمع می شوند و با ساز و سرود به نواختن دایره و خواندن و رقص و پیا کوبی از سرشب تا صبح به شادمانی می گذرا نند. و در چنین روزی مطابق رسوم نیاکان ما هزاران سال است که مردمان به دامنه های کوه ها، کشتزار ها، دشته ها و جنگلها رفته با خنده و شادی و ترانه سرایی میپرداختند که خوشبختانه تاکنون با همه کوشش های درخیمان و دشمنان فرهنگ سرزمین زیبایی ما افغانستان برای از میان بردن و فراموش شدن این فرهنگ و جشن های باستانی کهن دیار ما داشته اند، که به جایی نرسیده اند.

نوروز در افغانستان پیشینه و تاریخی طولانی دارد. از گذشته های دور در این کشور جشن نوروز به مناسبت سال نو و بهار نو برگزار می شود. آغاز بهار و سال نو در افغانستان که نوروز نامیده می شود همه ساله با شکوه خاصی برگزار می گردد.

روز سه شنبه ۲۱ مارچ ۲۰۲۳ م که مطابق است به اول حمل سال ۱۴۰۲ خورشیدی، شروع فصل زیبای بهار و نوروز باستانی است.

درین روز اکثریت کشور های جهان بخصوص کشور های آسیای میانه مانند افغانستان، تاجکستان، ازبکستان، قزاقستان، ایران، عراق و سوریه و غیره کشورهای مختلف جهان و هزاران نفر در سرتاسر منطقه و جهان آغاز این فصل جدید را جشن می گیرند.

اینجا در اروپا هر نوع رسم و رسوم و فرهنگ و عنعنات از کشور های مختلف جهان آورده شده است و مردمانش آن را بطور کلتوری و عنعنوی به نمایش میگذارند. جای بسا خوشی و احساس لذت و آزادی به انسان میدهد. که از آن جمله مردم افغانستان نیز مستثنی نیستند.

اینجا در قلب اروپا پایتخت کشور اتریش، ما خانم های افغان نیز جشن نوروزی و میله سمنک را مطابق رسوم و عنعنات کشور ما

افغانستان برگزار کردیم. این برنامه با هفت میوه، غذا های محلی افغانی، موسیقی و سروده های بهاری شماری از اشتراک کننده گان همراه بود. بعضی از اشتراک کننده گان گفتند که برای اولین بار است که دور از وطن یعنی در عالم مسافری، دور هم نشستیم هفت میوه میخورند و باهم سمنک می پزند. البته این برنامه خاطرات محافل سمنک پزی وطن را زنده ساخت. در ضمن ایشان فرمودند که این محفل همخوانی با جشن های بهاری به مناسبت سال نو در کابل و دگر ولایات کشور ما را داشت که همه دور هم جمع میشدند و خوشحالی و شادی میکردند.

اینجانب معصومه صفاعضو فعال کانون فرهنگی اکیس، منحنیث نهاد برگزار کننده یی جشن نوروزی امسال و میله سمنک، خواستم این برنامه را با بقیه خانم های همکار از کانون اکیس به اشتراک بگذارم تا همه از آن مستفید شوند. این جشن فرصتی خوبی شد تا با دوستان خود پس از سالها دوری از وطن، دوری خانه و کاشانه آبیایی و اجدای ما، دور از خانواده و عزیزان با دوستان بعد از مدت طولانی باهم بنشینیم و سال نو را تجلیل کنیم. ناگفته نماند که اشتراک در همچو برنامه ها زمینه آشنا شدن بیشتر هموطنان ما را در تمام کشور های جهان بخصوص کشور اتریش را فراهم میسازد.

البته هدف از برگزار کردن این جشن در دیار غربت، بیشتر خوشی و شاد بودن زن ها بود.

محفل با سرودن مکرر آهنگ قدیمی افغانی، سمنک در جوش، ما کفچه زنیم، دیگران در خواب، ما دفچه زنیم! شعری از قدیم که زنان با خواندن آن و پختن سمنک از نوروز استقبال می کنند پایان یافت.

حضور خانم ها که درین محفل گردهم آمده و با دف و آواز خوانی محفل را به پایان رسانیدند، هدف آن ها از زنده نگهداشتن آداب و رسوم گذشتگان است، که سالیان سال از نوروز استقبال کرده بودند.

امید داریم به اجابت بهار الهی که خنده هایمان دوباره گل کند و زندگی یک رونق دیگری بخود گیرد تا بتوانیم یکبار دگر در کنار خانواده ها و عزیزان ما در کشور خود ما جشنهای عید و نوروزی را تجلیل کنیم و از دور همی ها و داشته های زندگی لذت ببریم.

برگذار کننده: معصومه صفا

اشتراک کننده ها: بخش بانوان کانون فرهنگی اکیس شهر وینا کشور اتریش



يازوچی: دکتور شفقت یار قین و سباج

باربد» حقیده سؤز یوریتیلده دی. بو قصه اساسیده بیل کونلری سانیکه تینگ فصللر، ایلر، کچلر و کونلر گه اویغون بولگن حالده قوشیقلر یرمتگن مشهور بستهکارلر بارلیگی، فرشتهلر نینگ آوازیگه اوخشاگن سحرلی تاووشلری بیلن کیشیلر یورمکلرینی ضبط اپتوچی سازنده و خواندطر بار بولگی گه گواه بوله میز.

تیموریلر دوری، اینیقهسه، یورتمیز نینگ اینگ مدنیتلی و اولوغوار شاهلرین بیری بولگن سلطان حسین میرزا بایقرا حکمرانلیگی دوریده موسیقی نینگ رواجله نیشی حقیده کؤپ تاریخلر ده یازیلگن. جمله دن اوشه دور شاعری، رسامی و یازوچیسی زین الدین محمود واصفی نینگ «دایع الوقایع» کتابیده شعر و موسیقی بزملمری حقیده کؤپ واقعه لر تیلگه آلینگن. میر علیشهر نوایی نینگ «مجلس النفایس» اثری و ظهیر الدین محمد بابر شاه یازگن مشهور تاریخی کتاب «بابرنامه» ده قید اپتیلگنچیه، سلطان حسین میرزا بایقرا و اونینگ امیر و وزیرلری نینگ سرائیلری، خصوصاً رعیت پرور، عدالتچی و شاعر نوایی نینگ اوئیده هېچ بیر کچیه شعر، موسیقی و رقص بزمی سیز اؤتمگن.

بابر شاه، دنیا نینگ دبیرلی برچه مهم تیللریگه کؤپ بوله ترجمه قیلینگن «بابرنامه» اثریده تیموریلر سرائیده مشهور بولگن صنعتکارلر، شاعرلر، یازوچیلر، عالمر و اینیقهسه، موسیقه، رقص و قوشیق صنعتکارلری نینگ آتی و خصوصیت لرینی یازده دی. اؤرنک اوچون قویبدمگیلرنی تأکیدلشمیز ممکن:

امیر علیشهر نوایی نینگ موسیقه صنعتیده استادی خواجه یوسف برهان، ماهر شاعر همده موسیقه و انوار علمی نینگ مکمل استادی مولانا صاحب بلخی، عود و غیزک چالیش بویچه تپنگداشی بولمه گن استاذ قل محمد شبرغانی، انوار علمی، موسیقه و خطاطلیک صنعتیدن پیترلی بیلیمگه اپگه بولیشدن تشقری، اوز دوریده «قانون» چالغوسینی چالیشده هم بی تکرار بولگن خواجه عبدالله صدر. ابولوفای خوارزمی، محمد علی غریبی، مولانا سالمی، مولانا شیخی، پهلوان محمد کشتی گیر، مولانا شریتی و باشقلر، اینیقهسه، مولانا کمال الدین عودی و رقص ده جاذبهلی چیقیشلری و حرکتلری تکرارنمس و هر دایم ینگ بولیب کپلگن مشهور رقص

افغانستانده عالیمر موسیقه سی

بیز نینگ عزیز وطنیمیز حلی هم سنت لر و عرف- عادت لرگه باغله نیب قالگن یورت دیر. دنیاده و قوشنی مملکتلرده علم-فن و تخنیک رواجلنگن کؤپ جایلرده قانون حکم سورسه، بو اولکه ده قانون و حتا گاهی شریعت اؤرنیده عرف-عادتلر حکم سوریب، جمعیتیمیز و آدملر تقدیرینی باشقهردی. اعتقاد و عنعنلرنی اؤزگرتیریش جوده قیبن و کؤپ وقت طلب اپتهدیگان ایش دیر. شو سببلی، اولرنی مودرنیزه قیلیش، گلوبلشتیریش و قانونلشتیریش تامان حرکتینی تیزلشتیریش اوچون کوچ یا که باسیم بیلن اؤزگرتیریب بولمیدی.

جمعیتیمیز نینگ موسیقهگه بولگن تفکری و قرشلری هم خلق نینگ اعتقاد و عنعنلرین کپلیب چیقهدی و افسوس که، بو اعتقاد و عرف-عادتلر موسیقه نی اونچهلک معقول بیلمیدی، حال بو که اوزاق اؤتمیشده، یعنی 500-700 بیل و اوندن آلدینگ دورلر ده بو یورتده موسیقی حقیده بونده تصور یوق ایدی.

فردوسی نینگ «شاهنامه»، نظامی، امیر خسرو و امیر علیشهر نوایی نینگ «خمسه» لری، مولانا جامی نینگ «هفت اورنگ» اثرینی کؤزدن کچیرمدیگن بولسک، بو خطه نینگ هر کوی و کوچه سیده دف، نی، چنگ- قوبوز و تورلی چالغولر سپسی جرمگلب تورگنی گه گواه بوله میز. پادشاهلر، امیرلر و بایلر سرائیلرینی استاد سازندطر، پاریم و یاقیملی سپسلی خواندطر، ماهر رقص و رقصلر و شیرین سخن شاعرلر سیز تصور قیلیب بولمیدی.

بخارا پادشاهی کؤپ وقت بخارا دن انچه اوز اقدده جایلشگن شینم بیلاق ده قالگن ایدی و کمیده ینه اوچ آی قالیشنی ایسته گن ایدی. شونده اوز یورتی، خاتین و باله لرینی ساغینگن امیرلر و وزیرلر رودکی دن بیرار چاره تاپیش نی التماس قیلدیلر. رودکی «بوی جوی مولیان» شعرینی کویلب، چنگ چهلایب، موسیقه و شعر اویغونلیگی بیلن سامانی پادشاهنی شونچه لیک مفتون ایدی که بیر ایایگه اپتیک کویب، باشقه ایایگه اپتیک کویبیریشلری گه قره مه ی، آت چاپتیریب، آمو دریا نی کچیب، بخاراگه قیتگنی حقیده حکایه بار. ینه رودکی، سامانلر سرائیده اوز شعرلرینی و باشقه شاعرلر، جمله دن، دری شعریتی نینگ بیرینچی خانیمی «رابعه بلخی» شعرلرینی چنگ و چغانه اویغونلیگیدهگی یاقیملی آهنگ بیلن اوقیگنی حقیده تاریخلرده اوقیگن میز.

«خسرو و شیرین» قصه سیده ایکی موسیقه چی «نکیسا و

میر بدر.

هرات، شیبانیلر قۇلیگه اۇتگچ، صنعت نینگ تورلی ساحلری استادلری خصوصاً، موسیقه چیلر هندوستان گه بابری لر سلطنتی نینگ اساسچیسى، سخاوتلى، عالم و صنعت سپور پادشاه ظهیرالدین محمد بابرشاه سرايیگه کؤچیب باردیلر. هندوستان دیاری نینگ رقاصلری، خوانندهلری، موسیقه چیلری و بستهکارلری هم بولرگه قوشیلدیلر. بابرشاه و فرزندلری حمایتی آستیده برچه صنعت لر شو قدر تیز و برقرار رواجلندی که، 550 ییل وقت او زمان دن اوتگن بولسه ده، حاضرگچه سقلنیب تورگن اولر نینگ مدنی میراث لری، یازگن و ترجمه قیلگن کتابلری و قالدیرگن پارلاق ایزلری شرق و غرب خلقلری نینگ حیرتینی اویغاتدی.

امیر تیمور و اونینگ فرزندلری و نهورلری نینگ سرايیده، یعنی اوشه هرات تیموریلری و هندوستان بابری لری سرايیده بؤلگن شعر و موسیقه، تیموری و بابرلر حرمیگه هم یؤل آچگن ایدی. تیموری و بابری ملکلر نه فقط اوزلری شعر و موسیقه اؤرگنردیلر و کویلردیلر، بلکه صنعتکارلر و شاعرلرنی مادی و معنوی رغبتلندیلر، قۇلل-قۇتلردیلر.

کپینچلیک بو صنعت سپور اولکده موسیقهگه نسبتاً پېسیمیستیک قرهش استه-سپکین پیدا بولیب، آدملر اوزلری نینگ شادلیک دورلریده و تویلریده خراباتیلر نینگ ساز و آواز یعنی قوشیقلردن فایدهلنسلر هم، اولرگه پست نظر بیلن قرهشر ایدیلر. اینیقهسه، عیاللر موسیقه سیگه اؤرین یوق ایدی. کابل رادیوسی نشر اپتیه باشله گنده، کؤپ وقتلرگچه هیچ بیر عیال باشلاوچلیک قیلش یا اشوله- قوشیق آیتش گه جرات قیلامسدی. میرمن پروین حیرتلرنلی جسارتی و ددلیلیگی بیلن بو افسوننی بوزیب، ایلک بار قوشیق کویلب، یولنی رخشانه، ژیلا، سارا زلاند، آزاده، جلوه (افسانه)، ملینا، قمرگل و باشقه لرگه آچیب بېردی. البته، پروین خانیم جمعیت نینگ یوقاری طبقه سیگه منسوب ایدی. اونینگ آته سی بدخشان نینگ اتاقلی و عزت- حرمت و اعتبارگه اېگه بؤلکن باشلیقلردن بولیب، اوشه زمان حکومتی تمانیدن بوتون عایله سی بیلن کابل گه سورگون قیلینگن ایدی. مملکت باش وزیرى نینگ اۇغلى احمد ظاهر اوزى نینگ قوشیغی بیلن جمعیت نینگ موسیقهگه بؤلگن قرهشینى اوزگرتیرگنیدېک، پروین خانیم هم جمعیت نینگ موسیقهگه بؤلگن قرهشینى اوزگرتیردی.

1357 ییلده نور اوزگرنیشی بیلن بیرگه ینگى توزوم اؤرنه تیلدی. حیات نینگ تورلی ساحلریده سبزیلرلی اوزگرنیشلر یوز بېرگنیدېک، موسیقهده هم اوزگرنیشلر یوز بېردی. بیر تاماندن، محلی و اتنیک صنعت جماعه لری اوز خلقی و اولکه سی موسیقه صنعتی نینگ اېنگ اصل و ینگى نمونه لرنی موسیقه بیرملری و کنسرت لرده خلقه تقدیم اېتسه، ایگینچی تاماندن، هر بیر وزیرلیک و تشکیلات، حتا لیسسه لرده موسیقی گروهلری تشکیل اېتیلدی و بو گروه لر، اېنگ گؤزهل وطنپورولیک

و لیریک قوشیقلرنی اوشه دور تلویزیون و رادیوسیده یازیب قالدیردیلر. بو قوشیقلر حاضر هم کونقوللرنی قووانتیریب، خلقه کوچ- غیرت بغيشلب، ملی تویغولرنی اویغاتیب کېلامده. خصوصاً، عیاللر موسیقه سی رواجله نیب، عیاللر نینگ اېنگ گؤزهل اتی بیرینچی مرتبه تلویزیونده یازیب آلیندی.

1991نچی ییل دن کپین افغانستان ده حیات نینگ برچه ساحه لریده، اینیقهسه موسیقی و هنر و ادبیات ساحه سیده تورغونلیک دوری باشلندی. جهادی گروهلر نینگ اوز ارا اوروشلری برچه اقتصادی، اجتماعی و مدنی ساحلرگه توزه تیب بؤلمه یدیگن ضرر یېتکزدی. اینیقهسه، طالبلر نینگ بیرینچی پیدا بولیشی مملکت نینگ یوکسه لیشی و رواجلنشی گه هر تاماندن کته تۇسیقلر یرته تگنی بیلن موسیقهگه اېنگ کته اوتیب بؤلمس تۇسیقنی یسه دی. رادیو و تلویزیون دن نه فقط قوشیقلر ترقه تیلمه ی قالدی، بلکه بازارلر و پارکلر ده چالغو اسبابلری، ترانزیستور رادیولر و تلویزیونلر مانیتوری دارگه آسیدلی و یینجیب تشلندی و موسیقه بوتولنه ی تعقیقلنگن.

طالبان نینگ مغلوبیتی، وقتینچلیک حکومت، اوتیش دوری و سیلنگن حکومتلر نینگ اؤرنه تیلیشی مملکت موسیقه سی اوچون ینه بیر باشلنمه بولدی، اما ینگى حکومت، خلق ارا هم جمعیت و ناتو کوچلری کمکی ده کپلگن بؤلسه ده، لېکن برى بیر اوشه قورقوو و دهشت سازنده و خواننده لرنینگ وجودی و روحیده حاکم ایدی. افغانستاندن تشقریده یشه گن افغانستانلیک عیاللر اوزلرنی افاده اېتیشگه جرات قیلسه ده، افغانستانده گی عیاللر یوزلرنی آچیشگه هم جرات اېته آلیشمه دی.

موقت حکومت و اوتیش دوری حکومتی نینگ دستلېکی آیلریده خاتین-قیزلر ایشلری وزیرلیگیده وزیر اؤرین باسری بولیب ایشله گنیمده مشاعره و موسیقه توگره کلری، ادبی-بدیعی توگره کلر فعالیتینی یولگه قوییب، شعر و موسیقه نینگ جیمجیت آلاوینی قیته یاقیشگه حرکت قیلدیم. ایتالیا نینگ peace wives NGO سی یاردمیده ایتالیا نینگ تورلی شهرلریده افغانستان موسیقه فستیوالی نی یولگه قویدیم. بو فستیوال Afghanistanback to the music نامی آستیده اوتکه زیلدی و اونینگ رسمی آچیلشی نینگ بیرینچی کچه سیده

شب آرام

مصطفی تیموری

شب آرام جاری ست
شب آرام
برای بی سببی آغوش تو و من،
جاری ست

در شب آرام
گرگ شب
بیداری جام می شکند
نفس در سینه پیراهن حبس می شود
و
شب گردی های من، آغاز!
من در کوچه های زیبایی تو قدم بر می دارم
ابدیت جاری می شود
و
همنشینی خدا، آواز.

شب آرام
با بال و پر وقارگونه اش
به گذرمان در آینه می تابد
و بودن را
در بازتاب حقیقت عریان
به آتش می سپارد
ترانه می خروشد
اندیشه می خرامد
و من چشم در چشم
می آرامد.

شب آرام همچنان جاری ست
در شب همواره
چیزی،
چرایی،
نوایی نامریی هست

که دلتنگی های زلال تو و من را
به هم ببینند
تا سخن بگویم
رها شویم
سکوت اختیار کنیم.

شب آرام همچنان جاری ست
در شب، زمین از مرز آسمان
رهایی می یابد
عشق رنگ پناگاه حضور
می گیرد
شب رنگ آشنای رستن است
شب رنگ آشنای گسستن است
شب رنگ آشنای آراستن است.

شب آرام
همچنان در راز
بی سببی من و تو
جاری ست.

شب آرام
همچنان جاری ست

مملکتیمیز نینگ حرمتلی و مشهور صنعتکاری مهوش خانیم و کببئگی کچهلرده آذربایجان، لاتین امریکا، ایتالیا، افریقا و باشقه مملکتلر نینگ تنیقلی عیال صنعتکارلری چیقیش قیلشدی.

اوشه فستیوالده اوشبو فستیوالدن توشگن درآمدنی موسیقه صنعتی، اینیقهسه، افغان عیاللری موسیقه سی و افغانستان نینگ رسمی موسیقه مکتببئی جانلنتیریشگه صرفلش و بونینگ اوچون تورلی دونرلر یاردمینی جلب قیلش کبی قرارلر آلیندی، اما جهادی وزیرلر مصلحتی بیلن خاتین لر ایشلری وزارتی نینگ معینتی دن چپتله تیلگنیم طفیلی بو لایحه اوز ثمرهسینی بهرمندی. «طلوع» تلویزیونی تامانیدن 15 بیلدن بوین یولگه قوییلگن «افغان یولدوزی- ستاره افغان و ابر ستاره» موسیقه مسابقه سی و موسیقه ملی انستیتونی نینگ بنیاد ایتیلگنی یورتیمیز یاشلری و عیاللری موسیقه صنعتی نینگ یوکسه‌لشیکه کته تأثیر کورستدی. کببئگی بیللرده صحنه‌ده ینگچه مهارت، بیلیم و تجربه‌گه اپگه بولگن موسیقه یولدوزلری پیدا بولدی و موسیقه صنعتی اپسه استه-سپکین اوزی نینگ قدر-قیمت و موقعینی افغانستان ایچیده و تشقری سیده تیکلندی.

لپکن قیزیغی شونده که، شاهلیک دوری و داوود جمهوریتی، حتا جهادیلر و بیرینچی طالبلر دوریده هم افغانستان نینگ شمالیدهگی فاریاب، بلخ، سرپل ولایت لریده عیال قوشیقچی لر بار بولیب، اولر عیاللر دورهسینی قیزدیرگنلر. مزار شریفدهگی ملینا خانیم، سرپلدهگی ماهرو خانیم، اندخویدهگی سیزه گل خانیم شولر جملهسیدن دیر. البته، هرات، نگرهار، قوندوز و باشقه ولایتلرده عیال صنعتکارلر بولگندیر، لپکن حاضرچه اولر نینگ اسملری اپسیده یوق.

افسوس که ینه هم ایکینچی طالبلر دوری باشلندی و موسیقه حرام قیلیندی. شو بیلن موسیقه، هنر، ادبیات، فرهنگی ایشلر تاختب قالدی. قاچه آلالگن برچه موسیقه چیلر اولکه دن قاچیب، چپت ایلر گه آواره و مهاجر بولدیلر. فالگنلری قورقوو بیلن یاشینیب یشه ماقده دیرلر. بو احوال چانگچه دوام اپتیشی تنگری گه معلوم. ینگ بی دموکراتیک توزوم اورنه تیلیشی گچه فقط گینه افغانستان دن تشقریده اوز هنرلرینی دوام اپتیره دیگن قوشیقچی، کمپوزیتور و چالغوچیلریمیز گه امید باغلب قاله میز.

اولین ساگرد سفر جاودانه موجود آسمانی «مادرم»

تاج از فرق فلک برداشتن
جاودان آن تاج بر سر داشت
در بهشت آرزو ره یافتن
هر نفس شدمی به ساعد داشتن
روز در انواع نعمت باو ناز
شب بتی چون ماه در برداشتن
صبح، از بام جهان خون آفتاب
روی کیتی را منور داشتن
سنگه، خون ماه رو با آفرین
ناز بر افلاک و اختر داشتن
خون صادر مزرع سبز فلک
بال در بال کبوتر داشتن
خشمت و جاه سلیمان یافتن
شوکت و فرسنگندرد داشتن
تا بادد اوج قدرت زیستن
ملک هستی را منخر داشتن
بر تو ارزانی که ما را خوشتر است:
لذت یک بطنه مادر داشتن

فریدون مشیری



کودکان نوجوانان



متصدی صنفه و جعم آورک: مینا "میر"

برابر کودکان پسر هستند که شبانه گرسنه به بستر خواب می‌روند.

گزارش افزوده است که از هر ۱۰ دختر، ۹ تن آن‌ها گفته‌اند که طی یک سال گذشته وعده‌های غذایی آن‌ها کاهش یافته و از این بابت نگران هستند؛ چون آن‌ها وزن خود را از دست داده و نیز انرژی برای مطالعه و بازی برای‌شان نمی‌ماند.

صلیب سرخ: سوء تغذیه کودکان در افغانستان به ۹۰ درصد افزایش یافته است:

کمبود مواد غذایی، پیامدهای سنگینی بر سلامت جسمی و روانی کودکان بر جا می‌گذارد و آینده‌ی آن‌ها را تهدید می‌کند.

با حاکمیت طالبان سیستم اقتصادی و صحتی افغانستان از هم فروپاشید. میزان بیکاری و گرسنگی افزایش یافته است. علاوه بر آن، طالبان بر اساس برداشت سخت‌گیرانه‌ی خود از اسلام و سنت قبیله‌ای خود، محدودیت‌های شدیدی را علیه دختران و زنان وضع کرده و مکتب را به روی دختران بسته است.

خوشبختانه مجله بانو و کانون فرهنگ افغانستان توانسته است تا وظیفه ایمانی و وجدانی خود را در مقابل مردم افغانستان ادا نموده برای تعداد زیاد کودکان و والدین ایشان مواد خوراکی و همچنین لباس گرم زمستانی توزیع نمودیم جا دارد تا از احساس شریفانه رییس کانون فرهنگ افغانستان در اتریش، بنیانگذار و صاحب امتیاز فصلنامه بانو جناب میر تشکری نموده که ایشان در هیچ حالتی دست از معاونت برای بی بضاعت‌ها بخصوص اطفال کشور کوتاهی ننموده‌اند.

خواننده گان گرامی فصلنامه وزین بانو! بی نهایت خرسندم که در فصل جدید فصل که آغاز بهار را بما مژده میدهد، بازهم منیث متصدی صفحه کودکان و نونهالان مطالب ویا گزارش چندی را برای این شماره تهیه بدارم .

در این شماره خواستم گوشه ی از وضعیت کودکان افغانستان در حاکمیت طالبان را به شما انعکاس بدهم: خواننده گان عزیز!

باوجود تمام بدبختی های که دامنیگر زنان افغانستان شده است ، مشکلات اطفال و کودکان نیز، کمتر از ان نمی باشد.

سازمان حفاظت از کودکان، گزارش تازه‌ای را که از وضعیت کودکان افغانستان زیر حاکمیت طالبان منتشر کرده، نشان می‌دهد که دختران و برابر پسران از مشکلات افسردگی و گرسنگی رنج می‌برند و در انزوا قرار گرفته‌اند.

این خبر به همه معلوم است و امروز این در سطح جهان معلوم است ، هم‌چنان نشان می‌دهد که ۹۰ درصد دختران به مکتب نمی‌روند، در حالی که این آمار در بین پسران به ۴۰ درصد می‌رسد.

بر اساس مصاحبه‌هایی که در این گزارش صورت گرفته، ۸۰ درصد دختران در مقایسه با ۵۶ درصد پسران به مشکل افسردگی مواجه هستند و هم‌چنان ۷۰ درصد دختران در مقایسه با ۳۰ درصد پسران در اضطراب و ناامیدی نسبت به آینده‌ی‌شان به سر می‌برند.

گزارش افزوده است که ۹۷ درصد خانواده‌ها در افغانستان با مشکل غذایی مواجه هستند و در خانواده‌ها، دختران نسبت به پسران کم‌تر غذا می‌خورند.

در گزارش بیان شده است که حدود ۸۰ درصد مصاحبه شونده‌گان گفته‌اند در جریان ۳۰ روز گذشته شبانه غذا نخورده‌اند و گرسنه به خواب رفته‌اند. بر اساس این گزارش، کودکان دختر دو



Resolution

28.05.2022

Wien, Österreich

Nach Angaben des Welternährungsprogramms (WFP) ist mehr als die Hälfte der afghanischen Bevölkerung von Ernährungsunsicherheit betroffen. Das Land steht am Rande des wirtschaftlichen Zusammenbruchs, weil das Bankensystem nicht funktioniert und das Land zu sehr auf internationale humanitäre Hilfe angewiesen ist. Mehrere hunderttausend Afghanen waren gezwungen, das Land zu verlassen und in den Nachbarländern und im Ausland Zuflucht zu suchen. Die Errungenschaften der letzten 20 Jahre im Bereich der menschlichen Entwicklung sind in den letzten neun Monaten verschwunden. Seit die Taliban im August 2021 an die Macht zurückgekehrt sind, haben sie die Diskriminierung und geschlechtsspezifische Gewalt gegen Frauen und Mädchen in Afghanistan institutionalisiert. Sie haben Frauen von der Beschäftigung im öffentlichen Sektor ausgeschlossen und Mädchen jenseits der sechsten Klasse den Schulbesuch untersagt. Frauen, die "Essen, Arbeit und Freiheit" wollten, wurden unterdrückt. Das Recht auf freie Meinungsäußerung und die Medienfreiheit sind seit August extrem eingeschränkt. Viele afghanische Frauenrechtlerinnen, AktivistInnen der Zivilgesellschaft und JournalistInnen wurden inhaftiert, gefoltert, zum Schweigen gebracht und sind verschwunden. Im Mai haben die Taliban geordnet, dass Frauen sich in der Öffentlichkeit vollständig verhüllen müssen, einschließlich ihres Gesichts. Bei der neuen Vorschrift geht es nicht nur um die Verhüllung des Gesichts, sondern um die Leugnung der Existenz und der Identität der Frauen. Am 28. Mai 2022 versammelten wir, die VertreterInnen der afghanischen Diaspora in Österreich und mehreren europäischen Ländern, uns in Wien, um den Schutz der Grundrechte der afghanischen Frauen auf Bildung, Arbeit, Freizügigkeit und Teilnahme am gesellschaftlichen und privaten Leben zu fordern. Die Veranstaltung "Die Gegenwart und Zukunft der afghanischen Frauen" brachte verschiedene Gruppen der afghanischen Diaspora aus Europa zusammen, um die Herausforderungen zu diskutieren, mit denen afghanische Frauen in Afghanistan konfrontiert sind, und um zu erörtern, wie die afghanische Diaspora in Europa sich für sie einsetzen kann, um den Schutz für Afghanen im In- und Aus-



land zu stärken. Führende afghanische JournalistInnen, AkademikerInnen, ehemalige und aktuelle AktivistInnen und MusikerInnen einigten sich bei der von AKIS organisierten Veranstaltung auf mehrere zentrale Empfehlungen zur Bewältigung einiger der größten Herausforderungen für Frauen in Afghanistan.

Wir fordern die europäischen Regierungen, die politischen Entscheidungsträger, insbesondere die österreichische Seite, sowie die UN, internationale Organisationen und andere relevante Akteure auf, die Taliban für ihr brutales Vorgehen gegen das afghanische Volk zur Verantwortung zu ziehen.

1. Die Taliban nicht anerkennen, bis die De-facto-Machthaber die grundlegenden Menschenrechte des afghanischen Volkes anerkennen.
2. Aufstockung der humanitären Hilfe und Sicherstellung, dass die Taliban keinen Nutzen davon haben. Einbeziehung der afghanischen Diaspora in die Planung und Bewältigung der humanitären Krise in Afghanistan.
3. Nutzung der diplomatischen und finanziellen Möglichkeiten, um sicherzustellen, dass Frauen und Mädchen in ganz Afghanistan Zugang zu Bildung und Arbeit haben.
4. Gewährleistung eines fairen Asylverfahrens für gefährdete Afghanen und insbesondere afghanische Frauen. Die EU sollte sicherstellen, dass afghanische Frauen und Mädchen sicher durch die Nachbarländer reisen können.
5. Einbindung der aktivsten Diaspora-Organisationen in Europa, insbesondere in Österreich, um die am meisten gefährdete und marginalisierte Bevölkerung Afghanistans mit politischen und finanziellen Mitteln zu erreichen.
6. Wirtschaftlichen und diplomatischen Druck auf Pakistan ausüben, um die Ausbeutung der Afghanen durch Abzocke zu beenden. Pakistan war der Hauptunterstützer der Taliban-Monster und beutet nun die Afghanen durch den illegalen Verkauf pakistanischer Visa aus. Der pakistanische Botschafter im von den Taliban kontrollierten Afghanistan spielt die Rolle eines "Viceroy" in Afghanistan.
7. Die internationale Gemeinschaft und die europäischen Länder sollten so schnell wie möglich Druck auf die Taliban ausüben, um den Schmerz, die Probleme und die Not der afghanischen Frauen und Mädchen zu lindern.

BANU

ERSTE UNABHÄNGIGES
AFGHANISCHE FRAUENJOURNAL

Sehr geehrte Damen und Herren!

Der Verein AKIS, Afghanische Kultur, Integration, Solidarität ist stets bemüht Migrantinnen und Migranten in der neuen Heimat zu helfen, sich gut zurecht zu finden und bestmöglich zu integrieren. Aus diesem Grund entstand im Jahre 2000 die Idee, eine Frauenzeitschrift für Afghaninnen herauszubringen. Da Afghanistan ein strikt patriarchalischer Staat mit unfairen kulturellen Geboten Frauen gegenüber ist, die keineswegs mit Werten vereinbart werden können, welche als gerecht angesehen werden, haben wir es zu unserer Mission gemacht, Frauen über ihre Möglichkeiten und ihr Recht in einem Rechtsstaat aufzuklären und sie für Ausbildungen, Arbeit, Integration und Sport zu ermutigen. Anbei schicken wir Ihnen die Konzeptualisierung der Frauenzeitschrift Banu. Als non-profit Organisation fällt es uns immer schwerer die Herausgabe der Zeitschrift zu finanzieren. Ungern möchte wir darauf verzichten, Frauen, welche Gewalt ausgesetzt oder in Not sind und keinen Ausweg kennen, durch unsere Zeitschrift zu helfen.

1. Zur Idee von Banu.

1.1 Die Idee und die Anfänge.

Banu ist ein Magazin für afghanische Frauen und Mädchen und wird seit dem Jahr 2000 in Europa und den USA vertrieben. Banu ist ein Persisch-arabisches Wort und bedeutet auf deutsch Frau in einem gehobenen Sinn und vermittelt so auch die Wertigkeit der Frau in unserer Gesellschaft.

Das inhaltliche Ziel ist Frauen Zugang zu Bildungs- und Arbeitsmöglichkeiten in der neuen Heimat aufzuzeigen und sie über Gesetze aufzuklären. Die Zeitschrift ist in Farsi geschrieben und erklärt so die ersten Schritte der Integration in ihrer Muttersprache.

Herr Mir Ghousuddin (geborener Afghane mit österreichischer Staatsbürgerschaft und Wohnsitz in Wien) ist Gründer und Obmann des Vereins AKIS, Afghanische Kultur, Integration und Solidarität in Österreich. Für diesen Verein ist Banu ein wichtiges sozialpolitisches Kommunikationsinstrument. Es erfasst die Problemstellungen der Frauen aus Afghanistan. Mit der Beschreibung von kulturellen Events hat Banu auch eine kulturpolitische Aufgabe. Die thematische Gestaltung der Zeitschrift ist beispielgebend und von großer Bedeutung.

1.2 Selbstbestimmt in Wien: Banus Hauptschauplatz.

Die Intention ist, das Selbstbewusstsein und die Lebendigkeit afghanischer Frauen und Mädchen zu stärken. Zentrum der Auseinandersetzung mit diesen Lebensrealitäten bildet Wien, der Sitz des Vereins für Afghanische Kultur, Integration und Solidarität in Österreich und der Banu-Redaktion ist.

Das Hauptaugenmerk der Redakteurinnen von Banu liegt dabei auf der Förderung der Eigenständigkeit von Frauen und Mädchen innerhalb ihrer Möglichkeiten.

1.3 Menschen für Banu, bei Banu.

Die Mädchen- und Frauenzeitschrift wird von 60 Redakteurinnen getragen, die Artikel zu allen Lebensbereichen in ihrer Muttersprache schreiben. Die Chefredakteurin von Banu lebt in den Niederlanden. Mir Ghousuddin zeichnet in seiner Funktion als Vorstand des Vereins für Afghanische Kultur, Integration und Solidarität in und zu Öster-

ich, für Koordination, Vertrieb und Finanzierung.

1.4 Finanzierung.

Die Zeitschrift wird wegen der begrenzten finanziellen Mittel bis zu 400 Exemplaren aufgelegt. Die Produktionskosten einer Zeitschrift (Layout, Redaktion, Material und Druck) sind ca. 17 € pro Stück, also in Summe 3000 bis 3800 €. Innerhalb Österreichs wird Banu zum Preis von 10 €/Stück verkauft. Um aber vor allem ärmere Frauen, Mädchen und besonders Flüchtlinge zu erreichen wird sie meist gratis abgegeben. Es ergibt sich dadurch ein Defizit von ca.

2000 bis 2500 € pro Auflage.

Die Zeitschrift wird auch in andere Länder Europas und USA versandt. Die anfallenden Versandkosten tragen die Abonentinnen selbst.

2. Themen.

2.1 Die Rechtslage für Frauen in Österreich.

Das Leben der Frauen in Afghanistan ist, aufgrund einer stark patriarchalisch geprägten Gesellschaft, nicht selbstbestimmt. Das für Frauen aus Afghanistan am meisten bewegende Thema ist ihre Rechtslage in der neuen Heimat und den vielen Möglichkeiten, die sich daraus ergeben. Banu vermittelt Frauen in ihrer Muttersprache ihre neuen Möglichkeiten und macht klar, dass sie sich Wege zur finanziellen Unabhängigkeit erarbeiten können.

2.2. Gesundheit und frauenspezifische Fragen.

Durch ihre mangelhaften Sprachkenntnisse finden sich Frauen im Gesundheitssystem nur schwer zurecht. Banu vermittelt Frauen Informationen zu spezifischen Gesundheitsthemen, wie zum Beispiel der Brustkrebsvorsorge, Antikonzeptiva, Hygiene, etc. Sie werden dadurch nicht nur informiert, sondern auch ermutigt zur ihren individuellen Ansprüchen, aber auch ihrem Recht auf Gesundheitsversorgung zu stehen.

2.3. Bildung & Integration

Banu ermutigt Frauen, sich zu Sprachkursen und Schulausbildung anzumelden und unterstreicht die Notwendigkeit, dass Frauen auch an der Gesellschaft teilnehmen.

2.4. Gedichte – in der afghanischen Kultur ein gängiges Mittel zur Thematisierung aller, auch innerfamiliärer Probleme und Gewalt.

In Gedichtform nähern sich die Autorinnen von Banu dem heiklen Thema von innerfamiliärer Gewalt an. An dieser Stelle sei auf ein Gedicht verwiesen, dass die Migration als eine Wandlung vom Traum zum Alptraum beschreibt: Eine junge Afghanin war ihrem frisch vermählten Ehemann nach Österreich gefolgt, der sich als im Westen erfolgreicher Geschäftsmann darstellte. – In Österreich angekommen, zeigte sich, dass der Ehemann arbeitslos und gewaltbereit war. Eine Scheidung als Lösung würde aber die Familie in Afghanistan nicht akzeptieren.

2.5. Schlichtungsstelle und Betreuung

Banu informiert und vermittelt Links zu öffentlichen Einrichtungen wie Frauennotruf und Frauenhäusern. Es werden auch Beispiele und Fakten über diese Einrichtungen kommuniziert.

2.6. Beauty & Fitness

Die meisten Afghaninnen haben nie Schwimmen und selten Radfahren gelernt. Neben Sport- und Freizeitangeboten informiert die Redaktion von Banu auch über diese Möglichkeiten.

Liebe Freunde und Kulturbegeisterte!



Ich freue mich Ihnen/Euch die Erscheinung der 65. afghanischen Frauenzeitschrift „BANU“ bekannt zu geben.

Es ist der Versuch Frauen aufzuklären und sie dazu zu bewegen aktiv zu werden und an der Gesellschaft teilzunehmen.

In der Zeitschrift BANU werden Themen wie Lifestyle, Mode, Ernährung, Gesundheit, Frauenrechte, Integration, interessante Nachrichten und vieles mehr aufgezeigt.

Damit wollen wir die afghanischen Frauen über vieles informieren, aber auch für vieles interessieren. Das ganze Leben spielt sich nicht nur zu Hause ab, sondern es gibt noch eine Welt außerhalb, wo auch viele interessante Dinge geschehen. Dieses den afghanischen Frauen zu zeigen ist eines unserer großen Ziele in der Zeitschrift.

Auch wollen wir die jungen afghanischen Frauen anspornen, über sich hinauszuwachsen und sich somit ihr Bild auf der Titelseite unserer Zeitschrift zu verdienen.

Die Zeitung ist komplett in der persischen Sprache geschrieben, aufgrund der verschiedenen Nationalitäten unserer Käufer, welche sich in ganz Europa, in den USA, in Kanada und in Afghanistan befinden.

Das BANU Team ist stets bemüht, dass das Frauenjournal alle 3 Monate mit interessanten und aktuellen Themen erscheint.

In den 23 Jahren konnten wir die Zeitschrift ohne Unterstützung herausbringen. Nun jedoch brauchen wir Hilfe, um unser aufklärerisches Werk fortsetzen zu können.

Wir hoffen, dass Sie uns in dieser Richtung weiterhelfen können.

Mit freundlichen Grüßen

Ghusuddin Mir

Inhaber und Gründer der Zeitschrift

Und Obmann des Vereins AKIS

(Afghanische Kultur, Integration, Solidarität)

Ein besonderer Dank für die Zusammenarbeit geht an:



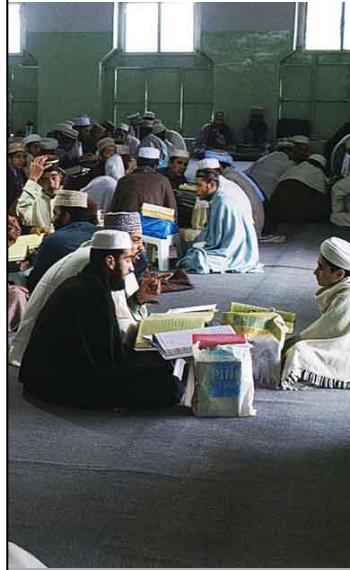
Pakistan's Patronage of Radical Islamist Groups: A Threat to Global Security



The recent arrests of Pakistani nationals in Greece over planned anti-Semitic attacks and the dismantling of the Gabar Group, a well-structured terrorist cell led by young Pakistanis, in Italy last year, have raised concerns about Pakistan's role in spreading radicalization and operating sleeper cells in Europe.

The Greek police arrested two young Pakistanis of Iranian origin over planned anti-Semitic attacks in central Athens, and Israel accused Tehran of being behind the plot. The Mossad helped untangle the intelligence of the network, its operational methods, and ties to Iran. The mastermind of

the cell was a Pakistani who lives outside Europe and coordinates terror activities in other countries. In September 2020, two people were randomly stabbed by Zaheer Hassan Mahmood, a young Pakistani man who had spoken of



dreams and premonitions. At the time, the West had largely attributed the violence to lone wolves and cultural differences. However, subsequent investigation revealed that

Mahmood was part of a well-structured terrorist cell known as the Gabar Group. This cell was made up of young Pakistanis living in various European countries, primarily Italy. In June, 14 Pakistani citizens living in Italy were arrested by the Genoa police, intelligence, and counter-terrorism department in what was called a "maxi-operation". The operation involved coordination between the Spanish Comisaria General de Informacion and the French counter-terrorism wing under the European Counter-Terrorism Center. The individuals were charged with criminal association with the aim of international terrorism.

Months before the attack, some of the arrested individuals had taken a selfie with Mahmood under the Eiffel Tower and posted it on social media with the caption "Be patient, we'll be back soon ... see you on the battlefields". The Gabar Group was led and coordinated by Yaseen Tahir and Nadeem Raan, both Pakistani nationals. Nadeem, also known as "The Peer", was the leader of the group and the driving force behind its initiatives. He was jailed in France, but still had a smartphone and remained in constant contact with Yaseen. Yaseen, who had previously been arrested for smuggling illegal immigrants from Italy to France, was the "brains" of the group. According to Italian police, all members of the group were actively spreading violent religious doctrines and had a strong anti-Western stance. They were in full adherence to the line of preachers who incite the killing of those who commit blasphemy. The Gabar Group was also found to be practicing rehearsals of stabbing and slaughtering during their meetings. Intelligence sources suggest that the Gabar Group is ideologically and perhaps even practically linked to the Tehreek-e-Labbaik Pakistan, a transnational network of jihad apologists with strong roots in Pakistan and the

Pakistani establishment. This reveals a wider, coordinated effort with money, ideological, and physical training and support involved in the spread of terrorism. Pakistan has long been accused of providing safe havens and financial and logistical support to terrorist groups, including the Taliban, al-Qaeda, and the Haqqani network. The country has also been criticized for not taking enough action against Islamic extremists and allowing them to propagate their ideologies and carry out terrorist activities.

The political use of Islam by the State has promoted an aggressive competition for official patronage within various sects. Pakistan's government, society, and military are at ideological crossroads, and this has affected the country negatively in all areas that define a functional modern state.

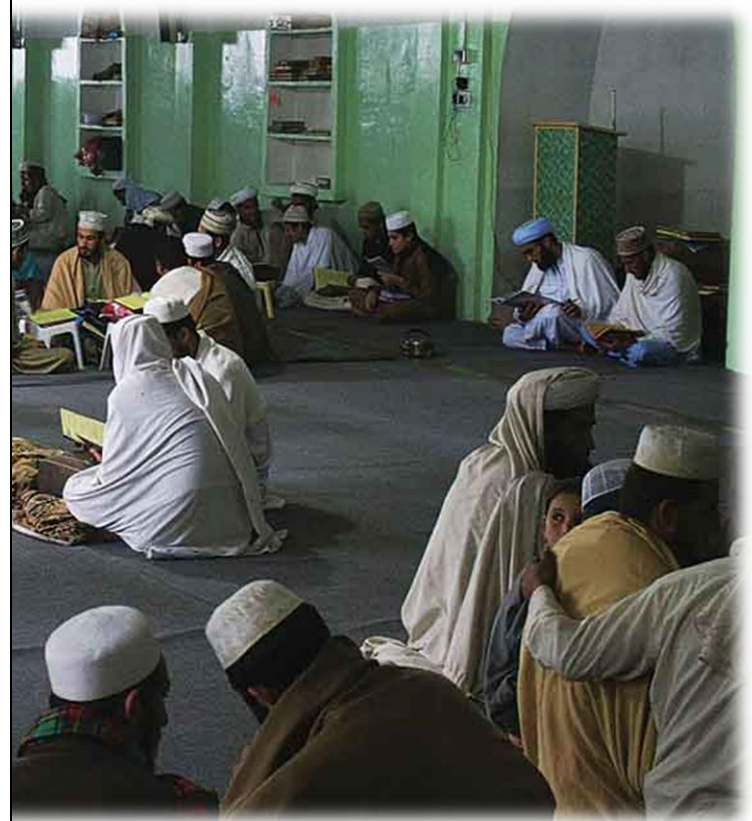
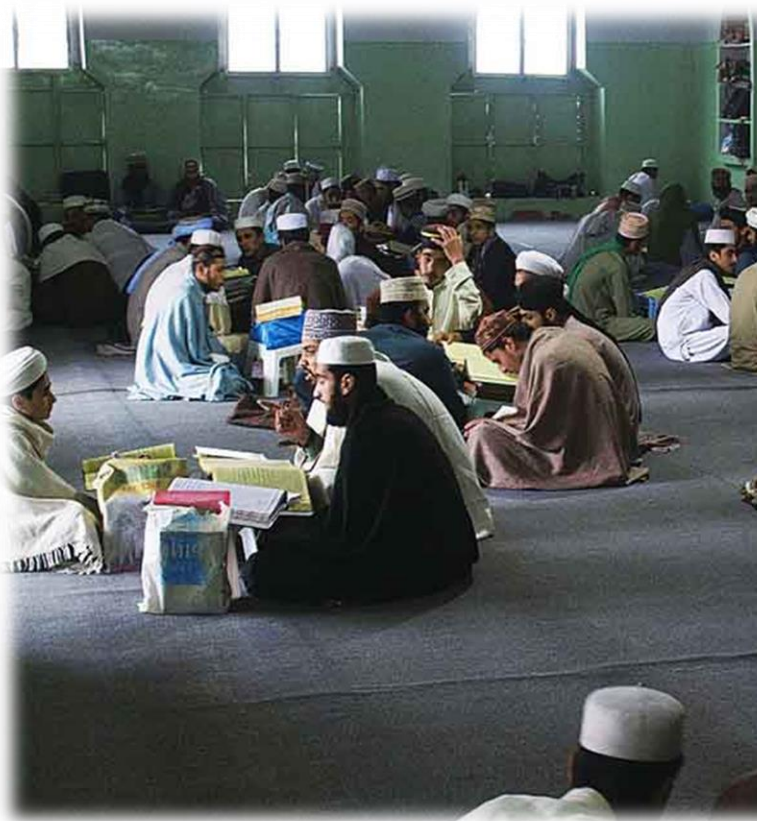
Military dictatorships in Pakistan have depended on religious parties to gain legitimacy from the masses. Unfortunately, the transition to democracy in Pakistan after long periods of military rule brought these religious parties to power with a confrontational agenda against the West. Most of these groups have criticized the West as anti-Islam, responsible for the exploitation of Muslims. Successive governments have

relied on these groups to ensure their success in the parliament. Weak political governments have been unable to initiate any policy measures against the radicals, for fear of retaliation, and fear that the religious parties would exploit the situation against them.

Further, the deteriorating economic conditions, unemployment, and lack of freedom of expression in society are all factors responsible for the growing number of radicals in Pakistan. With the patronage of Pakistani army, many of the extremist religious groups have become financially independent and all-powerful. With the active support of the government, they were able to circumvent the

international sanctions and generate funds for their radicalisation activities. With young population in Pakistan completely discontented with the State due to the lack of opportunities, they continue to fill the ranks of the jihadi organizations. When they travel out of -Pakistan, they export the same to the West and act a sleeper-cells in Europe.

The rise of the militant Islamist Jamaat-e-Islami under Sayyid Abul Ala Maudidi led to an increase in "Indophobia" or anti-Indian sentiment in Pakistan. Radical Islamist leaders in Pakistan have advocated violence against India for decades, while Pakistan supported and nurtured the



"Mujahedins". The Sustainable Development Policy Institute conducted a study on ideologically driven school textbooks and found that since the 1970s, Pakistani textbooks have systematically promoted hatred towards India and Hindus. The ideology of Pakistan has been used to generate this hatred, with the existence of Pakistan defined solely in relation to Hindus. Therefore, Hindus are portrayed in as negative a light as possible to uphold the ideology of Pakistan.

Pakistan's geographical location and its role as a frontline state in the US-led war against terror have made it a breeding ground for terrorists. The Federally Administered Tribal Areas in the northwest and the Federally Administered Northern Areas in the northeast have turned into sanctuaries for sectarian and international terrorists or non-state actors and centers of arms and drug trade. The political disenfranchisement and total neglect of these regions have contributed to the rise of militancy in the society.

The threat of terrorism from

Pakistan to the Western world is real and should be taken seriously. The radicalization of youth in urban areas, the lack of freedom of expression, and the deteriorating economic conditions are factors that contribute to the rise of terrorism in Pakistan. The international community must keep pressure on Pakistan to take more concrete and consistent measures to combat terrorism and extremism, including cracking down on extremist groups and their funding sources.



مکس ہائی ٹیخ



Kampf um die Rechte der afghanischen Frauen
Ein Leben voller Hoffungslosigkeit in der Vergangenheit, Leid, Folter und Unterdrückung in der Gegenwart sowie der Kampf um eine bessere Zukunft.



Banu. Erstes unabhängiges afghanisches Frauenjournal

BANU

Nr. 65 März. 2022

